



با خط درشت و در یک ستون، ویژه مطالعه روی کامپیوتر، تلفن دستی و ای پاد

شماره ۴۱۳، شنبه اول تیر ۱۳۹۸ - ۲۲ ژوئن ۲۰۱۹

سر دبیر: زینت میرهاشمی

هیات دبیران: منصور امان، زینت میرهاشمی

هیات تحریریه: منصور امان، زینت میرهاشمی، مهدی سامع

همکاران نشریه: امید برهانی، فرنگیس بایقره، اسد طاهری، کامران عالمی نژاد، فتح الله کیائیا

در این شماره می خوانید:

- سخنرانی زینت میرهاشمی در تظاهرات همبستگی با قیام و مقاومت مردم ایرانص ۲
- همه راه حل‌های یک رژیم ورشکسته و بی ثبات - منصور امانص ۳
- علائم آشکار فساد کلان در حکومت - زینت میرهاشمیص ۶
- گزارشی از شرائط اقتصادی و تاثیر آن در انتخابات پیش رو- رحمان جاریص ۷
- چالش‌های معلمان (خرداد ۹۸)- فرنگیس بایقرهص ۹
- دانشگاه در ماهی که گذشت (خرداد ۹۸) - کامران عالمی نژادص ۱۵
- کارورزان سلامت (خرداد ۹۸)- امید برهانیص ۲۰
- رویدادهای هنری خرداد ۱۳۹۸- فتح الله کیائیاص ۲۵
- تصویر تلخ - م. وحیدی (م. صبح)ص ۳۱
- یادداشت‌های فراموش شده (۱) // کارگران- امید آدینهص ۳۲
- یادداشت های فراموش شده (۲) // کولبران- امید آدینهص ۳۳
- زنان در مسیر رهایی (خرداد ۹۸)- اسد طاهریص ۳۴
- توسعه سبزی یک توهم است- جورج مونیبو/ فرایتاگ/ برگردان و خلاصه: بابکص ۳۹
- چپ مارکسیستی، از کابوسهای خامنه‌ای- مهدی سامعص ۴۲
- عراق میانجی یا طرف دعوا؟- منصور امانص ۴۴
- نُسخه مزورانه خامنه‌ای برای فلسطینیها- زینت میرهاشمیص ۴۵
- جنگ پیشگیرانه علیه موج همه گیر اعتراضها - منصور امانص ۴۶
- خامنه‌ای بر سر دو راهی محو شدن- زینت میرهاشمیص ۴۷
- شمارش معکوس برای پیامدهای حملات تروریستی اخیر - منصور امانص ۴۸
- تاکید بر واقعی بودن تهدیدهای رژیم- زینت میرهاشمیص ۴۸
- جنبش رنگین کمان بیشماران (خرداد ۹۸) - پویا رضوانیص ۴۹
- شهادی فدایی در تیر ماهص ۶۱

متن سخنرانی زینت میرهاشمی در تظاهرات همبستگی با قیام و مقاومت مردم ایران

بروکسل ۱۵ ژوئن ۲۰۱۹

دوستان آزادیخواه، زنان و مردان مقاوم و پایدار

درود بر همه شما که امروز برای همصدایی و همبستگی با جنبش انقلابی مردم ایران در این جا حضور دارید. امروز دیگر ما صدای بی صدایان نیستیم. چون صدایی که در شهر و روستا، در کوچه و خیابان، در کارخانه و محله، در دانشگاه و مدرسه و در زندان فریاد زده می شود آن چنان رساست که به گوش همه جهان رسیده است. اکنون ما با صدای پرتوان زنان و مردان ایران زمین همراهی می کنیم.

تحمیل فقر و تنگدستی به نام اقتصاد مقاومتی، دستگیری و آزار و اذیت فعالان کارگری، فعالان محیط زیست، فعالان کودکان، زنان و دانشجویان و دستگیری هر کسی که علیه این بیدادگری فریاد می زند پاسخ حاکمیت به مردم است. چپاول ثروتهای مردم برای تقویت تروریسم در منطقه به منظور تامین امنیت رژیم، ایجاد تنش و بحران در کشورهای دیگر، ترویج خشونت و جنگ طلبی بخش دیگر رفتار رژیم ولایت فقیه است.

اکنون اکثریت مردم ایران به ضرورت تغییر رژیم رسیده اند. مهم تر از این به این نتیجه رسیده اند که هیچگونه امیدی برای تغییر شرایط زندگی خود با ادامه حیات رژیم حاکم وجود ندارد. این را می توان در شعار مردمی دید که می گویند: می زنم فریاد هر چه باداباد

خواسته های مردم ایران به طور مشخص در شعار «نان کار آزادی» بیان شده و دیکتاتوری حاکم بر ایران نه می خواهد و نه می تواند برای عملی کردن این خواست عمل کند.

از این رو ما هر روزه شاهد جنبشهای اعتراضی و قیامهای شهری در ایران هستیم. جنبش رنگین کمان بیشماران علیرغم سرکوبهای گسترده، واقعیت ستیز مردم با رژیم استبداد مذهبی و در راس آن خامنه ای را در مقابل چشم همگان قرار داده است.

مردم ایران با وجود سرکوب وحشیانه و گسترده، در مسیر ساختن تاریخ سیاسی جدیدی گام بر می دارند. پیمودن این مسیر برای پایان دادن به استبداد مذهبی حاکم بر ایران، تنها و تنها به عهده مردم ایران و مقاومت سازمان یافته آنان است. این مسیر به طور کامل و قاطع با جنگ و مماشات مرزبندی دارد.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران که من جزئی از آن هستم اعتقاد دارد:

«خیزش مردم ایران با همه اصالت و عمق آن باید پیروز شود و شرایط برای تحقق خواسته های دیرین مردم فراهم گردد. بدون سرنگونی رژیم جهل و جنایت حاکم با همه باندهای درونی آن، هیچیک از خواسته های مردم تحقق پذیر نیست. از این رو ما زنان و مردان آزادیخواه ایران زمین را به اتحاد و مبارزه به منظور ایجاد جبهه همبستگی ملی برای سرنگونی رژیم استبدادی مذهبی ولایت فقیه و تحقق یک جمهوری لاییک، دموکراتیک و مستقل فرا می خوانیم.»

سپاس که به من گوش کردید

پیروز باشید

«ما بی شمارانیم و برای سرنگونی رژیم استبدادی مذهبی ولایت فقیه متحد و متشکل می شویم»

«مرگ بر دیکتاتوری، مرگ بر خامنه ای، زنده باد آزادی»

کمک مالی به سازمان چریکهای فدایی خلق ایران از طریق PayPal

به آدرس bedostan@gmail.com

همه راه حل‌های یک رژیم ورشکسته و بی ثبات

منصور امان

به موازات آنکه بحران خارجی، رژیم ولایت فقیه را به گونه تنگاتنگ تری در منگنه می فشارد، فشار آن بر جامعه و ضعیف ترین بخشهای آن به منظور گذاشتن هزینه و زیانهای این درگیری بر دوش آنها نیز شدت بیشتری می گیرد. حاکمیت حاضر نیست مداخله گری خارجی و صدور بنیادگرایی شیعی را که زندگی چندین نسل از مردم ایران را تباه کرده کنار بگذارد. "نظام" برای پیشبرد این سیاست ضد خلقی آماده است هر بهایی را بپردازد، به شرط آنکه از جیب خود و منافع سیاسی و اقتصادی اش پرداخت نشود.

سیلاب تورم

تاثیر مستقیم بحران خارجی رژیم ج.ا.ر روز به روز به گونه تکان دهنده تری در اقتصاد کشور و پیرو آن شرایط معیشتی دهها میلیون نفر نمایان می گردد. پول ملی که بعد از نخستین شوک اقتصادی ارزش خود را دستکم پنج برابر نسبت به قبل از دست داد، همچنان در برزخ تصمیمهای سیاسی و تحولات جاری در نوسان است. در این میان ریال ایران در کنار "بولیوار" ونزوئلا دو واحد از بی ارزش ترین پولهای جهان به شمار می روند. این امر برای کشوری که از کالاهای اساسی تا آب پنییر را هم وارد می کند و بازرگانی خارجی آن را تاجران حکومتی حریص و محترک پایش می کنند، به معنای یک فاجعه تمام عیار برای مصرف کنندگان عادی است که درآمد ثابت دارند.

ارقام و ابعاد کاهش ارزش پول و افزایش نرخ کالا در این میان به چنان حجمی رسیده است که حتی آمار دولتی در این رابطه که به طور معمول آرایش شده و با دستکاری منتشر می شوند نیز از عادی و معمولی جلوه دادن آن ناتوان گردیده اند. در همین رابطه مرکز آمار حاکمیت بشارت داده است که بهای مواد و کالاهای خوراکی در اردیبهشت ماه نسبت به ماه گذشته ۱۸ تا ۲۵ درصد افزایش داشته است. همین رقم در مورد برخی اقلام مانند پیاز، سیب زمینی، رب گوجه فرنگی و جز آن از جهشی ۳۰۰ درصدی نسبت به سال گذشته حکایت می کند.

اگرچه آمار یاد شده تنها بخشی از واقعیت جاری در بازار و جیب جامعه را بازگو می کند، اما این خود نیز اعتراف روشن حکومت به جاری شدن سیلاب بنیان کن تورم و افزایش سطح آن به صورت ماهانه و هفتگی است. مردم شاهد آن گردیده اند که به موازات پافشاری حاکمیت بر شعارها و توهمات خود، تامین کالای های اساسی برای ادامه زندگی و کسب توانایی کار، روز به روز هزینه سنگین تری را به دوش آنها می گذارد و به همین نسبت نیز ناممکن تر می گردد. بدون توجه به تلاشهای متقلبانه مراکز آمار دولتی و دستگاه تبلیغاتی حاکمیت، آنها دو یا چند برابر شدن نرخ کالاها را تجربه می کنند و بی تفاوتی و بی عملی گرداندگان کشور نسبت به شرایط وخیم خویش را با آمیزه ای از خشم و نگرانی می بینند.

فرصت چپاول

با این حال حاکمیت در برخورد به مساله بازار و نیازهای حیاتی جامعه آنچنان که به نظر می رسد منفعل نیست و آنجا که موضوع استفاده از "فرصت تحریم" و مال اندوزی از آن در میان باشد، بسا فعالانه و با تمام نیرو دست به کار می شود. یک جبهه وسیع متشکل از دولت، بیت و بارگاه آقای خامنه ای، تاجر مکتبی، سازمانها و دستگاههای نظامی و امنیتی، آقازاده ها و نورچشمیها، مدیران دولتی و مراجع حوزوی برای غارت مصرف کنندگان و "استفاده بهینه" از تنگنای موجود، به گونه شبانه روزی در حال فعالیت است. تاجران حکومتی که هر یک یا انحصار واردات و صادرات یک کالای مصرفی را در دست دارند یا از مجوزهای معجزه آسا برای واردات بازار پسند و صادرات اقلام روز بهره مند می شوند، به طور متناوب و دوره ای به یک کالای اولیه و پرمصرف هجوم می برند و با افزایش بها، در عمل آن را از دسترس بخش بیشتری از جامعه خارج می کنند.

به این پرسش که بحران خارجی حاکمیت چه فرصتهایی طلایی ای را برای آن و وابستگانش ایجاد می کند، نگاه به غارت ۲۴ میلیارد دلار که با ارز دولتی ۴۲۰۰ تومان به جیب باندهای حکومتی، تاجران، رانت خواران، نورچشمیها و اشخاص و مووسسات "خودی" ریخته شد، می تواند پاسخ بدهد. بخش نه چندان بی اهمیتی از این مبلغ زیر عنوانهای ساختگی به طور مستقیم به حساب گیرندگان رفت و هیچ کالایی با آن وارد نشد؛ با بخش بزرگتر کالاهای اولیه و مصرفی به کشور وارد شد، بدون آنکه موجب کاهش قیمتها یا دستکم جلوگیری از رشد بیشتر آنها گردد. برعکس، مردم کوچه و بازار با چشمان شگفت زده با جهش دو یا چند برابری بهای همان کالاهایی روبرو شدند که با ارز رانتهی وارد بازار شده بود. گانگسترهای اقتصاد ولایتی حلق خود را از دو مجرا می انباشتند: نخست از طریق دریافت ارز تخفیفی برای خرید کالا و سپس فروش همان کالا به نرخ ارز در بازار سیاه!

بسوزید و بسازید!

همانگونه که پیداست، این فقط تنش خارجی حکومت و تحریمهای بین المللی ناشی از آن نیست که گلوی جامعه را در چنگ خود می فشارد؛ سهم دیگر از فلاکت عمومی از آن فساد به مثابه بخش ذاتی و جدایی ناپذیر سیستم است. این دو در همان حال که پایه منافع سیاسی و اقتصادی دستگاه قدرت را تشکیل می دهند، همزمان سندهای ناتوانی جبری آن از تنظیم اقتصاد کشور و معیشت مردم بر اساس منافع همگانی و نیازهای واقعی به شمار می آیند.

اعتراضها و اعتصابهای که اغلب پراکنده و گاه سراسری اما در هر حال توقّف ناپذیر جریان دارند، سر باز زدن جامعه از قورت دادن شرایط غیرانسانی که به آن تحمیل شده را بازتاب می دهد. در این اعتراضها اما همچنین آگاهی نسبت به ریشه مشکلات نیز به گونه برجسته ای نمود می یابد. جامعه معترض شکاف در حکمروایی بر ثروت و اقتصاد از یکسو و شرایط وخیم زندگی خود را هر روز و به گونه دردناکی از نزدیک لمس می کند؛ تضادی که حاکمیت تلاش می کند با سرکوب بیرحمانه و خشن و جنگ روانی و تبلیغاتی تخفیف دهد.

شکست حاکمان ج.ا در خاموش کردن اعتراضها را به ویژه می توان در افسارگسیختی حمله آنها به مردم مشاهده کرد. شرایط عینی تناسب مستقیمی بین ناکارایی و سرگستگی حاکمیت در پایش اوضاع با درجه ای از وقاحت که به منظور تغییر این موقعیت به خرج می دهد، برقرار کرده است. راه حلهای گردانندگان جهنم برای ساکنان آن ساده است: بسوزند و بسازند. سرچشمه توصیه ملخ خوری حاکمیت به فرودستان همین راهکار است.

حاکمان ج.ا در قعر بحران اقتصادی و قلّه فساد سیستمی، برای پایش جامعه و دستکاری ذهنی آن فقط به ارایه آمار و بیلان دروغ در باره موقعیت اقتصادی کشور و دادن وعده های سر خرمن بسنده نمی کنند. به راستی نیز در عصر شبکه های اجتماعی و هنگامی که به اعتراف مقامهای رسمی فقط در یک پلتفرم اجتماعی (تلگرام) بیش از چهل میلیون نفر لحظه به لحظه به ردوبدل آزاد و شفاف اطلاعات از کوچک تا بزرگ ترین زوایای زندگی و یافتن و گره زدن ارتباطات مشغولند، بیشترین تاثیر یاره گوییهای فانتزی "مسوولان" بر ذهن جامعه، برانگیختن خشم و ریشخند آن است. امروز "نظام" برای تخفیف رنج و درد مردمی که از فشارهای معیشتی، ناکارآمدی و لُفت و لیس حاکمان به تنگ آمده اند، راه حلهای عملی نیز ارایه می کند.

برای نمونه، همزمان با هجوم آفت ملخ به کشور، حاکمان ج.ا ناگهان کشف کردند که این حشره ماده ای خوراکی است و مردم محروم ایران می توانند به جای همه آنچه که "نظام" از سفره شان ربوده، خوان خویش را با این نعمت رایگان آسمانی رنگین کنند. میلیاردرها تجربه طعم "شنیتسل" با خوردن ملخ را به گرسنگان مژده می دادند و اسلام سیاسی چهل ساله، با پرچم منقوش به ملخ صحرائی بر دوش به جنگ صفهای طولانی مواد غذایی و دستهای خالی می رفت.

کمی بعدتر یک "نجومی بگیر" دولتی که ردای وزارت نیرو را بر دوش دارد، به مردم معترض حمله برد که "زیاد غذا می خورند" و آنها را شماتت کرد: "چینیها با یک وعده غذا سیر می شوند." آقای اردکانی که خانواده اش را برای در امان ماندن از شر پیامدهای حکمرانی امثال خود به فرنگ فرستاده، با این حال از جامعه طلبکار نیز هست و او را مسوول تحریمها معرفی کرده و می گوید: "تحریم کنندگان فهمیده اند نقطه ضعف ما مصرف است. ما جامعه ای مصرفی هستیم."

راه حل‌های گردانندگان جهنم

در کنار رژیم غذایی ملخ صحرایی و روزه‌گیری داوطلبانه، راه‌های دیگری نیز از سوی گردانندگان کشور به میان افکنده می‌شود که به نوبه خود شنیدنی است. با این حال رییس دولت، آقای روحانی، وقت خود را برای طرح این گونه ابتکارات تلف نمی‌کند؛ برای او "کوچک شدن سفره مردم و در سختی زندگی کردن آنها" در اساس اهمیتی ندارد. وی می‌گوید دلخوش به این است که "دشمن بفهمد مردم ما دست از نظام شان بر نمی‌دارند".

زیر آهنگ این استدلال که اعتراف به قرارگرفتن در بُن بست است را به خوبی می‌توان شنید. "نظام" نه مردم مُعترض را می‌تواند خاموش کند و نه می‌تواند دست از بُحران آفرینی خارجی بشوید. تاکتیک تازه آقای روحانی مبنی بر شکایت از نداشتن اختیارات لازم، با ملاط همین بُن بست پرداخته شده. رییس قوه مجریه به این ترتیب تلاش می‌کند وضعیت فاجعه بار کنونی را پشت سر بگذارد و از آن بگریزد. او خود به خوبی از چگونگی تقسیم قدرت و اختیارات در ساختار "نظام" آگاه است و می‌داند که تقسیم کار جدیدی در کار نخواهد بود و دُرُست از همین نقطه نقشه فرار خود را می‌کشد. راهکار اصلی حاکمیت اما همچنان سرکوب است و در چهره تحمیلات فرهنگ ارتجاعی آن و دستورات دینی اش پدیدار می‌شود. هجوم گسترده دستگاه‌های امنیتی، انتظامی و اوباش بسیجی به سطح جامعه زیر پوشش "برخورد با بدحجابی" و "امنیت اخلاقی" که در هفته‌های اخیر شدت بیشتری گرفته است، در حقیقت نمایش قدرت و اقتدار حاکمیت به مردم مُعترض است. از آنجا که "نظام" راه حلی برای حل بُحران خارجی و بُحران اقتصادی ندارد و خیزش‌های سراسری از جنس اعتراضات توده‌ای دی ماه ۹۶ و بسا گسترده‌تر از آن را در چشم انداز می‌بیند؛ جنگی پیشگیرانه را علیه جامعه آغاز کرده است تا با تنگ کردن فضای تحرک آن، نیروی اعتراضی را به بند بکشد و بر سر جای خود میخکوب کند.

گشته‌های ارشاد، اوباش پیاده و سواره، خبرچین‌ها و پیامک نویسا همان نقشی را ایفا می‌کنند که جراثقال‌های اعدام دسته جمعی در دهه ۶۰. همانگونه که اعدام‌های وحشیانه در خیابان‌ها، ورزشگاه‌ها و میادین هدفی جز دهشت پراکنی و بردن ترس و اختناق به کوچکترین زوایای فکر و روان و خانه‌های مردم نداشت، امروز نیز رژه گزمه‌های حجاب و عفاف، اجتماعی کردن وحشت و ترور روانی جامعه را هدف گرفته است. سرکوب به جای نان، آزار به جای کار و زندان به جای آزادی، این راه حل حاکمیت برای مدیریت بُحران است.

برآمد

رژیم ولایت فقیه به موازات آن که با بُحران‌های بیهوده و ویرانگر خارجی و ناتوانی در مدیریت پیامدهای آن مشغول تباه کردن زندگی و آینده مردم است، با حرص و اشتهایی مثال زدنی به بهره‌گیری از تنگنای خودساخته دست‌گشاده و جامعه و ثروت و دارایی‌هایش را غارت می‌کند. "نظام" برای حفظ این مناسبات منحنط سیاسی و اقتصادی، شمشیر را علیه جامعه مُعترض از رو بسته است. با این حال تردیدی نیست که بُحران خارجی، اعتراض‌های توفیق ناپذیر داخلی و فساد که سر تا پایش را در برگرفته، قدرت حاکم را تضعیف کرده و نیرویش را هر روز کمی بیشتر فرسایش می‌دهد. ژست تهاجمی حاکمیت این ضعف دوگانه و بی‌ثباتی ناشی از آن را پوشش می‌دهد. جنبش‌های اعتراضی میدان‌های بُزرگ تری برای فتح دارند، اگر در نظر به این موقعیت خود را سازمان دهند و در صحنه عمل مُتأثر از آن، آرایش بگیرند.

کانال تلگرام نبرد خلق

@nabard_khalqh

https://telegram.me/nabard_khalqh

برای اشتراک نسخه چاپی نبرد خلق با آدرس زیر تماس بگیرید

nabard@iran-nabard.com

علام آشکار فساد کلان در حکومت

زینت میرهاشمی

شعارهای مردم به پا خواسته در اعتراضهای خیابانی به طور قاطع نشان می دهد چه کسی مسئول ویرانی اقتصاد و تحمیل رنج و ریاضت و تنگدستی به مردم است. این را از اعتراضهای فرهنگیان، بازنشستگان، کارگران، غارت شدگان و ... می توان مشاهده کرد.

حرکتهای اعتراضی همراه با شعارهای آگاه و هدفمند درست در مقابل تبلیغات و شعارهای حکومت است. سرایندگان این شعارها تمامی حکومت را به چالش گرفته و علیرغم سرکوب شدید، با قدرت حاکم همآوردی می کنند. باور به حکومت یا بخشهایی از آن یا پیدا شدن ناجی از دایره قدرت حاکم و یا هر کسی که تنش به حکومت سائیده شده باشد در میان مردم هیچ جایی ندارد. بر این امر، کارشناسان و سخنوران و تحلیلگران همراه با رژیم بارها صحنه گذاشته اند.

شعار زندانی سیاسی آزاد باید گردد تبدیل به یکی از شعارهای رایج حرکتهای اعتراضی شده است. شعار «جنگ افروزی را رها کن فکری به حال ما کن» که در تجمع بازنشستگان در روز سه شنبه ۲۸ خرداد داده شد، یکی از شعارهای مهمی است که همآوردی مردمی را، با وجود تبلیغات حکومت، نشان می دهد.

شعارهای «دشمن ما همین جاست دروغ میگن آمریکاست، سوریه را رها کن فکری به حال ما کن، یه اختلاس کم بشه مشکل ما حل میشه ...» نمونه هایی از شعارهایی هستند که در کف خیابان رو در رو با نیروی سرکوبگر فریاد زده شده است. واکاوی این شعارها، عدم پذیرش حکومت از طرف مردم و نیاز به تغییر شرایط برای دستیابی به اقتصادی سالم و مناسباتی عادلانه را نشان می دهد. این که مردم ایران خود را برای ساختن تاریخ سیاسی جدیدی آماده می کنند، واقعیتی است که همگان می بینند.

به این امر باید توجه داشت که رژیم طی چهار دهه با تمام نیرو تلاش کرده تا مسئول تمامی آسیبهای اجتماعی، افت سطح زندگی مردم، افزایش فقر و بیکاری را دشمن خارجی معرفی کند. ارتجاع مذهبی حاکم از جنگ ۸ ساله با عراق که بیشترین خسارت و ویرانی را به مردم ایران تحمیل کرد توانست برای محکم کردن پایه های قدرتش استفاده کند. از خاتمی که برای نجات موقتی رژیم از یک بحران عدم مشروعیت و تنفر مردمی روی کار آمد تا روحانی که برای حل بحران اقتصاد و گشایش درهای اقتصاد به روی سرمایه داران خارجی با رفع تحریمها پا به میدان گذاشت، هیچ کدام به اعتراف خودشات تدارکاتچی بیشتر نبودند. این چنینها در رکاب ولی فقیه و بازوی سرکوبش، سپاه پاسداران و بسیج و ... هیچکدام نتوانست بحران سرنگونی را حل کند. اگر چه رژیم توانست با کمک سرکوب در داخل و مداخله گری و تروریسم در کشورهای منطقه و سیاست ممانشات طلبی کشورهای غربی عمر خود را دراز کند اما همچنان با بحران سرنگونی و عدم مشروعیت درگیر است.

شرایط معیشت و کار مردم ایران برآمد سیاستهای چپاولگرانه و ویرانگر رژیم در زمینه اقتصاد است. اگر چه تحریمهایی که منتج از سیاستهای تروریستی رژیم در منطقه است تاثیر منفی بر زندگی مردم گذاشته است اما همان طور که در بالا اشاره شد پایه ویرانی اقتصاد و بحران به قبل از تحریمها باز می گردد. ساختار فاسد حکومت، کلان دزدیها، رانت خواری، رشوه خواری، زمین خواری، خاک دزدی، اختلاس و ... را نهادینه کرده است. حرکتهای اعتراضی غارت شدگان یک نمونه ای از نهادینه شدن فساد است.

لچنزار فساد حکومتی آنقدر گندیده و بو می دهد که گهگاهی پاره ای از آنها در بگو مگوهای باندهای حکومتی به بیرون درز می کند.

یکی از نمونه های فساد در مجتمعهای پتروشیمی است که بسیاری از آنها در مالکیت سپاه پاسداران است. رئیس فراکسیون مبارزه با مفاسد اقتصادی مجلس ارتجاع گفت که شرکتهای پتروشیمی برای فرار از پرداخت ۹ در صد مالیات بر ارزش افزوده در «تبانی با یک گمرگ عسلیویه، صادرات صوری انجام می دهند.» بنا به گفته این مجلس نشین از همدان،

صادرات صوری یعنی این که «کالایی از گمرک صادر نمی شود و فقط اسناد و مدارک کاغذی آن به گمرک مربوطه ارسال و مراحل صادرات روی کاغذ انجام می شود.» (بولتن نیوز ۲۲ خرداد ۹۸)

بدین محصولات بدون پرداخت مالیات بر ارزش افزوده در داخل به فروش می رسند.

رئیس کمیسیون شهرسازی و معماری شورای شهر تهران در رابطه با عوارضی که شهرداریها در هنگام صدور پروانه از مردم می گیرد و به جیب دولت می رود می گوید این عوارض تحت عنوان بیمه کارگری وصل به سازمان تامین اجتماعی گرفته می شود اما «به این نتیجه رسیدیم که هیچ رقمی از این مبلغ دریافتی قابل توجه، صرف بیمه کارگران ساختمانی نمی شود بلکه صرفا دولت برای تامین کمبود بودجه خود در سازمان تامین اجتماعی ... دریافت می کند...»

سهم بندی بودجه و ثروتهای مردمی دستاورد فساد نهادینه شده حکومت است. یک نمونه آن بی اهمیت بودن تحصیل کودکان، علم و دانش است. در فقدان بودجه دولتی برای آموزش، متاسفانه تحصیل از دایره رایگان و به عنوان یک حق برای کودکان خارج شده و تبدیل به امری خصوصی و پرهزینه شده است. یعنی هر کسی بامش بیشتر سوادش بیشتر است.

یک نمونه: سرانه دانش آموزی در ایران یک چهارم سرانه متوسط در دنیا است. بر طبق گزارش ایلنا «جمعیت ۱۳۰ میلیونی ژاپن، ۱۳ میلیون دانش آموز دارد و برای این جمعیت، ۱۶۵ میلیارد یورو بودجه در نظر گرفته شده است. کشور آلمان نیز حدود ۱۳ میلیون دانش آموز دارد و برای این تعداد، ۱۲۹ میلیارد یورو بودجه لحاظ شده است. در ایران با جمعیت مشابه دانش آموزی، در سال ۹۷ فقط ۶.۵ میلیون یورو بودجه تخصیص داده شده است... البته این آمار مربوط به قبل از جهش نرخ ارز است؛ با سه برابر شدن نرخ ارز، امروز این رقم به حدود ۲۰۰ دلار رسیده که یک چهارم متوسط جهانی و قابل قیاس با برخی کشورهای آفریقایی است.» (ایلنا ۳۱ خرداد ۹۸)

از آسیبهای این گونه تقسیم بندی بودجه، افزایش آمار کودکان کار است. بر اساس گزارش مرکز آمار و اطلاعات راهبردی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، رقم کودکان کار نسبت به سال ۹۵ و ۹۴ به ترتیب ۶ درصد و ۹.۶ درصد افزایش داشته است.



گزارشی از شرایط اقتصادی و تاثیر آن در انتخابات پیش رو

رحمان جاری

این روزها شرایط اقتصادی مردم ایران و یاس و ناامیدی به حدی رسیده است که ذهن تمام اقشار ملت ایران را فقط به تامین معیشت، شغل دوم، بدهیهای عقب افتاده اقساط، بانک، کرایه خانه، رهن، اقساط ماشین و لوازم خانه معطوف کرده است. به طور مثال از یک ایرانی که در خرمشهر باربر است، تا کارمند گمرک و دربان تا یک راننده ماشین سنگین که در میان آنها رانندگی می کند، تا رستوران دار بین راهی، تا انباردار اطراف تهران و واردکننده و صادرکننده ای که در یکی از دفاتر خیابان جمهوری تهران در حال داد و ستد است، از کارگران شهرکهای صنعتی تا تولید کننده های ریز و درشت، معلمان و فرهنگیان، کارگران و کارمندان شهرداری، تا راننده های تاکسی و ون و اتوبوس از تمام اقشار ایرانی (قشر متوسط به پایین) این سوال را بپرسید که آیا در انتخابات شرکت می کنید؟ عکس العمل تمام این مردم نگاه عاقل اندر سفیه است. سوال کننده را احتمالا احمق بدانند. چون جواب سوال روشن است. در صورتی که به صورت غیرمستقیم مورد مصاحبه واقع شوند با فوشهای آبداری به حکومت و دولت و همه کارگزاران نظام مواجه می شویم. ناامیدی و وضع بد اقتصادی تا به آنجا رسوخ کرده که اصلا برای مردم مهم نیست که تاریخ انتخابات چه زمانی است. نامزدها چه کسانی هستند. این مورد حتی در مورد شهرستانهای کوچک و دور افتاده از مرکز و پایتخت هم صادق است. شهرهای کوچک به علت بافت عشیره و طایفه ای وزدوبند جناحی همیشه بیشترین آمار شرکت کننده در انتخابات گذشته را به خود اختصاص داده اند.

از یک نفر سوال کردم: آیا در انتخابات آینده مجلس شرکت می کنید؟ در اولین عکس العمل، شانه اش را بالا انداخت و با نگاه خیره به من، علت پرسیدن این سوال را جویا شد و یا مثال و تعبیر همه سروته یک کرباسند، پاسخ داد. با مراجعه به جامعه آماری انتخابات، شاید انتخابات تنها دغدغه کنشگران سیاسی و ان جی او ها، فعالان سیاسی و افراد ذینفع باشد و یا شرکتها و سازمانهای مهم که دستی در فعالیتهای کلان اقتصادی داشته باشند، یا سازمانها، جمعیتها، احزاب، تشکلهای انجمن و گروههای سیاسی حکومتی و پیرامون آن. این عدم تمایل مردم به شرکت در انتخابات آینده نشات گرفته از مشکلات اقتصادی و معیشتی مردم است. شاید به جرات بتوان گفت: تنها کسانی دغدغه انتخابات را دارند که اولاً دغدغه معیشتی و اقتصادی نداشته باشند، ثانیاً دارای منافع جناحی، اقتصادی، اجتماعی در حکومت داشته باشند. که تعداد این افراد هم در برابر کل جامعه ایران بسیار اندک است.

رویکرد ضعیف حاکمیت، دولتها، کارگزاران و مجالس باعث حس بی انگیزه گی یا بی تفاوتی در جامعه امروز ایران شده است. حتی برای عامه مردم ایران دیگر حس ناسیونالیستی هم قادر به تحرک انتخابات در فضای پرشور و نشاط نیست. در گذشته همزمانی انتخاباتها باهم، مثل انتخابات ریاست جمهوری و شورای شهر، در کلانشهرها باعث تقویت حس قومی و نژادی شده و باعث افزایش حضور مردم در بای صندوقهای رای شد که البته با توجه به شرایط سخت اقتصادی معلوم نیست که دوباره این مورد جواب دهد.

اعضاء شوراهای کلان شهرهای ایران از مهاجران و اقلیتهای قومی بودند. در اصفهان لرهای بختیاری، در تهران اکراد، لرها و گیلکها، در مشهد و بندرعباس بلوچها، با اختلاف آرا به نفرت اول تا سوم رسیدند و زمینه رقابت بیشتر ریاست جمهوری را فراهم کردند. در واقع یک اجبار بود در کنار تعرفه شوراها تعرفه ریاست جمهوری را هم دریافت می کردند و بین بد و بدتر بد را نوشتند.

علیهذا، در کوچه و خیابان، از رهگذران تا کسبه و زنان خانه دار و دانشجویان و صاحبان مشاغل و کارمندان و کارگران نسبت به انتخابات بیش رو بی تفاوت و بی میل هستند. این عدم استقبال را از افراد مختلفی جویا شدم. از یک نانوا که سوال کردم در جواب دفتر نسیه نانوايي را نشان داد که بیشتر از پنجاه نفر از این نانوایی نان را به صورت نسیه برمی دارند و کارت یارانه را در اختیار نانوا قرار داده بودند. اینجا بود که به عمق فاجعه و ورشکستگی کامل اقتصادی کشور پی بردم. از کسبه سوال کردم و رانندگان دانش جویان و حتی دانش آموزان نکته قابل توجه این بود که همگی در یک موضوع اتفاق نظر داشتند و مسبب شرایط کنونی را شخص خامنه ای رهبر می دانستند.

حکومت هم به خوبی خطر بزرگ عدم شرکت مردم در انتخابات را فهمیده است و صد در صد اتاقهای فکرشان را راه اندازی کرده اند که این بار با چه ترفندهایی مردم را به پای صندوقهای رای بکشانند.

یکی از این ترفندها دعوت به صرف شام مُجَلَل از جانب کاندیداهای احتمالی مجلس است و جالب تر اینکه برای رد صلاحیت از طرف شورای نگهبان دغدغه ندارند چنین به نظر می رسد که چراغ سبز برای این مورد از حکومت دریافت کرده اند. مورد دیگر برای گول زدن مردم احتمال انتخابات زودتر از موعد ریاست جمهوری همراه با مجلس است به این ترفند که روحانی را کنار بزنند و این طور نشان دهند که حاکمیت دغدغه معیشتی مردم را دارد و تنها راه برای مردم شرکت در انتخابات و رای دادن است

نتیجه گیری

باتوجه به مصاحبه های انجام شده با افراد مختلف جامعه اینکه ترفندهای حکومت بتواند این بار مردم را به پای صندوق ها بکشاند تقریباً غیر ممکن است. بیشترین دغدغه جامعه مشکلات بسیار زیاد معیشتی و اقتصادی است به طوری که حتی در ذهن خود هم به انتخابات فکر نمی کنند. دلیل آن هم چهل سال دروغ و فریبکاری حکومت است، آنقدر که مردم جامعه در فکر براندازی حکومت هستند در فکر سایر موضوعات نیستند به این دلیل که کاملاً دریافته اند که این حکومت دیگر قابل اصلاح نیست و رهایی و رسیدن به رفاه را در براندازی می بینند. هر چه بیشتر به جلو می رویم این مورد بیشتر در جامعه نمود می کند. حتی ترفند کشاندن ذهن مردم به سمت جنگ نیز کارساز نبود است. مردم در یافته اند که مرگ با عزت بهتر از زندگی در ذلت است.

چالشهای معلمان (خرداد ۹۸)

فرنگیس بایقره

۷۰۰ مدرسه خصوصی اردبیل سیستم گرمایشی غیراستاندارد دارند

مدیرکل نوسازی و تجهیز مدارس استان اردبیل اطلاع داد؛ از مجموع ۹۱۷ مدرسه غیردولتی و پیش دبستانی این استان، بیش از ۷۰۰ واحد سیستم گرمایشی غیراستاندارد دارند.

دولت لطفی با این وجود مدعی شد: "به هیچ وجه به مدارس غیرانتفاعی فاقد تجهیزات و امکانات گرمایشی استاندارد مجوز فعالیت ارایه نمی شود."

در همین حال یک مقام بخش خصوصی مسوولیت مجهز نبودن مدارس را به دوش "مالکان ساختمانها" افکند. رییس هیات مووسسان مدارس غیردولتی استان اردبیل گفت: "صاحبان این واحدهای مسکونی که اغلب واحد خود را به مدارس اجاره داده اند، حاضر به تجهیز این واحدها به سیستم گرمایشی استاندارد نیستند و قصد هزینه کرد در این زمینه را ندارند."

نوعی اقدام تجهیز مدارس را به "مهلت دو سه ساله"، "وام ارزان قیمت" و "آب، برق و گاز رایگان" مشروط کرد.

اعتراض کانون صنفی معلمان به دور جدید پرونده سازی و سرکوب

شورای هماهنگی کانونهای صنفی معلمان با انتشار بیانیه ای از دور جدیدی از پرونده سازی و سرکوب فعالان صنفی خبر داد و خواستار خاتمه دادن به آن شد.



این تشکل در این رابطه به اجرای حکم محمدعلی زحمتکش در شیراز، بازداشت یاسر امینی آذر در مهاباد توسط نیروهای امنیتی و تفتیش منزل فعالان صنفی استان مازندران، آقایان حسین سلامی، علیرضا قربانی و محمدصادق وفایی و بازجویی از آنان در آخرین روزهای اردیبهشت ماه اشاره کرده است.

کانون صنفی افزوده است که در مشهد محمد حسین

سپهری به دادگاه فراخوانده شده و در کرج خانم نسرین بهمن پور برای چندمین بار توسط پلیس امنیت احضار و مورد بازجویی قرار گرفته است. به گفته کانون همچنین برای تعداد زیادی از معلمان توسط حراستها و هیات تخلفات اداری پرونده سازی شده است.

این تشکل تاکید کرده است که با وجود پیگرد و فشارهای یاد شده، "اما نکته مهم ایستادگی فعالان و دفاع آنان از حقوق صنفی و آموزشی فرهنگیان است."

شورای هماهنگی حملات اخیر به فعالان را محکوم کرده و "نسبت به پیامدهای سرکوب به حاکمیت هشدار داده است. این شورا در همین رابطه یادآور شده "برای احقاق حقوق معلمان و دانش آموزان آماده فداکاری است" و افزوده است: "اگر روند سرکوب فعلی متوقف نگردد، شورای هماهنگی از تمام ظرفیتهای و توان خود برای حمایت از فعالان صنفی و معلمان استفاده خواهد نمود."

بی آبی جان سه دانش آموز دختر را گرفت

سه دختر دانش آموز در منطقه دشتیاری استان سیستان و بلوچستان هنگام برداشت آب از هوتگ (گودال حفر شده برای ذخیره آب باران به منظور استفاده مردم و احشام) جان باختند.

این سه کودک به نامهای منیره خدمتی و مریم خدمتی، فرزند واحد و یسرا دلشب، فرزند ناصر از اهالی روستای "کمو بازار" یا "ولی محمد بازار" بودند که برای برداشت آب به داخل "هوتگ" رفته و غرق شدند.



از این سه دختر معصوم، دو نفر آنان ۹ و ۱۰ ساله و در سال تحصیلی جاری در پایه های تحصیلی دوم و سوم ابتدایی مشغول به تحصیل بودند. آموزش و پرورش استان سیستان و بلوچستان در همین رابطه با صدور اطلاعیه ای تاکید کرد: "از آنجا که دانش آموزان در تعطیلی به سر می برند، موضوع به هیچ عنوان به مدرسه و آموزش و پرورش ارتباطی ندارد."

مدارس آقازاده ها، مدارس طبقاتی

در روزهای اخیر تصویری از دو مدرسه در رسانه های حکومتی منتشر شد، تصویر نخست، مدرسه اشراف حکومتی در شمال پایتخت که دانش آموزان خود را به سفارت بلژیک و دیدار با سفرا می برد و عکس یادگاری دانش آموزان با سفیر را در فضای مجازی منتشر می کند. تصویر دوم، مدرسه ای در ایذه که دانش آموزان در آغل درس می خوانند. همین دو تصویر گویاترین روایت از وضعیت آموزش و تحصیل در جمهوری اسلامی است. به نوشته رسانه های مجاز، برخی از امکانات خاص و فوق برنامه های مدارس آقا زاده ها عبارت است از: "زبانهای خارجی مختلف، رباتیک، کلاسهای ورزش خاص، استخر و حضور در باشگاههای ورزشی مطرح." از دیگر امکاناتی فراهم شده برای آنها "ناهار و میان وعده در مدرسه، اردوهای متعدد در طول سال، زمین اختصاصی ورزشی، استفاده از معلمان مشهور و کنکوری و مشاوران خارجی" است.



برخی از صاحبان این مدارس، مقامات و مسوولان ارشد حکومتی هستند، از جمله: آیت الله محمد امامی کاشانی (مدرسه مطهری)، محسن هاشمی (روشنگر)، سعد حجابیان (سلام و انرژی هسته ای)، غلامعلی حداد عادل (فرهنگ)، الیاس قالیباف (مهره هشتم)، یحیی آل اسحاق (موتلفه)، محمد خاتمی (حنان)، محمدرضا مهدوی کنی و خانواده (امام صادق) و علی اصغر کرباسیان (احسان، علوی، روزبه، نیکان).

اشخاص غیرحقیقی یا کسانی که نام آنها محرمانه تلقی می شود، مانند نهضت آزادی (کمال)، "راست سنتی" (تزکیه)، "یکی از علمای مشهور" (هاتف) و "یکی از چهره های مشهور سیاسی" (صلحا)، از دیگر گردانندگان و مالکان مدارس آقازاده ها هستند.

تجمع اعتراضی مربیان پیش دبستانی خوزستان

بامداد روز شنبه ۱۱ خرداد برای باری دیگر، جمعی از مربیان پیش دبستانی استان خوزستان در اعتراض به عدم تبدیل وضعیت مقابل ساختمان اداره کل آموزش و پرورش خوزستان در اهواز تجمع کردند. یکی از مربیان پیش دبستانی حاضر در این تجمع از شهرستان هویزه گفت: بسیاری از مربیانی که در این تجمع شرکت دارند چندین سال سابقه کار در دوره پیش دبستانی دارند، من هم به مدت چهار سال است که در این دوره مشغول به کار هستم.

تجمع اعتراضی مربیان پیش دبستانی استان کهگیلویه و بویراحمد

بامداد روز شنبه ۱۱ خرداد، مربیان پیش دبستانی استان کهگیلویه و بویراحمد در اعتراض به نداشتن امنیت شغلی دست به تجمع مقابل استانداری و اداره کل آموزش و پرورش زدند.

چند نفر از تجمع کنندگان گفتند: هم اکنون وزارت علوم از جذب و استفاده از نیروهای پیش دبستانی خبر داده که متأسفانه به دلیل کد نداشتن کارکنان پیش دبستانی استان از این فرصت محروم هستیم.

تجمع اعتراضی جمعی از معلمان کرمانشاه

روز شنبه ۱۱ خرداد، جمعی از معلمان کرمانشاه در اعتراض به زندانی کردن معلمان و حکم انفصال از خدمت محمد حبیبی دست به تجمع زدند.

تجمع اعتراضی معلمان در مریوان

روز یکشنبه ۱۲ خرداد، معلمان مریوان در حمایت از معلمان زندانی و در اعتراض به حکم انفصال از خدمت محمد حبیبی معلم محبوس در زندان اوین و همچنین در اعتراض به پایین بودن حقوق شان، دست به تجمع زدند. تجمع کنندگان تراکت های اعتراضی در دست داشتند که روی آنها از جمله نوشته شده بود: دانشجو معلم اتحاد اتحاد/ ما خواهان حقوق بالای خط فقر هستیم/ برخورد قهری با معلمان محکوم است/ نه به حکم انفصال محمد حبیبی.

تجمع دوباره مریبان پیش دبستانی استان خوزستان

روز دوشنبه ۱۳ خرداد، جمعی از مریبان پیش دبستانی استان خوزستان در ادامه سریال اعتراضات شان نسبت به عدم تبدیل وضعیت مقابل استانداری خوزستان تجمع کردند. یکی از مریبان پیش دبستانی حاضر در این تجمع گفت: در یک هفته گذشته ۲ بار در اعتراض به اینکه چرا مریبان با سابقه به حق التدریس تبدیل وضعیت نمی شوند اعتراض کردیم که متأسفانه تا کنون هیچ مسوولی پاسخگوی ما نبوده است.

تجمع مریبان پیش دبستانی شوشتر

روز دوشنبه ۱۳ خرداد، جمعی از مریبان پیش دبستانی شوشتر در اعتراض به عدم تبدیل وضعیت دست به تجمع مقابل دفتر نماینده مجلس از شوشتر وگتوند زدند.

رئیس اداره آموزش و پرورش شهرستان شوشتر گفت: این مریبان حدود ۲۶۰ نفر هستند که از سال ۹۶ در پیش دبستانیهای شهرستان شوشتر به کار گرفته شده اند. وی افزود: به تازگی طرح استخدامی جدیدی با عنوان خرید خدمات در وزارت آموزش و پرورش در حال اجراست اما این مریبان خواستار تبدیل وضعیت به حق التدریسی هستند.

تجمع اعتراضی اولیای دانش آموزان هنرستان آزادی فلسطین

روز دوشنبه ۱۳ خرداد، جمعی از اولیای دانش آموزان هنرستان نمونه دولتی آزادی در اعتراض به وضعیت نامناسب آموزشی و مالی این مدرسه دست به تجمع مقابل این مدرسه واقع در میدان امام حسین، ابتدای خیابان دماوند زدند.

هجوم نیروهای امنیتی به منزل سخنگوی کانون صنفی معلمان گیلان



ماموران اطلاعات سپاه پاسداران روز دوشنبه ۱۳ خرداد به منزل عزیز قاسم زاده، عضو هیات مدیره و سخنگوی کانون صنفی فرهنگیان گیلان، در واجارگاه رودسر هجوم بردند و کلیه وسایل ارتباطی وی (موبایل، سیم کارت، رم) را با خود بردند.

عزیز قاسم زاده با انتشار یک ویدیو جزئیات این یورش را شرح داده است. به گفته وی، ماموران اقدام به گرفتن فیلم در خانه او کرده اند که با اعتراض او و اهل منزل مواجه شد، ولی آنها بی توجه به این اعتراض تا

پایان تفتیش به کار خود ادامه دادند. حضور ناگهانی ماموران موجب وحشت و نگرانی مادر و خواهران قاسم زاده گشته است.

این فعال صنفی توضیح داد که در هفته جاری پیامکی درباره ارجاع پرونده اش به بازپرسی شعبه ۱ رشت دریافت کرده، اما پس از مراجعه به این شعبه، مسوولان اظهار بی اطلاعی کرده اند و پس از آن در پیامکی دیگر اعلام شده که پرونده او به شعبه ۲ بازپرسی دادگستری شهرستان رودسر ارجاع شده، اما ساعاتی پس از آن ماموران به خانه او هجوم آوردند. عزیز قاسم زاده پیش از این در سال ۹۶ به اتهام خواندن تصنیف در کلاس هنر به یکسال تبعید محکوم و به شهرستان رودبار منتقل شده بود.

استعفای وزیر آموزش و پرورش

سید محمد بطحایی روز پنجشنبه ۱۶ خرداد از وزارت آموزش و پرورش استعفا داد. در دوره وزارت او نیز شرایط معلمان بهبود نیافت و به مطالبات آنان پاسخ داده نشد. اکنون به نظر می رسد وی زیر فشار اعتصابات و اعتراضهای سراسری معلمان که به طور متوالی و بی وقفه جریان دارد، به ناچار صندلی خود را رها کرد. در همین حال دولت روحانی تلاش می کند از استعفای وزیر خود برای کاستن از نارضایتی و اعتراض معلمان بهره برداری کند.

معلمان در دوره صدارت این وزیر کابینه از جمله با واریز نشدن حق التدریس، اختصاص نیافتن بودجه برای پرداخت مطالبات فرهنگیان در شب عید با وجود وعده های مختلف وزیر و معاون او و بلا تکلیفی در اجرای رتبه بندی روبرو بودند.

لغو امتیاز و اخراج یک مدیر مدرسه در مهاباد به دلیل رقص کردی

روز جمعه ۱۷ خرداد هادی بهادری، نماینده مجلس شورای اسلامی، از لغو امتیاز یک مدرسه غیر انتفاعی در مهاباد و اخراج مدیر آن خبر داد.

این اقدام پس از انتشار ویدیویی کوتاه در فضای مجازی از رقص دسته جمعی دانش آموزان یک مدرسه دخترانه به همراه معلمان خود در مهاباد صورت می گیرد.

انتشار این فیلم با استقبال کاربران شبکه های اجتماعی مواجه شد، اما اصلاان حیدری، دادستان مهاباد، آن را موجب "جریحه دار شدن افکار عمومی" دانست و از "برخورد با خاطیان در آینده ای نزدیک" خبر داد.

پیشتر از سوی مسوولان حکومتی اعلام شده بود به دلیل ایام امتحانات و مصالح دانش آموزان بررسی این پرونده به بعد موکول می شود، اما به گفته هادی بهادری "هفته گذشته جلسه ای در این باب تشکیل شده و به صورت جدی تصمیم به لغو امتیاز و تعطیلی کامل مدرسه گرفته شد."

برخورد سرکوبگرانه با شادی دانش آموزان پس از آن صورت می گیرد که به تازگی چالش رقص دانش آموزان چندین مدرسه با ترانه "جنتلمن" ساسی مانکن در ایران موجب موجی از حمله حکومت به دانش آموزان و معلمان شده بود.

شایان توجه است که رقص کردی از آیینهای سنتی محلی کردستان است و در جشنهای گوناگون در میان کردها بدون تفکیک زن و مرد مرسوم است.

مرخصی سه روزه به اسماعیل عبدی

اسماعیل عبدی، فعال صنفی معلمان محبوس در زندان اوین، روز شنبه ۱۸ خرداد مرخصی سه روزه دریافت کرد. عبدی، عضو هیات مدیره کانون صنفی معلمان، بعد از بازداشت در تیر ماه ۱۳۹۴، به اتهام "تبلیغ علیه نظام" و "اجتماع و تبانی برای ارتکاب جرم علیه امنیت کشور"، به شش سال زندان محکوم شد و از آن زمان در حبس به سر می برد. این مرخصی در حالی به اسماعیل عبدی داده شده که او روز پنجشنبه ۱۶ خرداد همراه محمود بهشتی لنگرودی، دیگر عضو کانون صنفی معلمان، به اندرزگاه هفت زندان اوین منتقل شد.

۸ ماه زندان برای محمدعلی زحمتکش

یک دادگاه تجدیدنظر در شیراز حکم دو سال حبس تعزیری محمدعلی زحمتکش، معلم بازنشسته و فعال صنفی فرهنگیان



استان فارس را به ۸ ماه کاهش داد. همچنین بر اساس رای دادگاه تجدیدنظر، حکم تبعید و ۱۵ میلیون تومان جریمه نقدی این معلم زندانی نیز حذف شده است.

این معلم زندانی از روز سه شنبه ۱۷ اردیبهشت به زندان عادل آباد منتقل شده است.

محمدعلی زحمتکش، در بهمن ماه سال گذشته به اتهام "تبلیغ علیه نظام" و "توهین به بنیانگذار جمهوری اسلامی" به دو سال حبس تعزیری، جریمه نقدی و یک سال تبعید به شهرستان ارسنجان محکوم شده بود.

او پس از تحصن سراسری معلمان در روزهای سه شنبه ۲۲ و چهارشنبه ۲۳ آبان ماه ۹۷، از سوی نهادهای امنیتی بازداشت و در تاریخ ۱۰ آذر با تامین وثیقه به صورت موقت آزاد شده بود.

این فعال معلمان موظف شده است در هنگام تبعید، روزانه خود را به اطلاعات سپاه شهرستان ارسنجان معرفی کند.

۲۴۸ هزار بازمانده از تحصیل در سیستان و بلوچستان

رییس سازمان مدیریت و برنامه ریزی سیستان و بلوچستان گفت که این استان برای آموزش بازماندگان از تحصیل نیروی کافی ندارد.

به گفته غلامرضا مالکی، آموزش و پرورش سیستان و بلوچستان با کمبود ۴۰ هزار نیروی انسانی روبرو است و برای آموزش بازماندگان از تحصیل به جذب حداقل ۱۹ هزار نیرو نیاز دارد. مالکی آمار دقیقی از بازماندگان از تحصیل در استان ارائه نکرد اما گفت که ۸۴۸ هزار نفر در استان آماده رفتن به مدرسه هستند و تنها ۶۰۰ هزار تن به مدرسه می روند. استان سیستان و بلوچستان یکی از سه استان با بالاترین نرخ بازماندگی از تحصیل است.

تجمع اعتراضی مربیان پیش دبستانی خوزستان

بیش از ۳۰۰ نفر از مربیان پیش دبستانی از سراسر خوزستان روز شنبه ۱۸ خرداد در اعتراض تبدیل وضعیت نشدن خود



مقابل ساختمان استانداری در اهواز تجمع کردند. این مربیان پیش دبستانی از شوشتر، ایذه، باغملک، شاور، باوی، کارون و نواحی چهار گانه اهواز در این محل تجمع و اعتراض خود به تبدیل وضعیت نشدن را فریاد زدند. یک مربی باسابقه از شهرستان اهواز گفت: "آموزش و پرورش به جای اینکه مربیان پیش دبستانی را حق التدریس کند، پیشنهاد خرید خدمات داده که با این کار وضعیت شغلی کلیه مربیان پیش دبستانی با استرس روبه رو خواهد شد."

وی افزود: "با توجه به هزینه های پرداختی بیمه تامین اجتماعی در سال جدید و افزایش آن تا هفت میلیون ریال، دیگر حقوقی برای مان باقی نمی ماند و باید تمام حقوق دریافتی خود را به بیمه بدهیم."

یکی دیگر از مربیان پیش دبستانی از شهرستان کارون گفت: "در چند روز اخیر سه بار در اعتراض به اینکه چرا مربیان با سابقه حق التدریس تبدیل وضعیت نمی شوند اعتراض کردیم، اما تاکنون هیچ مسوولی پاسخگویی ما نبوده است."

این مربی پیش دبستانی ادامه داد: "ما خواستار تبدیل وضعیت خود هستیم و تا زمان پاسخگویی مسوولان به اعتراضات خود ادامه خواهیم داد." حدود هفت هزار مربی پیش دبستانی در خوزستان فعالیت دارند.

تجمع اعتراضی دانش آموزان کنکوری مناطق سیل زده

روز شنبه ۱۸ خرداد، جمعی از دانش آموزان کنکوری مناطق سیل زده در اعتراض به تعیین سهمیه و برای عقب انداختن زمان کنکور دست به تجمع مقابل سازمان سنجش آموزش کشور در تهران زدند. در این تجمع بنیامین بلوچی مستندساز و امین عماری مشاور تحصیلی دستگیر شدند.

اعتصاب دانش آموزان (مدرسه زینبیه) کامیاران

روز یکشنبه ۱۸ خرداد، قرار بود یکی از امتحانات پایانی این دانش آموزان برگزار شود. قبل از شروع امتحان معاون مدرسه دانش آموزان را به صف کرد و از آنها خواست که باید ۵۰ هزار تومان بابت هزینه برگهای امتحانی را خود دانش آموزان پرداخت کنند، اما این درخواست با مقاومت دانش آموزان روبه رو شد و به همین دلیل آنها دست به اعتصاب زدند. بعد از مراجعه فرماندار و رییس آموزش و پرورش به مدرسه و قبول اینکه پولی از دانش آموزان گرفته نخواهد شد و پول گرفتن از آنها غیره قانونی است با یک ساعت تاخیر اعتصاب پایان یافت و دانش آموزان سر جلسه امتحان حاضر شدند.

سرانه دانش آموزی ایران یک چهارم متوسط جهانی

براساس آمار سازمان "همکاریهای اقتصادی و توسعه"، میانگین سرانه دانش آموزی کشورهای دنیا، ۹۳۱۳ دلار آمریکا می باشد.

سازمان همکاریهای اقتصادی و توسعه (OECD) در جدول هزینه های آموزش و پرورش (۱۲ سال اول تحصیلی مدارس) سرانه پرداختی هر کشور را به ترتیب بالاترین تا پایین ترین عضو این کشورها آورده است. این نتایج نشان می دهد که لوکزامبورگ با ۲۱۱۵۲ دلار بیشترین سرانه دانش آموزی را داراست. در ایران بنا به آمار رسمی، سرانه دانش آموزی فقط ۶۰۵ دلار است. البته این آمار مربوط به قبل از جهش نرخ ارز است؛ با سه برابر شدن نرخ ارز، امروز این رقم به حدود ۲۰۰ دلار رسیده که یک چهارم متوسط جهانی و قابل قیاس با برخی کشورهای آفریقایی است.

در ترکیه که هم از نظر کل جمعیت و هم از نظر جمعیت دانش آموزی به ایران نزدیک است، سرانه دانش آموزی ۳۵۸۹.۲ دلار آمریکا است که این عدد نزدیک به شش برابر سرانه دانش آموزی ایران است.

سهم کلی بودجه آموزشی (دانش آموزی) نیز در ایران بسیار پایین است؛ جمعیت ۱۳۰ میلیونی ژاپن، ۱۳ میلیون دانش آموز دارد و برای این جمعیت، ۱۶۵ میلیارد یورو بودجه اختصاص داده است. کشور آلمان نیز حدود ۱۳ میلیون دانش آموز دارد و برای این تعداد، ۱۲۹ میلیارد یورو بودجه لحاظ شده است. در ایران با جمعیت مشابه دانش آموزی، در سال ۹۷ فقط ۶.۵ میلیون یورو بودجه تخصیص داده شده است.

تجمع اعتراضی مربیان پیش دبستانی خوزستان

روز یکشنبه ۲۶ خرداد، باردیگر شماری از مربیان پیش دبستانی خوزستانی مقابل ساختمان استانداری خوزستان، اقدام به برگزاری تجمع اعتراضی کردند.

یکی از مربیان که خواست نام وی در خبر ذکر نشود در این خصوص بیان کرد: بیشتر مربیانی که در این تجمع حضور پیدا کرده اند سالها سابقه کار دارند و در این مدت با کمترین درآمد و امکانات رفاهی مشغول فعالیت در کار خود هستند.

(منابع: رادیو فردا، ایسنا، تسنیم، رادیو زمانه، مشرق، بویر نیوز، کوردستان نیوز، ایلنا، کمپین دفاع از زندانیان سیاسی و مدنی، بهار نیوز، ایرنا)

دانشگاه در ماهی که گذشت (خرداد ۹۸)

کامران عالمی نژاد

صدای آژیر چپ در دانشگاه

رژیم جمهوری اسلامی از بدو به قدرت رسیدن در کشور، دانشگاه و دانشجویان را تهدیدی جدی در برابر واپس گرایی و لگدمالی آرمانهای دموکراتیک قیام ۵۷ یافت. به همین دلیل، در سال ۵۹ زیر تابلوی "انقلاب فرهنگی" به فرمان خمینی به دانشگاه حمله ور شد، آن را به تعطیلی کشاند و به تصفیه قهری دانشگاه از دانشجویان و استادانی که حاضر به تمکین از سیاستهای قرون وسطایی اش نگشتند، دست زد.

به جرات می توان گفت اندیشه و سیاست چپ مارکسیستی که در آن زمان از پشتوانه قوی مردم کوچه و بازار، کارگر و دانشجو، کارمند و فرهنگی برخوردار بود، یکی از کابوسهای خمینی بعد از به قدرت رسیدن محسوب می شد. از این رو از ابتدای به دست گرفتن زمام امور، وی درصدد از ریشه بر کندن بنیان سازمانهای چپ به خصوص سازمان چریکهای فدایی خلق ایران برآمد. خمینی با مشاهده کثرت شرکت کنندگان گردهمایی سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در اسفند ۵۷، دیگر شکی نداشت که در تحکیم سلطه حکومت ضد مردمی و فاشیستی خود با وجود فعالیت سازمان چریکهای فدایی خلق ایران قطعاً به مشکل بزرگی برخورد خواهد خورد.

از آن زمان تا به امروز چهار دهه، چهار نسل می گذرد، حاکمیت با تمام تلاش و تبلیغات و صرف هزینه های هنگفت جهت جعل و تحریف تاریخ درخشان جنبش کمونیستی و به ویژه جنبش فدایی، نه تنها قادر به پاک کردن و به فراموشی سپردن آن نگشته، بلکه بر عکس، شاهد شکوفایی بینش چپ و کمونیستی در میان بخشهای پیشرو جامعه هستیم. شعار "کار، نان، آزادی - حکومت شورایی" کارگران هفت تپه گواهی بر این است.

خامنه ای در ۸ خرداد ماه امسال، در دیدار با جمعی از "استادان، نخبگان و پژوهشگران" بسیجی دانشگاه ها، تمام هنر لجن پراکنی خود را به کار برد تا بلکه رشد جنبش چپ در میان دانشجویان را کوچک، بی اهمیت و وابسته به کشورهای "دشمن" جلوه دهد. وی از چماقداران مستقر در دانشگاه ها که آنها را "استادان متدین و انقلابی" می خواند، خواست "در داخل دانشگاهها جریان سازی کنند" و "کاری کنند که جریان فکری و فرهنگی آنها به جریان رایج دانشگاهها تبدیل شود".

ابراهیم فیاض، استاد حکومتی دانشگاه تهران، روز پنجشنبه ۲۳ خرداد در گزارشی در "خبر آنلاین"، گرایش دانشجویان به اندیشه و عمل مارکسیستی را اینگونه توصیف کرد: "۹۰ درصد دانشجویان درصدد مهاجرت هستند و دانشجویان روشنفکر در ۱۰ درصد باقی مانده هم، گرایش به تفکرات کمونیستی پیدا کرده اند. امروز در دانشگاه نه بسیج دانشجویی و نه تشکلهای اصلاح طلبی اثری ندارند، شعارهای انسان گرایانه و عدالت طلبانه در بسیج دانشجویی و تشکلهای اصلاح طلبی مطرح نیست، بلکه مارکسیستها در این زمینه پرچمدار هستند. تفکرات مارکسیستی بسیار پررنگ است و دانشجویان مرتبط با این تفکر بسیار پر مطالعه و پرفکر هستند، چون به دنبال نقد شرایط موجود یعنی حاکم شدن اسلام سرمایه داری هستند."

حال می توان نتیجه گرفت، منظور خامنه ای از "جریان رایج" در دانشگاه کدام جریان است که ولی فقیه نظام را اینگونه به خشم در آورده که بعد از سالها زمان و صرف هزینه های هنگفت جهت اسلامی کردن دانشگاهها و دانشجویان، اینگونه به در بسته خورده است.

مردم ایران و بالطبع دانشجویان که قشری از اقشار کشور هستند، به درستی بعد از دهها سال حکومت آخوندهای مرتجع و فاسد دریافته اند که تنها گزینه شرایط موجود، آزادی و عدالت است، از این رو افزایش گرایش به اندیشه ای که در واقعی ترین و عملی ترین شکل آن را نمایندگی می کند، شگفت آور نیست.

اعتراض تشکل دانشجویی به هزینه های گزاف دانشجویان

شورای صنفی دانشگاه نوشیروانی بابل اعتراض خود نسبت به گرفتن شهریه دروس جبرانی از ورودیههای ۹۷ را اعلام کرد.

این تشکل در یک نامه سرگشاده خطاب به رییس دانشگاه بابل نوشت، گرفتن این تعرفه سنگین از دانشجویان "هزینه گزاف و ناعادلانه را به دانشجویان تحمیل می کند" و ادامه داد: "این امر تبعات جبران ناپذیری چون حذف تدریجی دانشجویان فرودست از چرخه علم آموزی کشور به دنبال خواهد داشت."

این تشکل دانشجویی تعرفه مزبور را غیرقانونی خواند و یادآور شد: "با توجه به بندهای (ح)، (ط) و (ی) ماده ۲۰ قانون برنامه پنجم توسعه، تحصیل دانشجویان روزانه در دانشگاههای دولتی رایگان

است و دیوان عدالت اداری با تکیه بر این مستندات، اخذ شهریه جبرانی را از دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد غیرقانونی دانسته و رای به ابطال این ماده از آیین نامه آموزشی داده است." شورای صنفی دانشگاه صنعتی نوشیروانی بابل از رییس دانشگاه خواستار شده "درخواست تجدید نظر و اصلاح مصوبه کنونی را در جلسه آتی هیات امناء مطرح کند."

پنج ماه پس از واژگونی اتوبوس، حادثه همچنان در کمین دانشجویان است



پنج ماه پس از سقوط اتوبوس حامل دانشجویان دانشگاه علوم و تحقیقات به دره، کشته شدن ۱۰ نفر و مجروح گردیدن ۲۸ تن دیگر، پیچ خطرناک حادثه ساز همچنان به حال خود رها شده است. از ۱۰ درخت کاشته شده به یاد جانبختگان چیزی باقی نمانده و اتوبوسهای سرویس این واحد دانشگاه آزاد هم تغییر چندانی نداشته است.

"امین"، یکی از دانشجویان این واحد دانشگاهی است که همان روز حادثه و دقایقی پس از تصادف به پیچ حادثه ساز

رسید. او می گوید: "هیچ تغییر اساسی در فضای دانشگاه رخ نداده. روزهای نخست که بچه ها عصبانی بودند و چند تجمع برگزار شد، خیلی به ما وعده دادند. حتی آمدند و کارهایی روی همان پیچ هم کردند، اما شروع نشده تمام شد. اعتراض که خوابید، این پیگیریها هم خوابید. چند جا را رنگ کردند و چند تا درخت هم کاشتند. همین. باور کنید نه اتوبوسها تغییری کرده و نه گاردریل نصب شده،"

علی، یکی دیگر از دانشجویان می گوید: "نصب گاردریل برای دانشگاهی که این همه شهریه می گیرد واقعا هزینه به حساب نمی آید، ولی عملا کاری انجام نمی دهند."

توهین مزدور بسیجی اعتراض دانشجویان را برانگیخت



اظهارات توهین آمیز مسوول بسیج دانشجویی دانشگاه کردستان به فرهنگ و لباس کردی واکنش تند دانشجویان کرد را در پی داشت.

دانشجویان کرد دانشگاه کردستان روز شنبه ۴ خرداد در واکنش به سخنان مزدور بسیجی، سیدعنایت جویبار، با پوشیدن لباس کردی بر سر کلاسهای درس حاضر شدند.

همچنین دانشجویان با انتشار بیانیه ای خواستار احترام

به تمامی فرهنگها، ملیتها و زبانها شدند و تاکید کردند: "به عنوان رسالت اخلاقی و انسانی مان به هیچ شخص و گروه تمامیت طلب اجازه نخواهیم داد که حقوق هیچ انسانی را لگدمال کند." دانشجویان افزودند: "ما رویای آن را داریم که در کشوری زندگی کنیم که مردم نه با ملیت شان، بلکه با شخصیت شان قضاوت شوند."

مسوول بسیج دانشجویی دانشگاه کردستان در گفتگو با "خبرگزاری دانشجو" با توهین به فرهنگ و لباس مردم کردستان گفته بود: "شاهد خودنمایی برخی افراد ملبس به لباس گروهکهای ضدانقلاب و جنایتکار در سطح دانشگاه و بسیاری از برنامه های تحت حمایت معاونت فرهنگی، آن هم در پوشش موضوعاتی نظیر ادبیات و تاریخ و کردستان شناسی و ... در دانشگاه هستیم."

تجمع اعتراضی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی همدان

دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی همدان در روز چهارشنبه ۸ خرداد برای اعتراض به غذای سلف سرویس منجمله یک وعده غذای فاسد دست به تجمعاتی زدند. در همین رابطه، دانشجویان خوابگاهی دانشگاه علوم پزشکی همدان روز یکشنبه ۵ خرداد با تجمع در سلف مرکزی خوابگاه نراضیتی و اعتراض شان را نسبت به وضعیت نامناسب غذا نشان دادند.

کاهش ظرفیت پذیرش دانشجو در مقطع کارشناسی ارشد به دلیل بی پولی



گروه زیست شناسی دانشگاه رازی کرمانشاه در اقدامی عجیب و غیر معمول اعلام کرده است که تا زمان تامین بودجه لازم، از پذیرش دانشجو در مقطع کارشناسی ارشد خودداری خواهد کرد. این امر مشکلاتی را برای دانشجویان به وجود آورده است.

هر چند بخشهای فرهنگی و رفاهی دانشگاه همواره با مشکلات بودجه ای روبرو بوده، اما به نظر می رسد این مشکلات در حال گسترش به بخشهای آموزشی دانشگاه نیز می باشد.

دانشگاه رازی کرمانشاه دلایل این اقدام را نبود بودجه کافی و کاهش تعداد واحدهای پایان نامه از ۶ واحد به ۳ واحد اعلام کرده است.

این مصوبه مشکلاتی برای دانشجویان بومی که می توانستند در محل زندگی خود به ادامه تحصیل بپردازند و نیز دانشجویان با استعداد درخشان که پذیرش بدون کنکور آنها در این دانشگاه یقیناً می تواند هزینه هایی از قبیل آزمون مجدد و یا استرسهای کنکور ارشد را از روی دوش آنها بردارد، به همراه دارد. دانشجویان در نامه ای به وزیر علوم خواستار اختصاص بودجه لازم جهت ادامه تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد به صورت پژوهش محور شدند.

مدرس دانشگاه یزد بازداشت شد



محسن اسدی، استاد باستان شناسی دانشگاه یزد، و برادر مجید اسدی، زندانی سیاسی محبوس در زندان رجایی شهر کرج، روز یکشنبه ۵ خرداد توسط نیروهای امنیتی در محل کار خود در شهر یزد بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شد.

نیروهای امنیتی پس از بازداشت به منزل وی رفته و ضمن تفتیش محل، بخشی از لوازم شخصی از جمله لپ تاپ و کامپیوتر وی را نیز ضبط کردند.

اتوبوس حامل دانشجویان دختر دانشگاه آزاد فیروزآباد ترمز

برید

اتوبوس حامل دانشجویان دختر دانشگاه آزاد فیروزآباد، در جاده فیروزآباد فارس هنگام پایین آمدن از کوه دچار ترمزبریدگی شد و موجب سلسله تصادفاتی با ۱۳ خودرو گردید. در این حادثه که روز سه شنبه ۷ خرداد روی داد، هفت تن از دانشجویان مصدوم شدند، همچنین خسارت بسیاری به خودروهای در مسیر وارد آمد.



تجمع دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی تبریز

شماری از دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی تبریز در روز چهارشنبه اول خرداد، مقابل ساختمان مرکزی این دانشگاه تجمع کردند. این دانشجویان بعد از گذشت دو سال خواستار دریافت مجوز برای ایجاد تشکل "انجمن اسلامی دانشجویان مستقل" هستند.

رضا پارسی، دبیر هیات موسس انجمن اسلامی دانشجویان مستقل، گفت: "بعد از پیگیریهای مداوم و همچنین درخواستهای قانونی و نامه نگاریهای انجام شده برای تاسیس این تشکل، متأسفانه مسوولان دانشگاه و شورای نظارت بر تشکلها و به خصوص ریاست محترم دانشگاه علوم پزشکی تن به این خواسته قانونی نمی دهند." وی پیرامون دلایل مخالفت دانشگاه با ایجاد این تشکل دانشجویی گفت: "جوابیه هایی که دانشگاه تا امروز به ما داده، حکایت از عدم نیاز به تاسیس چنین تشکلهایی است. تصمیمات که درون دانشگاه و توسط معاونت دانشجویی فرهنگی گرفته می شود، به صورت سلیقه ای و به نفع یک جریان فکری خاص است و همین موضوع باعث شده است که در این سالها شاهد یک فضای بسته سیاسی در دانشگاه علوم پزشکی تبریز باشیم."

دانشجویان دانشگاه تهران برای سومین بار برای آزادی مرضیه امیری تجمع کردند

دانشجویان دانشگاه تهران روز پنجشنبه ۱۶ خرداد، در سی سومین روز بازداشت مرضیه امیری مقابل سازمان امور



دانشجویی برای آزادی وی تجمع کردند.

لازم به ذکر است که در روزهای ۱۸ و ۲۹ اردیبهشت نیز آنها در محوطه دانشگاه دست به تجمع اعتراضی زده بودند. غلامحسین اسماعیلی، سخنگوی قوه قضاییه، پس از گذشت حدود ۲۰ روز از بازداشت مرضیه امیری، اتهام او را "امنیتی" اعلام کرد و درباره اینکه مرضیه امیری اجازه دیدار با وکیل را ندارد، گفت: "عمل مجرمانه در حوزه امنیت به او نسبت داده شده است و در این زمینه هر وکیلی نمی تواند وکالت کند."

تجمع اعتراضی دانش آموزان کنکوری مناطق سیل زده

جمعی از دانش آموزان کنکوری مناطق سیل زده در اعتراض به تعیین سهمیه و برای عقب انداختن زمان کنکور در روز شنبه ۱۸ خرداد، دست به تجمع مقابل سازمان سنجش آموزش کشور واقع در خیابان کریمخان زند، خیابان استاد نجات الهی (ویلا) در تهران زدند.

در این تجمع بنیامین بلوچی، مستندساز، و امین عماري، مشاور تحصیلی، دستگیر شدند. پس از وقوع سیل، دولت تصمیم گرفت به کنکوریهای سراسری مناطق سیل زده ۵ سهمی ۵ بدهد، ولی دانش آموزان معترض می گویند بجای تعیین سهمیه جدید، زمان برگزاری کنکور را عقب بیندازید تا سیل زده ها هم فرصت کافی برای آماده کردن خود برای کنکور داشته باشند.



اعتصاب غذای دانشجوی زندانی

امیر ستاری رئوف، دانشجوی کارشناسی علوم تربیتی و از بازداشت شدگان ۱۱ دی ماه ۹۶ در تبریز، به دلیل تعویق در رسیدگی به پرونده و دخالتهای فراقانونی نیروهای امنیتی در آن دست به اعتصاب غذا زد.

امیر ستاری پیشتر از سوی شعبه دو دادگاه انقلاب تبریز به اتهام "اجتماع و تبانی برای ارتکاب جرم علیه امنیت ملی" به ۷ ماه زندان محکوم و دوران محکومیت خود را از تاریخ ۱۹ تیر ۹۷ در زندان تبریز سپری می کند

او در دوران سپری کردن محکومیت خود در پرونده ای دیگر به اتهام "فعالیت رسانه ای" به ۶ ماه زندان محکوم شده است.

اساتید دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران خواستار آزادی مرضیه امیری شدند

۳۰ تن از استادان و مدرسان دانشگاه تهران با ارسال نامه ای خواستار آزادی مرضیه امیری، روزنامه نگار و دانشجوی علوم اجتماعی دانشگاه تهران شدند.

آنها در نامه ای که روز پنجشنبه ۳۰ خرداد به منصور غلامی، وزیر علوم خواستار ارسال کردند، یادآور شدند: "در زمان نگارش این نامه بیش از ۳۴ روز از بازداشت مرضیه امیری می گذرد. ما جمعی از اساتید دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، با توجه به فرارسیدن امتحانات پایان ترم، خواستار شفافیت در فرآیند رسیدگی به پرونده قضایی ایشان و همچنین فراهم کردن زمینه آزادی این دانشجو برای تحویل پروپوزال در موعد مقرر و پیگیری مسائل آموزشی هستیم."

(منابع: رادیو زمانه، دانشجو آنلاین، سایت خبری مدآرا، خبرنگار دانشجویان ایران، خبرگزاری هرانا، آنا، خبرگزاری دانشجو، بهار نیوز، صدای امریکا)

کانال تلگرام رادیو پیشگام

@radiopishgam

<https://telegram.me/radiopishgam>

کارورزان سلامت (خرداد ۹۸)

امید برهانی

انتخابات سازمان نظام پرستاری؛ وعده ندهید



عضو شورای عالی نظام پرستاری با اشاره به این که در حال حاضر در آستانه پنجمین دوره انتخابات نظام پرستاری قرار داریم گفت: "اگر درصد مشارکت بالا باشد، می تواند قدرت چانه زنی و وزن هیات مدیره ها و به طبع آن سازمان را افزایش دهد تا بتواند در معادلات وزارت بهداشت حضور پررنگ تری داشته باشند."

علیرضا گنج کوبان افزود: "کاندیدها با تبلیغات واقعی، به دور از هیاهو و جنجال باید پرستاران را نسبت به آینده صنف و

شغل امیدوار و ترغیب به حضور در پای صندوق کنند."

وی ادامه داد: "کاندیدها محترم از دادن وعده های واهی غیر قابل دسترسی خودداری کنند، چرا که این وعده ها در آینده باعث دلسردی و دلزدگی پرستاران از سازمان و هیات مدیره ها خواهد شد."

ادامه اعتراض پرستاران به نبود شفافیت سیستم قاصدک

پرستاران امام رضا مشهد از پایین بودن میزان کارانه های خود انتقاد کرده و خواستار شفافیت در سیستم پرداخت کارانه شدند.

آنها که کارانه بهمن سال گذشته را به تازگی دریافت کرده اند می گویند: برخی از ما تنها حدود ۷۰ هزار تومان کارانه گرفتیم. این در حالی است که معاون پرستاری وزارت بهداشت پیشتر مدعی شده بودند که متوسط کارانه پرداختی به پرستاران حدود ۸۰۰ هزار تومان است."



پرستاران معترض در پنجشنبه ۲ خرداد گفتند: "بیمارستان امام رضا همچون دیگر بیمارستانها بر اساس سیستم قاصدک کارانه پرستاران را پرداخت می کند. از زمانی که سیستم قاصدک برای پرداخت کارانه اجرایی شده، ما نسبت به نبود شفافیت در پرداختها معترض بودیم."

به گفته این پرستاران، سیستم قاصدک کارانه پرستاران را بر اساس درآمد هر بخش حساب

می کند و همین امر سبب می شود تا کارانه پرستار یک بخش پردرآمد مثل جراحی بیشتر از کارانه بخش کم درآمدی مثل داخلی باشد.

پرستاران بیمارستان امام رضا می گویند: "این مشکل همه پرستاران بالین است و ما خواهان این هستیم که کارانه ها کاملا شفاف و بر اساس کار پرستار یعنی شیفت، تعداد بیمار و اقدامات صورت گرفته برای بیمار باشد."

بی تناسبی میزان کار و دستمزد، مشکل اصلی نظام پرداخت است

پریسا جاهد، کارشناس پرستاری، می گوید بزرگترین مشکل نظام پرداخت، بی عدالتی و تناسب نداشتن میزان کار و حضور بر بالین بیمار با میزان دریافتی است.

وی در این باره گفت: "با توجه به اشکال موجود در نظام پرداخت، افرادی که بیشترین ساعات کار خود را بر بالین بیمار می گذرانند، متأسفانه کمترین کارانه را دریافت می کنند و بر عکس پزشکی که بیش از چند دقیقه وقت خود را بر بالین بیمار نمی گذارد، بیشترین کارانه را دریافت می کند که این امر سیکل معیوب نظام پرداختی را نشان می دهد." این کارشناس پرستاری خاطر نشان کرد: "در حال حاضر نظام پرداخت در وزارت بهداشت، فی فور سرویس بوده و این مهم ارتباط مستقیمی با بی عدالتی در نظام پرداخت دارد و باعث ایجاد بی انگیزگی در سایر کادر درمان شده است." به نظر جاهد "با اجرای نظام پرداخت فیکس پیمنت، می توان عدالت و برابری را در بین کادر درمان ایجاد کرد." وی پیرامون مشکلات اجرای این نظام پرداخت گفت: "با نظام پرداخت ثابت، ارتباط مالی بین پزشک و بیمار به طور کلی قطع می شود و تعداد ویزیت و اعمال جراحی در میزان حقوق یک پزشک تاثیری ندارد. بنابراین ابتدا باید فرهنگ پزشکان تغییر کند، زیرا با انتظارات و فرهنگ فعلی به شدت کار شکنی خواهد شد و حتی یک ویزیت درست حسابی انجام نخواهد شد."

دریافت هزینه استهلاک دستگاه از بیمار

نام پزشک:	
بابت هزینه:	استهلاک دستگاه بیمارستان دریافت فاکت ش س-مرادی
جمع سهم سازمان:	ریال ۰
جمع سهم بیمار:	ریال ۳۱۰,۰۰۰
جمع کل:	ریال ۳۱۰,۰۰۰

یک بیمارستان خصوصی در صورت حسابی که برای بیمار صادر کرده، هزینه استهلاک دستگاه را نیز از وی طلب کرده است. هرچند که هزینه استهلاک دستگاه های درمانی باید از سوی بیمه ها به بیمارستان پرداخت شود. در همین رابطه دکتر علیرضا عسگری، مدیرکل دفتر نظارت و اعتبار بخشی وزارت بهداشت، گفت: "طبق اظهار کارشناسی وزارت بهداشت اخذ چنین وجهی حتی تحت عنوان هزینه استهلاک وسایل تشخیصی، مبنای قانونی نداشته و خلاف رویه های مورد تایید وزارت بهداشت است." وی ادعا کرد: "البته برخورد لازم با بیمارستان مذکور در این باره انجام شده و رویه موجود بلافاصله اصلاح شد."

تسویه نشدن کارانه پرستاران: "شرمنده پرستاران شدیم"



وزیر بهداشت درباره دلیل تسویه نشدن کارانه پرستاران با وجود وعده های داده شده در سال جدید، گفت: "قبل از پایان سال ۹۷ قرار بر این بود که مطالبات وزارت بهداشت از تامین اجتماعی پرداخت شود، اما متأسفانه بدقولی کردند و ما شرمنده پرستاران شدیم. بخشی از کارانه پرستاران پرداخت شده، اما پرداخت بخشی دیگر از مطالبات آنها به تعویق افتاد."

دکتر سعید نمکی در ادامه وعده داد: "قرار شد با فشاری که آوردیم و با دستور صریح رییس جمهور محترم، در روزهای آتی تامین اجتماعی از طریق فروش سهام، قسمت عمده ای از مطالبات ما را پرداخت کند."

وی خاطر نشان کرد: "در حال حاضر رقمی حدود ۹ هزار میلیارد تومان از بیمه تامین اجتماعی طلب داریم که کل مطالبات کادر پرستاری ما کمتر از دو هزار میلیارد تومان است، لذا امیدوارم اولین قسطی که از تامین اجتماعی دریافت کردیم، کارانه پرستاران را تسویه کنیم."

او درباره زمان اجرایی شدن وعده استخدام ۹ هزار پرستار گفت: "مصوبه استخدام ۹ هزار پرستار در حال نهایی شدن است و انشاءالله این کار نیز انجام می شود."

پرستاران شرکتی امنیت شغلی ندارند

یک فعال صنفی با طرح مساله استخدامهای شرکتی و امنیت شغلی پرستاران گفت: "به بهانه نبود ردیف استخدامی، به کارگیری نیرو در قالب شرکتی دنبال می شود که لازم است مشکل قانونی استخدام پرستار در سطوح بالای مدیریت حل شود." به گفته کریم عابدینی، پرستاری باید از بحث کوچک شدن حجم دولت استثنا شود زیرا این هزینه از جیب دولت به شکل مستقیم یا غیرمستقیم خارج می شود و پرستاری کوچک شدنی نیست.

وی خاطر نشان کرد: "در بیمارستان دولتی کارکنان باید در قالب استخدام دولت کار کنند و نیروی شرکتی بی معنی و بی فایده بوده است. در دهه های گذشته شاهد این بوده ایم که جز منافع صاحبان این شرکتها که به نحوی نورچشمیها هم بوده اند، هیچ فایده ای عاید سیستم نشده است."

۱۴ مطالبه پرستاران / کاسه صبرمان لبریز شده است



جمعی از پرستاران کشور در نامه ای به معاون پرستاری وزارت بهداشت و درمان خواستار اجرایی شدن قانون در مورد پرستاران شده و خواستند تا در اولین زمان ممکن آیین نامه اجرایی قانون تعرفه گذاری خدمات پرستاری آن توسط سازمان نظام پرستاری و وزارت بهداشت نوشته و در برنامه بودجه سال بعد این وزارتخانه آورده شود.

در این نامه گفته شده: "جامعه صبور پرستاری به هیچ عنوان

اهل تهدید نبوده، لیکن کاسه صبر پرستاری از این همه حاشیه سازی و بی عدالتی و نیز بی توجهی عجیب مسوولان لبریز شده است و در صورتی که تا پایان خرداد نشانه هایی از اراده معاونت محترم پرستاری و دیگر تصمیم گیرندگان در حوزه سلامت در تلاش برای حل مشکلات احساس نکند، علیرغم ذات صبورش ناچار از اخذ تصمیماتی دیگر در پیگیری مطالبات خواهد بود."

در ادامه، پرستاران مطالبات خود را به این شرح ابراز داشته اند:

قانون تعرفه گذاری خدمات پرستاری به عنوان امالمطالب خواسته این صنف باید در اولین زمان ممکن اجرا و آیین نامه اجرایی آن توسط سازمان نظام پرستاری و وزارت بهداشت نوشته و در برنامه بودجه سال بعد این وزارتخانه آورده شود.

۱- حذف قاصدک و جدا شدن اضافه کاری و کارانه و به روز شدن پرداخت اضافه کاری و محاسبه کارانه

۲- تعیین تکلیف تبدیل وضعیت همکاران قراردادی، پیمانی، شرکتی

۳- واگذاری سریع صلاحیت حرفه ای به سازمان نظام پرستاری

۴- به کارگیری نیروهای اداری مانند منشی و... جهت کم کردن بار کاری پرستاران

۵- اجرای صحیح قانون ارتقای بهره وری در تمام دانشگاهها و برای تمام گروهها از جمله همکاران فوریتها و پیگیری اجرای آن برای همکاران در مراکز خصوصی و نیمه خصوصی و...

۶- اجرای صحیح قانون بازنشستگی مشاغل سخت و زیان آور برای تمام گروه های پرستاری و اطاق عمل و بیهوشی و حذف آیین نامه وزارت بهداشت مبنی بر شرط سنی ۵۵ سال برای مردان و محدودیت ۲۵ سابقه کار برای بانوان.

۷- ایجاد تسهیلات مناسب جهت ارتقای همکاران بهیاری به پرستاری، مامایی، اتاق عمل و ...

۸- ایجاد معاونت پرستاری در دانشگاهها و اصلاح نحوه انتخاب مدیران پرستاری براساس شایسته سالاری.

۹- حذف محدودیت همکاران بیهوشی و سایر رشتهها برای ادامه تحصیل در ارشد تمام رشته های پرستاری.

۱۰- حذف اضافه کار اجباری در بخشهای دولتی و کنترل و نظارت بر بخشهای خصوصی جهت کنترل سقف اضافه کار.
 ۱۱- خواسته پرستاران با توجه به گرانی دلار و کاهش سرمایه‌های مردم به نصف، کف حقوق یک پرستار برای "یک شیفت موظف پنج میلیون تومان" است.

۱۲- برقراری فوق‌العاده ویژه برای پرستاران شاغل در بیمارستانهای دولتی مانند کارکنان ستاد که هم اکنون دریافت می‌کنند.

۱۳- استخدام پرستاران با توجه به اهمیت این حرفه و لزوم حفظ امنیت شغلی به صورت استخدام پیمانی باشد.

۱۴- لزوم توجه به دانشجویان حرفه پرستاری و تامین خواسته‌های مشروح این صنف در نشست با شورای مرکزی دانشجویی سازمان نظام پرستاری.

۱۴- پرستاران بخش خصوصی از امنیت شغلی مناسب برخوردار شده و توسط سازمان نظام پرستاری مورد کنترل کیفیت قرار بگیرد.

اضافه کارهای اجباری مشکل اصلی پرستاران است / نیاز به حمایت

رئیس نظام پرستاری سراب در باره اضافه کارهای اجباری که یکی از مشکلات جامعه پرستاری محسوب می‌شود، گفت: "در شرایطی که اضافه کاری غیر فیزیکی پرستاران با اجرای قانون بهره‌وری حذف شده است، برای اضافه کاری فیزیکی پرستاران هم مبلغ پرداختی به ازای هر ساعت ناچیز بوده و این در حالی است که در سازمان و ادارات دولتی هم اضافه کاری غیر فیزیکی حذف نشده است و هم مبلغ پرداختی به ازای هر ساعت متفاوت از کادر درمان است." خلیل ملکی افزود: "انتظار می‌رود که مسوولین وزارت بهداشت و مسوولین پرستاری به این مشکل پرستاران توجه ویژه داشته باشند، زیرا مشکل اصلی کم بودن حقوق پایه کادر و عدم محاسبه تفاوت تطبیق در محاسبه اضافه کاری و پایین بودن فیش حقوقی پرستاران است که می‌بایست برطرف شود."

وزیر بهداشت: نظام پرداخت را باید اصلاح کنیم

سعید نمکی، وزیر بهداشت، پیرامون وضعیت پرستاری در کشور تصریح کرد: برای گروه پرستاری باید دو کار انجام دهیم؛ یکی اینکه جایگاه جدیدی در نظام ارائه خدمت برای پرستاران تعریف کرده و دیگر اینکه نظام پرداخت را اصلاح کنیم." وی گفت: "نظام پرداخت از فی فور سرویس به سمت [Diagnosis Related Groups] DRG باید هدایت شود و هیچ کجای دنیا با روش سنتی فی فور سرویس کار نمی‌کنند. در نظام پرداخت DRG گروه پزشکی از درآمدهای بیمارستانها بهره‌مند می‌شوند و قطعا تفاوت بین پرستاران و پزشکان در پرداختی، کاهش قابل توجهی می‌یابد." نمکی گفت: "سهام بخش سلامت از GDP از ۶ به بیشتر از ۹ درصد افزایش یافته است و دلیلی ندارد که بیشتر از این از سهم منابع عمومی دولت منابعی بخواهیم. البته در وزارت بهداشت، منابع را مدیریت و خدمات را کیفی می‌کنیم، یعنی به سمت کنترل بیماریهای غیر واگیر و توسعه درمان سرپایی حرکت می‌کنیم."

تبلیغات وزارت کار برای مهاجرت پرستاران

رئیس کل سازمان نظام پرستاری گفت: تبلیغاتی توسط وزارت کار به طور وسیع برای جذب پرستار جهت اشتغال در خارج از کشور در حال جریان است و این مهم موجب تخلیه نیروی حرفه‌ای از کشور می‌گردد." دکتر اصغر دالوندی ادامه داد: "شاهد این مدعا این است که تعداد گواهیهای صادر شده برای پرستاران در سه ماهه اول سال گذشته نسبت به سال جاری افزایش حدود ۳ برابری داشته است و این آمار فقط برای پرستارانی است که این گواهی را از سازمان نظام پرستاری برای کشور مقصد اخذ کرده‌اند و بسیاری از کشورها نیازی به این گواهی ندارند."

وی افزود: "این سازمان انتظار دارد کلیه مبادی زیربسط که اقدام به مهاجرت پرستاران می نمایند، هماهنگی لازم جهت ایجاد کانالی ایمن و مطمئن با این سازمان داشته باشند تا از سرگردانی پرستاران مهاجرت کننده و یا به کارگیری همکاران محترم در مشاغل غیر حرفه ای و غیر تخصصی پیش گیری شود."

ردیف بودجه ای برای استخدام پرستاران اختصاص نیافته

رییس دانشکده پرستاری استان کرمانشاه گفت: "مشکل اختصاص ندادن ردیف بودجه ای از سوی وزارت بهداشت برای جذب و استخدام پرستاران در استان کرمانشاه وجود دارد." علی اکبر ویسی رایگان افزود: "در مراکز درمانی نیاز شدیدی به پرستار وجود دارد و از طرف دیگر فارغ التحصیلان زیادی در رشته پرستاری در استان هستند که مشکل آنها در شرایط جذب است." وی عنوان کرد: "اختصاص ندادن مجوز جذب از سوی وزارت شرایط استخدام و جذب پرستاران را با مشکل رو به رو کرده است. علاوه بر فارغ التحصیلان پرستاری در سالهای گذشته، امسال بیش از ۱۵۰ فارغ التحصیل جدید وارد سیستم پرستاری خواهند شد که امکان جذب آنها وجود ندارد." رییس نظام پرستاری کرمانشاه با اشاره به شرایط اقتصادی موجود در کشور بیان کرد: "دانشگاه با کمبود نقدینگی و مشکلات مالی مهمی روبرو است و مسوولان استانی باید تلاش کنند از راه های مختلفی این مشکل را در سطح وزارتخانه برطرف کنند." ویسی رایگان خبر داد: "پرستاران در مراکز درمانی علاوه بر اینکه با فشار کار زیادی مواجه هستند، اضافه کار آنها با تاخیر هفت ماهه پرداخت می شود."

مرگ یک پرستار طرحی در ایلام در حین کشیک



یک پرستار طرحی بیمارستان امام علی شهرستان چرداول در ایلام در حین کشیک کاری دچار ایست قلبی شده و فوت کرد. دبیرکل خانه پرستار با اعلام این خبر گفت: "هنوز گزارشی از علت فوت شیدا گراوند، پرستار طرحی یک بیمارستان ایلام، در دست نیست."

مسوولان نظام پرستاری به دلیل بار حقوقی موضوع از بیان علت فوت این پرستار تا زمان اعلام پزشکی قانونی سر باز زدند.

به گفته محمدرضا شریفی مقدم (دبیرکل خانه پرستار)، پرستاران بارها نارضایتی خود را نسبت به کمبود کادر درمانی، شیفتهای کاری پیاپی و عدم رعایت استانداردهای جهانی

در نسبت تعداد پرستاران به تعداد بیماران اعلام کرده اند. پیشتر موارد متعددی از مرگ پرستاران در حین کار و به دلیل فشار کاری بالا رخ داده است."

به گفته وی: "پرستاران طرحی که در دالانهای انتظار استخدام به سر می برند، فشار کاری بیشتری را تحمل می کنند. پرستاران طرحی، بار استخدامی برای دولت ندارند. حداقل حقوق را دریافت می کنند و بیشترین بار خدمات درمانی در بیمارستانها بر دوش پرستاران طرحی است که متأسفانه به کارگیری نیز نمی شوند."

دومین روز تجمع اعتراضی کارکنان بیمارستان خمینی کرج

روز سه شنبه ۲۸ خرداد برای دومین روز متوالی، کارکنان بیمارستان خمینی کرج برای اعتراض به بلا تکلیفی شغلی و معیشتی مقابل سازمان همیاری شهرداریهای استان البرز واقع در بلوار بلال تجمع کردند.

یکی از معترضان در این خصوص گفت که آنها بیش از «هشت ماه» است که حقوق خود را دریافت نکرده اند. کارکنان معترض این بیمارستان پیش تر در روزهای جمعه و شنبه، ۳ و ۴ خرداد ماه اقدام به تجمع کردند.

فتح الله کیائیا

چگونه یک هنرمند بر قدرت است؟

اگر آثار یک هنرمند انعکاسی از زندگی توده مردم و جامعه فرو دست و سرخورده نباشد و آثارش تاملات و غم و شاداییهای درونیش از زندگی پر جوش و خروش اطرافش را بازتاب ندهد،

بی گمان یک تاجر هنری است که می خواهد به هر طریق ممکن سودجویی و کسب خود را دنبال کند، که البته این هم در دنیای تجاری امروز، شغلی است و غیر قابل سرزنش.

اما هر زمان که این هنرمند تاجر برای سود جویی بیشتر دست به دامن سرکوبگران و غارتگران عامه مردم می شود، به ناچار بایستی که در معرض قضاوت بیرحم همان جامعه ای که او را در خود پرورش داده قرار گیرد. البته این قضاوت در مورد هر دو گروه از هنرمندان صورت می گیرد، اما با این تفاوت عمده که اولی را ارباب قدرت برای مدح و سلام و صلوات بارعامی می دهند و لقمه نانی، در حالی که در مواجهه با دومی یعنی همان هنرمند خلق، چنان به تناقضی آشکار در رفتار و کردار می افتند که برای کسب وجهه مردم و آبرو، کتابش را بدست گرفته و ژست فکورانه می گیرند و از آن طرف، هم صنفان او را به جرم جستجو و کنکاش در آثار و احوالش به بند می کشند.

این تناقض نشان دهنده درستی حرف شاملوست که می گوید: "هنرمند بایستی نه با قدرت، که بر قدرت باشد." اگر رفتار متناقض خامنه ای در نمایشگاه کتاب و دستگیری سه نویسنده و اهل قلم را توسط مزدورانش مد نظر داشته باشیم، زبونی میهمانان افطاری او و قدرت و توانایی اهل قلم در خدمت خلق را به عینه مشاهده خواهیم کرد.

سینما**همکاری بهمن قبادی با راجر واترز**

بهمن قبادی فیلمبرداری فیلم جدیدی را با تهیه کنندگی "راجر واترز" به پایان رساند. این فیلم سینمایی به تهیه کنندگی راجرز واترز، بنیانگذار گروه موسیقی "پینک فلوید"، ساخته شده است.

امیر آقایی بازیگر ایرانی این فیلم است و تعدادی از عوامل پشت صحنه از جمله حسین جعفریان و بهمن اردلان هم ایرانی هستند. راجر واترز چند روزی در پشت صحنه این فیلم کنار عوامل حضور داشت. با توجه به حضور راجر واترز پیش بینی می شود فیلم تازه بهمن قبادی بار دیگر درباره موسیقی باشد.

او همچنین سابقه ساخت فیلمهای "زمانی برای مستی اسپها" و "لاکپشتها هم پرواز می کنند" را در کارنامه هنری اش دارد.

بلند اقبالی سینمای آسیا در جشنواره ی کن

برای دومین سال پیاپی فیلمی از آسیا نخل طلای مهمترین جشنواره سینمایی اروپا را از آن خود کرد: "انگل" به



کارگردانی "بونگ جون هو" که یک درام اجتماعی درباره فاصله طبقاتی است.

سال گذشته فیلم "دزدان فروشگاه" ساخته "هیروکازو کورئیدا"، کارگردان ژاپنی، جایزه نخل طلای کن را کسب کرده بود. این فیلم هم یک درام اجتماعی درباره زندگی تهیدستان جامعه بود.

بونگ جون هون نخستین بار در سال ۲۰۱۷ با فیلم "اوکجا" در کن توجه

سینما دوستان را برانگیخت. فیلم تازه او "انگل" درباره یک خانواده چهار نفره است که در تهیدستی زندگی می کنند و در خدمت یک خانواده متمول قرار می گیرند و به این ترتیب قبل از آنکه به جنوب مهاجرت کنند، به زندگی پولدارها راه پیدا می کنند.

جایزه بزرگ جشنواره کن ۲۰۱۹ به "Atlantics" به کارگردانی "ماتی دیوپ" تولید مشترک فرانسه و سنگال اهدا شد. این فیلم درباره زنی جوان در داکار مرکز سنگال است که مردی که دلبسته اوست به امید یافتن فرصتی برای زندگی بهتر با قایق به اروپا مهاجرت می کند. دیوپ، کارگردان سنگالی-فرانسوی، اولین زن آفریقایی تبار است که در تاریخ جشنواره کن در بخش مسابقه حضور داشت. او همچنین یکی از چهار کارگردان زن حاضر در بخش مسابقه این دوره جشنواره بود. "آنتونیو باندرااس"، بازیگر سرشناس اسپانیایی، به خاطر نقش آفرینی در فیلم "رنج و افتخار" ساخته "پدرو آلمودوار" جایزه بهترین بازیگر مرد را برد و "امیلی بیچام"، بازیگر بریتانیایی، برای بازی در فیلم آینده گرایانه "جو کوچک" به کارگردانی "جسیکا هاوژنر" برنده جایزه بهترین بازیگر زن شد.

"الخاندرو گونسالس اینیاریتو"، کارگردان سرشناس، ریاست هیات داوران این دوره از جشنواره فیلم کن را به عهده داشت.

اعتراض به اهدای جایزه کن به آلن دلون

"او نژادپرست، دگرپاش هراس و زن ستیز است"، اینها از جمله اتهاماتی است که فمنیستها در اعتراض به حضور آلن دلون



در جشنواره کن بر او روا داشتند.

در جریان جشنواره کن ۲۰۱۹ از آلن دلون، بازیگر سرشناس فرانسوی، تقدیر به عمل آمد؛ مساله ای که با جنجال و اعتراض همراه شد. "ساند ون روی"، بازیگر بلژیکی-هلندی، با جمله "خشونت را علیه زنان متوقف کنید" که روی بدنش خالکوبی کرده بود، اعتراض خود را روی فروش قرمز جشنواره به اعطای این جایزه نشان داد.

"آلن دلون" پیشتر در مصاحبه ای گفته بود که یک مرد باید حق سیلی زدن به صورت یک زن را داشته باشد. او اما بعدا گفته بود: "من گفتم باید حق سیلی زدن به یک زن را داشت. بله! و باید اضافه کنم که من بیشتر از زنان سیلی خورده ام. من هرگز یک زن را در طول زندگی ام مورد آزار و اذیت قرار نداده ام. من بیشتر از جانب زنان آزار دیده ام".

همچنین، او پیشتر همصدا با "مارین لوپن"، رهبر "جبهه ملی فرانسه"، جریان راست افراطی در آن کشور، علیه مهاجران اظهاراتی را مطرح کرده بود در حالی که بعدا گفت که حامی آن حزب نیست.

تصمیم جشنواره کن برای تجلیل از این بازیگر ۸۳ ساله در خارج از فرانسه نیز مخالفانی داشت و در آمریکا یک درخواست آنلاین با بیش از ۲۵ هزار امضا بر این اساس جمع آوری شد. "ملیسا سیلورستاین"، بنیانگذار "زنان و هالیوود"، در این باره گفت: "قدردانی از فردی که تایید کرده زنانی را کتک زده و از راست افراطی در حوزه سیاست دفاع می کند، مایه ناامیدی است."

ادبیات

کتاب جدید منتقد کاخ سفید به بازار می آید

تازه ترین کتاب "مایکل وولف" زیر نام "محاصره" به زودی منتشر می شود. او که پیش از این سابقه انتشار کتاب جنجالی "آتش و خشم" را در کارنامه خود دارد، این بار هم همچون گذشته به سراغ دونالد ترامپ رفته و نوک پیکان حمله اش را رو به سوی کاخ سفید و سیاستهای دمدمی مزاجانه و خالی از نظم ساکنان فعلی آن گرفته است. شرکت انتشارات "هنری هولت" آمریکا کتاب جدید را منتشر خواهد کرد.

آقای وولف برای نگارش کتاب "محاصره" با بیش

از ۱۵۰ منبع گفت و گو کرده، اما ناشر نگفته است آیا این منابع از مقامات کنونی دولت هستند یا نه؟

تمرکز این کتاب بیشتر گرد تحقیقات "رابرت مالر"، بازرس ویژه دخالت مسکو در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۶ آمریکا، و احتمال تبانی کمپین انتخاباتی ترامپ با روسیه است. شایان ذکر است که کتاب قبلی این نویسنده با نام آتش و خشم با شمارگانی میلیونی به فروش رسیده است.

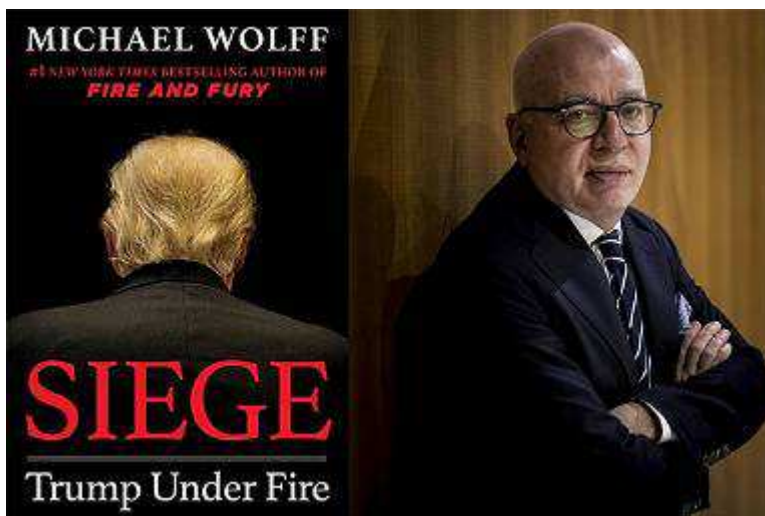
تیغ سانسور بر گلوی دستفروشان کتاب

ایلنا در خبری کوتاه از ممنوعیت بساط کتاب در پیاده روی های خیابان انقلاب گزارش می دهد و گویا که قرار است کاخ نوستالژی کتاب و کتابخوانها ویرانه شود.

پاسدار رحیمی، رییس پلیس پایتخت، اعلام کرد طرح پاکسازی و ساماندهی معبر حدفاصل خیابان انقلاب تا چهار راه ولیعصر را با همکاری اکیپ انضباط شهری به اجرا گذاشته است. وی در توجیه این هجوم مدعی شد: "صنف کتابفروشان و ناشران

خواستار جمع آوری فروشندگان کتابهای مبتدل، ممنوعه و چاپهای غیرمجاز شد."

اما بساط فروشان کتاب می گویند که از پیش از عید به آنها تذکر داده اند که نباید کتابهایی مانند "بیشعوری"، "چهار اثر از فلورانس اسکاول شین"، "دنایای سوفی" و بسیاری کتابهای دیگر را بفروشند، اما آرام آرام محدودیتها بیشتر شده و وضع به اینجا رسیده است.



تاریخ حضور بساط فروشان در این منطقه به پیش از انقلاب بازمی‌گردد که به نوعی نوستالژی کتاب خوانی و کتابفروشی شده است و خالی وجودش بی‌تردید از همان اندک گرمی بازار کتاب خواهد کاست.

بیانیه ۹۰۰ نویسنده در اعتراض به آزادی کشی دولت ام القرا



بیش از ۹۰۰ نویسنده، مترجم و شاعر در نامه‌ای به مقامهای جمهوری اسلامی حکم ناعادلانه علیه سه عضو کانون نویسندگان را "ناروا و آزادی‌گش" و "لطمه‌ای گران به حقوق اساسی فرد فرد ملت ایران" خواندند.

در این بیانیه از همه مراجع قضایی و اجرایی کشور خواسته شده که فوراً و بی‌قید و شرط از این سه نفر رفع اتهام شود.

بنا به ابلاغیه شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب، رضا خندان (مهبادی)، بکتاش آبتین و کیوان باژن به اتهام "تبلیغ علیه نظام و اقدام علیه امنیت کشور" هر یک به شش سال زندان محکوم شده‌اند.

این ۹۰۰ نویسنده تاکید کردند که این سه نفر "در حقیقت تنها به جرم ابراز عقیده و بیان نظرات خود محاکمه شده‌اند". امضاکنندگان این بیانیه همچنین اعتراض صریح خویش را نسبت به "رویه‌های نامنصفانه دستگاه قضایی و برخوردهای امنیتی با اهل قلم و نویسندگان" اعلام کردند.

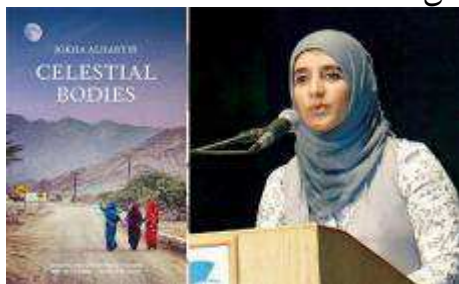
کانون نویسندگان ایران اعلام کرده که این نویسندگان تنها به دلیل عضویت در کانون و گردآوری اسناد و مدارک فعالیتهای پنجاه ساله کانون در قالب کتابی منتشر نشده و نیز حضور بر سر مزار نویسندگانی چون احمد شاملو، محمد مختاری و جعفر پوینده به زندان محکوم شده‌اند.

انجمن جهانی قلم نیز در بیانیه‌ای نگرانی عمیق خود را از این حکم اعلام و تاکید کرده که اتهامهای وارد شده به این سه نویسنده نقض آشکار حق آزادی بیان است.

"ربکا شارکی"، مدیر کارزارها و ارتباطهای انجمن جهانی قلم، در این باره چنین گفت: "ما با همکاران ایرانی خود که به سبب نوشته‌ها و فعالیت مسالمت‌آمیزشان در معرض اتهام قرار گرفته‌اند اعلام همبستگی می‌کنیم و از مقامهای دولت ایران می‌خواهیم تمام اتهامهای وارد شده به این نویسندگان را لغو کنند و به حق آنان برای آزادی بیان احترام بگذارند."

نویسنده عمانی برنده جایزه ادبی من بوکر شد

"جوخه الحارثی"، ماه گذشته به اولین نویسنده عرب تبدیل شد که جایزه ادبی بوکر بین‌المللی را با کتاب "اجرام آسمانی" به دست آورد. موضوع این کتاب در باره تغییرات دوران پساستعماری عمان است.



کتاب اجرام آسمانی با نام عربی "سيدات القمر" که از هنگام انتشار مورد تحسین قرار گرفته، در باره زندگی سه خواهر و خانواده‌هایشان و تغییرات اجتماعی در عمان است. ماجراهای کتاب در روستای "العوفی" عمان می‌گذرد. سه خواهر به نامهای "مایا" که پس از یک دل شکستگی با عبدالله ازدواج می‌کند، "اسما" که از سر مسوولیت ازدواج می‌کند و "خوله" که پیشنهادهای ازدواج را رد کرده و منتظر بازگشت دلبندهش از مهاجرت به کانادا است، شخصیت‌های اصلی کتاب هستند.

این سه خواهر شاهد تحولات اجتماعی عمان می‌شوند که از کشوری سنتی که داشتن برده در آن رایج بود، به کشوری امروزی با پیچیدگیهای خاص همراه با آن تغییر می‌یابد.

شایان ذکر است که در کشور عمان تا پنجاه سال قبل برده‌داری رواج داشت و خانم الحارثی می‌گوید ادبیات بهترین محل برای پرداختن به چنین مساله‌ای است.

جوخه الحارثی ۴۰ سال دارد و پیشتر از او دو مجموعه داستان کوتاه، یک کتاب کودکان و سه داستان (همگی به عربی) منتشر شده بود. داستانهای کوتاه او به انگلیسی، آلمانی، ایتالیایی، کره ای و صربی ترجمه شده اند. او در دانشگاه ادینبورگ شعر کلاسیک عربی خوانده و اکنون در "دانشگاه سلطان قابوس" در مسقط درس می دهد.

جایزه ۶۳ هزار دلاری من بوکر به طور مساوی میان او و "مریلین بوث"، مترجم کتاب، تقسیم می شود. این جایزه سالانه به یک کتاب که به زبان انگلیسی ترجمه شده باشد، اهدا می شود.

کارزار افغانها و ایرانیها برای زبان فارسی در آمازون

آمازون یک شرکت عظیم فناوری چندملیتی است که در کنار دیگر فعالیتهای به انتشار کتاب به دو صورت کاغذی و الکترونیکی هم مشغول است و نویسندگان و ناشران می توانند آثار خود را از طریق آن به طور مستقیم و بی هیچ نظارت محتوایی و سانسور به دست خوانندگان برسانند. آمازون پس از ادغام شرکتهای "کریپت اسپی" و "نشر مستقیم کیندل" از نوامبر ۲۰۱۸ در عمل امکان نشر کتابهای فارسی زبان در سامانه "چاپ بر اساس تقاضا" را از خدمات نشر خود حذف کرد. از آن تاریخ، زبان فارسی در فهرست زبانهایی که کیندل از آنها پشتیبانی می کند وجود ندارد و در نتیجه نشر کتاب به زبان فارسی به روش "چاپ بر اساس تقاضا" در آمازون در عمل امکان ناپذیر شده است.

این اقدام آمازون به واکنش گروهی از نویسندگان ایرانی و افغان مقیم اروپا و آمریکا در قالب راه اندازی کارزاری منجر شده است تا از شرکت آمازون بخواهند زبان فارسی را در خدمات انتشار کتابش به رسمیت بشناسد.

تا کنون نزدیک به شانزده هزار نفر تا کنون نامه درخواست از آمازون برای افزودن زبان فارسی به سامانه انتشارات کیندل را امضا کرده اند.

جشنواره شعر افغان در تبعید

اواسط خرداد ماه و بنا به دعوت "انجمن صلصال" نزدیک به سی تن از شاعران زن و مرد افغان در شهر "اوپسالا" در کشور سوئد گرد آمدند تا شبی پر شکوه از شعر افغان را برای حاضران رقم زنند.

نخستین جشنواره شعر صلصال سال گذشته در شهر اوپسالا در سوئد برگزار شد. مسوولان انجمن صلصال می گویند همه ساله به گردهم آوردن شاعران افغان خارج از افغانستان زیر سقف واحدی خواهند پرداخت تا شاعران بتوانند همدیگر را ببینند و با آثار همدیگر آشنا شوند.



شریف سعیدی که مجری بخشی از برنامه شعرخوانی بود، در مورد تنوع دیدگاه های انعکاس یافته در اشعار جشنواره گفت: "بیان آزادانه دیدگاه های زنان شاعر ما در غرب توجه مخاطبان جشنواره را بیشتر جلب کرد، البته در داخل افغانستان هم مدتهاست شعر زن منادی ارزشهای انسانی شده است، اما چون در غرب نگرانی از ناحیه سانسور و بیم مواجهه با پیامدهای ناگوار ناشی از بیان دیدگاه ها وجود ندارد، شاعران زن موقعیت بهتری دارند تا از مسایلی که برایشان مهمتر است و می تواند موضوع شعر قرار بگیرد، سخن بگویند."

وی افزود: "در این دوره از جشنواره هم شعرهای خوبی از شاعران زن داشتیم که نشان می داد آنها نگرانی موجهی در مورد مسایل مرتبط با زنان دارند. تنوع در فرم و قالبها و تلفیق بین شعر غرب و بسترسازی جدید برای شعر پارسی با فضا و فکر اروپایی و آمیختن مسایل دنیای مدرن با جهان شعر پارسی در این جشنواره قابل درک بود."

موزیکال، موزیک

برای نخستین بار یک بازیگر روی صندلی چرخدار جایزه "تونی" را دریافت کرد



"الی استروکر" در هفتاد و سومین مراسم اهدای جایزه سالانه تونی تاریخ‌ساز شد. بازیگر پیشین سریال "گلی پراجکت"، در این مراسم که روز یکشنبه ۱۹ خرداد برگزار شد، جایزه بهترین بازیگر زن در نسخه احیا شده تئاتر موزیکال "اوکلاهما" را دریافت کرد.

خانم استروکر اولین بازیگر روی صندلی چرخدار است که تا کنون برنده یا حتی نامزد جایزه تونی شده است. این بازیگر ۳۱ ساله که هنگام دریافت جایزه اش با استقبال گرم حضار روبرو شد، گفت: "این جایزه برای هر بچه‌ای است که این مراسم را تماشا می‌کند و دچار یک ناتوانایی است؛ بچه‌ای که محدودیت دارد، با چالش روبرو است و در انتظار دیدن خودش در چنین مکانی بوده است. اکنون هستی!"

در ابتدای مراسم، خانم استروکر با اجرای ترانه "آی کنت سی نو" قطعه‌ای از موزیکال، حاضرین را دلشاد کرد. این ترانه نیز نامزد جایزه بهترین نسخه احیا شده موزیکال شده بود.

خانم استروکر وقتی تنها دو ساله بود، در اثر تصادف اتومبیل از سینه به پایین فلج شد. او در سال ۲۰۱۵ برای اولین بار در نمایش برادوی "دف وست" بر روی صحنه تئاتر ظاهر شد. او اولین بازیگری بود که در صندلی چرخدار در برادوی درخشید.

بازگشت "توسکا" به پاریس

اپرای توسکا اثر پوچینی با نمایش چهار مرگ در سه ساعت یکی از مجذوب‌کننده‌ترین نمایشهای جنایی تاریخ اپراست. و حالا این شاهکار نفس‌گیر پوچینی که بر اثر نمایشنامه‌ای به همین نام از "ویکتورین ساردو" تهیه شده، به اپرای باستی پاریس بازگشته است.

"مارتینا سرافین" در نقش "فلوریا توسکا"، خواننده مشهور، ظاهر می‌شود و "مارچلو پوئنته" نیز نقش "کاوارادوسی"، عاشق پرشور او را ایفا می‌کند.

مارتینا می‌گوید: "پوچینی واقعا از زمانه خودش جلو بود، به این دلیل که او با موضوع احساسات به شکلی شگفت‌انگیز برخورد می‌کند."

وی می‌افزاید: "لحظاتی خاص هست، مثلا آنجا که اسکارپیا می‌گوید "درها را باز کنید" تا بتواند صدای معشوقش را که دارند او را شکنجه می‌کنند بشنود و بعد ارکستر شروع می‌کند."

"دان اتینگر"، تنظیم‌کننده آهنگهای این اجرا، می‌گوید: "پوچینی سلطان "ورسمو" است، یعنی امر واقعی در هنر. او درباره آدمهای واقعی، فضاهای واقعی و فرهنگهای واقعی می‌نویسد."

مارچلو پوئنته که نقش عاشق توسکا را بازی می‌کند نیز معتقد است بسیاری از احساسات بشری در موقعیتهای دراماتیک این اپرا گنجانده شده است. او می‌گوید: "ماجرای جویی، شور و اشتیاق، سیاست، حسد، دسیسه‌چینی و شکنجه و قتل همه در کار است تا احساسات انسانی را نشان دهد."

تصویر تلخ

م. وحیدی (م. صبح)

روپاهای من
 در زیر خاکستر آینه ها
 شعله ورنند
 پشت سر
 علفهای هرزه
 از حاشیه صبح
 بالا می روند
 و جهان
 در رسوب شب
 متورم شده است
 کس نمی داند
 الفباهای باغچه ام
 در سکوت حیاط
 بی پرنده و زرد شده اند
 و کلاغان
 بر یادگارهای تاریخم
 مردگان خویش را
 دفن می کنند
 شبانه های وهم
 در زیر نعل اسبان آزادی
 می لرزند
 من تباه نمی شوم
 رودباران زلال
 صدای من است
 قصیده بلند هستی
 در ابدیت خاک
 بگذار
 چنان برخیزم
 که دریا
 با موجهایش
 زیباترین منظره ها را
 در کتیبه آسمان بسازد

یادداشتهای فراموش شده (۱)

امید آدینه

کارگران

بگذارید سخن بگوییم! بگذارید واژه ها و تصاویر برخیزند: و زخمها و درد ها و رخوت تن را بپوشانند. مگر ما چه می خواهیم (جز نان و گلهای سرخ) مگر نه این است که کارخانه ها و کارگاههای رُس کِشی تان، خون توده های زحمت کش جامعه را می بلعد و در نهایت توقع و بی شرمی کامل، بیغوله ها و سراپها را دستمزد می دهند. به راستی! حدیث تلخ زنده به گوری، شرح زیستن ماست؛ و نجوای هر اعتراض هم، جُرم کلان ما محسوب می شود، و سرانجام، بازجویان همیشه تکلیف را فرا می خواند؛ و در انتها نیز، این هذیان محور دروغ زا... این بیدادگستر ناطق است؛ که پیوسته، تا پیچ و خم سست و حقیر احکام می پیماید و می کاود؛ و مالکان قانون نویس را بر مسند رأی می نشاند. می بینی؟ انگار در شهر بی باران: پشت سلسله پاسخ باد، روزنی نیست؛ و شاید ها و اعتماد، هجایی از متن دشمن است؛ که طعم زمین می دهد! و آشکارا، خرناس آزار می کشد.

وقتی خداوندان ثروت... اربابان قدرت، و چکمه پوشان شوم تورم، وحشت می ریسند: ابلیس می بافند، و سفره های تهی را هاشور می زند؛ سهم ما از آفتاب و آسمان و آرامش چیست؟ شمایان که بر طلوع مرموز ابدیت خزیده اید: بگویید. هنگامی که سرمایه و شلاق، حصارها را در مقابل گرسنگان و بی پناهان و ژنده پوشان می گسترانند؛ وطن چگونه مفهوم یا ترجمانی دارد؟ وطن کدام آشیانه، یا کدامین دریچه و اندوه را به یاد می آورد؟ شمایان که وارث لاشه های مقدس شده اید: بگویید.

ما تعبیر یکی سنگر، در ثقل هجوم هستیم؛ ما سمت تعفن، در دقایق نیرنگ و معما و طمع زندگی می کنیم: روزگاری خالی تر از خاموشی، و مملو از احتمال و اتفاق و هیاهو... شبانه هایی که تمثیل رنج آش، همان قصه های بی مقصد در نیمه روشن حوادث است: یعنی اشکها و سطر های فراموش شده، یعنی پیچ پیچ شکنجه و خاطره در نعل چن دین و چند ناودان کوتاه و طولانی، یعنی صحنه ها و صفحات قاب گرفته در تاریکی و نفرت و خشم، یعنی خیزش ضجه ها و زوالها میان شورای منحوس سرب نشان، یعنی آشفته آباد و سوگنامه و تابوت خواب جعلی، و دیگر کابوسها و مصیبت های ناگفته... که چنان حکایتی تب سوز، می جوشند و می خروشدند؛ و سراسر شعور و شرافت را، بر قلب و ذهن ما حک می کنند؛ و بی شک: باید گفت: و باید نوشت؛ که این همه راز و جان فدا، این همه الفاظ و حروف قربانی، از ولایت ممنوعه و نسل اساطیر آند؛ و باز هم با لحظه های نشاط و مبارزه، خواهند روئید: و خواهند شتافت؛ اما به گمان ام! در این گذرگاه نا مراد، در این سراچه ی واژگون مظهر نکبت سرشت بد نهاد، غبار عبورشان... غم هیچ کس نیست؛ جدال هیچ کس نیست. ما آفتاب کاران همین خانه ایم: آندیش پیشه گان همین سرزمین! ما پاک گنگ عطش را بر ریشه های خشک فریاد می شناسیم، و با تار و پودمان احساس آش کرده ایم؛ ما به بلوغ چهره و مهتاب، به رونق چراغ باور داریم: و تکرارکنان، کهنه کلام مدفون در زمان را می بوییم (همان کلام واپسین پرواز را) که از آتش و آهن، از داسها و یاسها می گوید.

ما هم چون ابعاد یک افکاریم: منتظران صلح: فرزندان یک نام! تقوای ما تنهایی نیست، سکوت نیست؛ ما حسرت باغچه را بر کاسه ی خاک آندود دستان مان لمس کرده ایم؛ و نور را در تکثیر رود نوشته ایم. ما مدار رزم و رفیقان و حماسه، امتداد شهیدان هستیم؛ ما با بغض هر لاله و هر آدمی گریسته ایم، و رهاگونه: آینه وار، کوهستان را در انتشار سپیده دم سروده ایم.

ما اگر چه زندگی را کنار باجه های سانسور و طرح زندان تجربه کرده ایم؛ اما از تبار برگ و سنگ آموخته... و بر محراب صحرا نطفه بسته ایم.

ما اگر چه جهان را زیر فرمان مرگ و اشکال اعدام نفس کشیده ایم؛ ولی چشمها و لبان مان: مکتب خورشید و فلات رنگین کمان است.

ما به پرتو خیس جنگل: به حجم مطلق صخره ها: به تسخیر کنندگان خیابان و کانونها می مانیم (طبل کوب کوچه و آزادی) ما اهل کتیبه های محض عدالتیم: هرگز یاوه پوشی آواره نمایی انزوا طلب را روی دیوار همسایه نبوسیده ایم: زیارت نکرده ایم؛ و هرگز هم مرثیه خوان بیهودگی و بطالت نیستیم.

اندام ما، اتحاد و انقلاب است! ما مدام گفته ایم (حجره فرسوده ایم) و ایمان داریم که زنجیرها و اسارتگاهها می پوسند: پوچ مجازات فرو می ریزد: و عاقبت کاشفان و عاشقان، حباب مشترک بر عرصه میعاد و ملاقات را شهادت خواهند داد؛ و دلک و دیو نیز: از خوف جنایتها و خیانتهای شان به یکدیگر اشاره خواهند کرد.

ما شبیه زمزمه و سرو: مثل لحظه های ناب رستگاری، میان تاول و توان ایستاده ایم؛ و بی هراس از گزمه وشعله و امواج: تا هزاران خطابه ی غروب، تا نخستین هلهله ی ضیافت مان، نبض پُرگویی این مقاومت خواهیم بود.

...آری! ای بیگانگان که بر بهت بامها و دنج ییلاق تان نشسته اید، ما را شهود کنید؛ آی ارواح سرد عبوس، ما را تا حوالی مناره ها و شیپورها و دروازه ی ظلمت، شنود کنید؛ آداب ما معجزه و مترسک نیست، پندار ما وحدت ترس و جنون نیست، بلکه خون ما وسعت تاریخ را خواهد تراشید؛ و بی تردید، آغوش هر انسان صیقل خواهد خورد، و زلال تُرد یقین اش، در نوزاد آینده خواهد شکفت.

بگذارید سخن بگوییم! بگذارید جمعه ها و پرسشها آغاز شوند: کلمات برخیزند: بازوان غایب و خنده های ناگهانی و بوته های پژمرده رونق گیرند: و مشعل کومه پرست مغرور، بی مرز بتابد؛ و عطر غذا و ترانه، نقطه چین اضطراب و فقر را سرشار کند.

بگذارید سخن بگوییم... بگذارید آن آواز شوخ پرنده باشیم: همان آواز کوچیده در برزخ اعماق و اشیاء، که دریاها و گندم را می طلبد؛ و پژواک بی دریغ اش، نوازش گر نامها و خوشه های حقیقت است.

بگذارید سخن بگوییم! بگذارید پایان هرستم را تلاوت کنیم: تا چخماق و رویا پس پلک ستاره و پشت ازدحام ماجرا بجنبند: و دشت بان صبور، بر کسوف جان بتازد: و پیله و پروانه به تپش آید؛ زیرا که ما بیکرانی از بشر، در صدای ناسور خلقها هستیم؛ زیرا ما بی شمار کارگرانیم.

یادداشت های فراموش شده (۲)

امید آدینه

کولبران



کوهستان، نام دیگر کردستان است؛ آن هنگام که فرزندان خاک و خورشید، از شیارهای کوه جاری می شوند، و برای لقمه نانی اندک، میان رنج و رویاً غوطه وراند؛ این کوهستان است که به احترام کارگران خم می شود، و بر دوش خسته و دستان پینه بسته ی شان، بوسه ها می زند، و شعور و شرافت یک خلق را سجده می کند، آری گویی کولبران، رفیقی جز کوهستان ندارند ...

زنان در مسیر رهایی (خرداد ۹۸)

اسد طاهری

چند نکته مفید در باره جام جهانی فوتبال زنان



اولین جام جهانی فوتبال زنان در سال ۱۹۹۱ به میزبانی چین برگزار شد که آمریکا در آن به قهرمانی رسید. بنابراین، مسابقات جهانی زنان ۶۱ سال بعد از آغاز جام جهانی مردان پا گرفت.

با این حال کیفیت فنی و بازتاب رسانه ای جام جهانی زنان، در هر دوره رشد چشمگیری نسبت به دوره های پیشین داشته است.

آمریکا سه بار، آلمان دوبار، نروژ و ژاپن هم هر کدام یک بار قهرمان جام جهانی شده اند. ژاپن تنها تیم آسیایی است که توانسته قهرمان جام جهانی شود.

در پایان مسابقات به بهترین گلزن و بهترین بازیکن تندیس اهدا می شود، اما در سه دوره اخیر، جایزه دستکش طلایی به بهترین دروازه بان هم اضافه شده. تاکنون "هوپ سولو" (آمریکا) دوبار و "نادین آنگر" (آلمان) برندگان دستکش زرین بوده اند.

نگار معظمی، خواننده به دادگاه احضار شد



پس از انتشار ویدیوی تک خوانی نگار معظم در رسانه های اجتماعی، این خواننده و مدرس آواز به دادگاه احضار شد. او در ویدیویی منتشر شده، در میان جمعی از گردشگران در روستای ابیانه کاشان ترانه از شهره صولتی را باز خوانی می کند

فرماندار شهرستان نطنز با اعلام احضار نگار معظمی به دادگاه، همچنین از پیگرد و پرونده سازی برای "عوامل تور خانوادگی گردشگری در روستای ابیانه" خبر داد.

جریمه سنگین برای یکی از "دختران خیابان انقلاب"



حکم صادره علیه لیلیا میرغفاری، فعال مدنی، مبنی بر پرداخت جریمه نقدی روز سه شنبه ۳۱ اردیبهشت در شعبه دوم اجرای احکام دادگاه کیفری ناحیه ۲۱ تهران (دادسرای ارشاد) اجرا و توسط وی واریز شد.

لیلیا میرغفاری سال گذشته در ارتباط با حمایت از مخالفان حجاب اجباری به پرداخت جریمه نقدی به مبلغ ۳۲ میلیون و دویست هزار ریال معادل (۳ میلیون و دویست و بیست هزار تومان) محکوم شده بود. خانم میرغفاری در پی صدور این حکم در تاریخ ۱۰ مهرماه ۹۷ بازداشت و پس از یک روز در نهایت با قرار کفالت آزاد شد.

این فعال مدنی بهمن ماه سال گذشته با ایستادن روی یک سکوی برق و برداشتن روسری خود، خواستار توقف خشونت علیه زنان شده بود.

وی پیشتر نیز در بخش نخست پرونده خود توسط شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب تهران به اتهام "توهین به رهبری" به ۲ سال حبس تعلیقی محکوم شده بود.

جلوگیری از ورود نوازندگان زن به یک جشن خیریه در قزوین

به دستور رییس دانشگاه آزاد قزوین (موسی خانی) از ورود نوازندگان زن "گروه پاتتیک" به روی صحنه یک جشن خیریه در این شهر جلوگیری شد. به زنان نوازنده حتی اجازه داده نشد که به عنوان تماشاگر نیز در سالن بنشینند و به همین دلیل بسیاری از هنرمندان نیز به نشانه اعتراض سالن را ترک کردند. به گفته تهیه کننده برنامه، "گروه موسیقی پاتتیک که معتبرترین گروه سنتی استان قزوین است، به صورت رایگان برای اجرای کنسرت در سالن حضور پیدا کرده بود".

دختران جوان پیشتاز تظاهرات اقلیمی

طبق پژوهشی جدید در آلمان، بیشتر شرکت کنندگان در تظاهرات "جمعه ها برای آینده" که هر جمعه و با شعار حفاظت از محیط زیست انجام می گیرد، دختران جوانی هستند که برای نخستین بار به خیابانها آمده و اعتراض می کنند. دانشگاه فنی "کمپیتس" نتایج یک نظرسنجی را که از طریق شبکه بین المللی محققان انجام گرفته منتشر کرد. این نظرسنجی در ۱۳ شهر دنیا در ۹ کشور انجام شده است. این تحقیقات از ده ها هزار تظاهرکننده ای انجام شده که در ۱۵ مارس ۲۰۱۹ دست به اعتراض زده اند. براساس این نظرسنجی، در آمستردام، فلورانس و وین بیش از ۷۰ درصد تظاهرکنندگان ۱۵ مارس زنان و دختران جوان بوده اند.



تظاهرات جمعه ۱۵ مارس یکی از بزرگترین تجمعات دانش آموزان حامی "جمعه ها برای آینده" بود. دانش آموزان حدود یکصد کشور جهان در این روز در اعتراض به بی عملی سیاستمداران در زمینه تغییرات آب وهوایی، به جای حضور در کلاس درس در خیابانها تجمع کردند.

بیش از ۷۰ درصد تظاهرکنندگان ۱۵ مارس در سراسر دنیا که شمارشان حدود یک میلیون و ۶۰۰ هزار نفر اعلام شده زنان و دختران جوان بوده اند.

اعتراض به پیگرد نویسندگان در ترکیه

تعقیب قضایی رسمی عده ای از نویسندگان ترکیه از جمله "الف شفق" به دلیل پرداختن به موضوعات حساس و بغرنجی چون تعرض به کودکان و خشونت علیه زنان، انتقاد فعالان حقوق بشر را به دنبال داشته است. بهانه حمله به نویسندگان اشتراک گذاری یک صفحه از رمانی به قلم "عبدالله شوقی" در فضای مجازی بود. در این صفحه از رمان آقای شوقی، ماجرای تعرض جنسی به یک کودک از زاویه دید فردی منحرف و بیمار به تصویر کشیده می شود. این موضوع به یک کارزار اینترنتی هدایت شده علیه نویسنده در توئیتر انجامید و پس از آن بود که وزارت فرهنگ ترکیه اعلام کرد که از عبدالله شوقی شکایت کرده است. این شکایت رسمی، سپس به بازداشت عبدالله شوقی و ناشر او در روز چهارشنبه هفته گذشته (۸ خرداد) منجر شد.

در ادامه همین حملات سازمان یافته، شمار دیگری از نویسندگان همچون الف شفق و "عایشه کولین" نیز آماج حمله قرار داده شدند.

خانم شفق خبر داده است که در دو روز گذشته "هزاران پیام توهین آمیز" دریافت کرده و دادستانی ترکیه نیز خواستار بررسی کتابهای او، به ویژه دو کتاب "خیره" و "سه دختر حوا" شده است. الف شفق همچنین انتقاد کرده است که در ترکیه "به جای تغییر قوانین و اقدام عاجل برای از بین بردن خشونت جنسی، نویسندگان را دادگاهی می کنند". انجمن قلم بریتانیا نیز به همین دلیل ابراز "نگرانی شدید" کرده است.

نسل‌کشی هزاران زن بومی در کانادا

شبکه تلویزیونی "سی بی سی" کانادا از دستیابی به سندی ۱۲۰۰ صفحه‌ای خبر داد که نقش دولت کانادا را در تشدید خشونت تحمیل شده بر زنان بومی این کشور نشان می دهد.

براساس این تحقیق، حدود ۱۲۰۰ زن بومی در کانادا از سال ۱۹۸۰ تا کنون کشته یا مفقود شدند، اما برخی فعالان

معتقدند این تعداد احتمالاً خیلی بیشتر از این رقم است. قرار است این گزارش با عنوان "تحقیق ملی از زنان و دختران بومی گمشده و مقتول در کانادا" به طور رسمی منتشر شود.

"رابین بورژوا"، فعال مبارزه با خشونت علیه زنان بومی کانادا، در این باره گفت: "۴۰ سال طول کشید تا این لحظه بالاخره فرا برسد؛ آن هم تنها چون زنان بومی درباره آن سر و صدا راه انداختند."

قتل "تینا فونتین"، دختر نوجوان بومی، در سال ۲۰۱۴ توجه افکار عمومی و فعالان حقوق

بشر را برای حفاظت از زنان و دختران بومی جلب کرد.

این گزارش ۱۲۰۰ صفحه‌ای که محصول سالها تحقیق و بررسی است، می گوید قتل و ناپدید شدن زنان و دختران بومی در چند دهه اخیر در کانادا معادل "نسل‌کشی مردمان بومی بر اساس نژاد" آنهاست.

این گزارش با اشاره به پژوهشها می گوید که خطر مرگ یا مفقود شدن زنان بومی کانادا دوازده برابر سایر زنان است. گزارش نتیجه نزدیک به سه سال گردآوری اظهارات شاهدان و تحقیق درباره خشونت خارج از تناسبی است که زنان و دختران بومی در کانادا با آن روبرو هستند.



اعتراض گسترده زنان ژاپنی پوشش اجباری کفش پاشنه بلند (تصویر 6)

در ژاپن زنان شاغل اغلب مجبور به پوشیدن کفش پاشنه بلند در محل کار هستند. این اجبار، قانونی نانوشته در بیشتر کنسرنها و شرکتها است که کاسه صبر بسیاری از زنان ژاپنی را سرریز کرده است. یک هنرپیشه معروف کارزاری علیه کفش پاشنه بلند به راه انداخته است.

"ایشیکاوا"، هنرپیشه و نویسنده نامدار ژاپنی، کارزاری با هشتک "کوتو" علیه اجبار به پوشیدن کفش پاشنه بلند به راه انداخته است. هشتک KuToo ترکیبی از دو لغت ژاپنی kutsu کفش، و kutsuu و هشتک MeToo است که سال گذشته علیه آزار و اذیت جنسی زنان به راه افتاد.

تا به حال بیش از ۲۰ هزار زن ژاپنی در حمایت از کارزار او طوماری خطاب به دولت ژاپن امضاء کرده اند. در این طومار از دولت خواسته شده وضع "مقررات پوشیدن کفش پاشنه بلند برای زنان توسط کارفرما" را ممنوع کند، چون چنین مقرراتی مصداق تبعیض جنسیتی و آزار زنان است. زنان معترض طومار خود را با اشاره به پیامدهای پوشیدن مداوم کفش پاشنه بلند برای سلامت زنان، به وزارت بهداشت ژاپن فرستاده اند.

اما "توکامو نموتو"، وزیر بهداشت ژاپن، در واکنش به این حرکت اعتراضی گفت: "پوشیدن کفش پاشنه بلند برای زنان در محیط کار همچون لباس رسمی، ضروری است." وی افزود: "پوشش محل کار باید متناسب با فضای کار باشد و این پوششی پذیرفته شده در سطح جامعه به شمار می رود و باید عرفی که در این زمینه وجود دارد را بپذیریم."

زنان ژاپنی امیدوارند اجبار پوشیدن کفش پاشنه بلند در محل برای آنها مانند اجبار پوشیدن کراوات برای مردان لغو شود. مردان ژاپنی سال ۲۰۰۵ میلادی کارزار موفقی علیه اجبار پوشیدن کراوات در محل کار به راه انداختند و آن را لغو کردند.

دهها هزار زن در سوئیس خواهان مزد برابر در مقابل کار برابر شدند

زنان سوئیسی در یک اقدام هماهنگ در نقاط مختلف این کشور دست به اعتصاب و گردهمایی زدند و خواهان برابری جنسیتی شدند. آنها به ویژه خواست دستمزد برابر برای کار برابر با مردان را مطرح کردند.



سازگاری بهتر خانواده و محیط کار و حقوق بازنشستگی بهتر برای زنان از جمله خواسته های دیگر زنان سوئیسی بود. آنها همچنین برای کاهش نرخ مالیات بر محصولات بهداشتی زنانه، طوماری با ۱۱ هزار امضا را به پارلمان سوئیس در برن ارائه دادند.

تنها در شهر برن تا ظهر جمعه، ۱۰ هزار زن در اعتراضات شرکت کردند. تظاهرکنندگان در زوریخ حدود ظهر رفت و آمد در نزدیکی ایستگاه اصلی قطار را فلج کردند. افزون بر

این، بسیاری از زنان به مدت کوتاهی دست از کار کشیدند. اعتصاب زنان سوئیسی به طور نمادین از ساعت ۱۵ و ۲۴ دقیقه آغاز شد زیرا بنا بر محاسبات، میزان کنونی اختلاف دستمزد روزانه زنان و مردان در این کشور معادل دستمزد مردان از این ساعت به بعد است. سندیکاها در برگزاری این اعتراضات نقش اصلی را داشتند و در غرب سوئیس شمار زیادی از معلمان مشارکت خود را با این حرکت اعلام کردند.

اولین اعتصاب عمومی زنان سوئیس ۱۴ ژوئن ۱۹۹۱ برگزار شد. در آن زمان، صدها هزار نفر از زنان کمتر کار کردند و دست به تظاهرات اعتراضی زدند. آنها با این حرکت خود به این واقعیت اشاره کردند که برابری جنسیتی که در قانون اساسی سوئیس ثبت گردیده، ۱۰ سال بعد هنوز اجرا نشده است.

برابری جنسیتی در قانون اساسی سوئیس در سال ۱۹۸۱ ثبت شد، اما دستمزد زنان هنوز به طور میانگین ۲۰ درصد کمتر از مردان است.

به رسمیت شناختن کارهای خانگی مانند نگهداری از کودک و سالمند، منع خشونت علیه زنان و مشارکت دادن بیشتر آنها در پستهای حکومتی از دیگر خواسته های زنان است.



زنان ماهیگیر از داشتن مجوز کار محروم هستند

زنان ماهیگیر در جزیره "هنگام" با مشکل صدور مجوز ماهیگیری از سوی سازمان شیلات روبرو هستند و این موضوع موجی از نارضایتی را در میان آنها ایجاد کرده است.

سازمان شیلات ماهیگیری را شغلی مردانه می داند از این رو سهمیه سوخت قایق برای صید که به صورت یارانه ای به ماهیگیران داده می شود، به زنان ماهیگیر تعلق نمی

گیرد. این در حالیست که زنان در جزیره هنگام از دیرباز به ماهیگیری در کنار مردان می پرداختند.

یکی از زنان ماهیگیر می گوید: "تا دنبال مجوز می رویم، به ما می گویند که ماهیگیری کار زن نیست. مثلاً اگر قایق مان آسیب ببیند، نمی توانیم از جایی خسارت بگیریم یا سهمیه بنزین دریافت کنیم."

وی پرسید: "چرا ماهیگیری کار زن نیست؟ این همه سال است که ما ماهی می گیریم. ما در این جزیره همه کار می کنیم. اقتصاد هنگام روی دست زنهاست."

فیفا: برخورد با کوشندگان ایرانی نادرست بود

فدراسیون بین المللی فوتبال، فیفا، روز سه شنبه ۲۸ خرداد اعلام کرد محدود کردن و برخورد با افرادی که برای حق ورود زنان ایرانی به استادیومها مبارزه می کنند، اشتباه است.

روز شنبه ۲۵ خرداد در جریان مسابقه تیمهای ملی زنان نیوزیلند و کانادا در شهر "گرونوبل" فرانسه، ماموران محافظ استادیوم تعدادی از فعالان را که تی شرتهایی در دفاع از حقوق زنان به تن داشتند، از استادیوم بیرون کردند. بر روی پیراهن کوشندگان زن همچنین شعاری در مخالفت با حجاب اجباری در ایران نیز درج شده بود.

فیفا، فدراسیون بین المللی فوتبال، پس از بررسی این حادثه نحوه برخورد برگزارکنندگان مسابقات را زیر سوال برد. در بیانیه فیفا تاکید شده که دفاع از حق زنان برای حضور در استادیومهای فوتبال "یک موضوع اجتماعی است و نه سیاسی". فیفا بر همین اساس نتیجه گیری کرده است پیامی که روی تی شرت دو تماشاچی مدافع ورود زنان به ورزشگاه نوشته شده بود، "خلاف قوانین و مقررات فیفا نیست".

فیفا در این بیانیه وعده داده است که "چنین مواردی در سایر مسابقات جام جهانی زنان اتفاق نیفتد".

فعالیت مدافعان حضور زنان در ورزشگاه در رقابتهای جام جهانی فوتبال مردان در روسیه هم خبرساز شد. در آن رقابتهای، فیفا برای پلاکاردهایی که در بازی ایران و مراکش از سوی برخی تماشاگران با هدف حمایت از حقوق زنان ایرانی در استادیوم نصب شد، مجوز صادر کرد.

در جریان آن دیدار، پلاکاردهایی با شعار #WomenNoBan (عدم ممنوعیت برای زنان) و "از زنان ایرانی برای ورود به ورزشگاه ها حمایت کنید" در دو سوی استادیوم سن پترزبورگ، محل برگزاری این مسابقه، به اهتزاز درآمد.

با این حال در بازی دوم ایران که با اسپانیا برگزار شد، ماموران ورزشگاه از ورود برخی فعالان حقوق بشر که بنر و پلاکارد در دست داشتند، جلوگیری کردند و تنها پس از ضبط بنر به آنها اجازه ورود به ورزشگاه را دادند.

توسعه سبز یک توهم است

سرمایه داری که ما می شناسیم با بقای کره زمین سازگاری ندارد. زمان آن فرا رسیده که طرح سیستم اقتصادی دیگری را بریزیم

جورج مونبیو* / فرایتاگ
برگردان و خلاصه: بابک

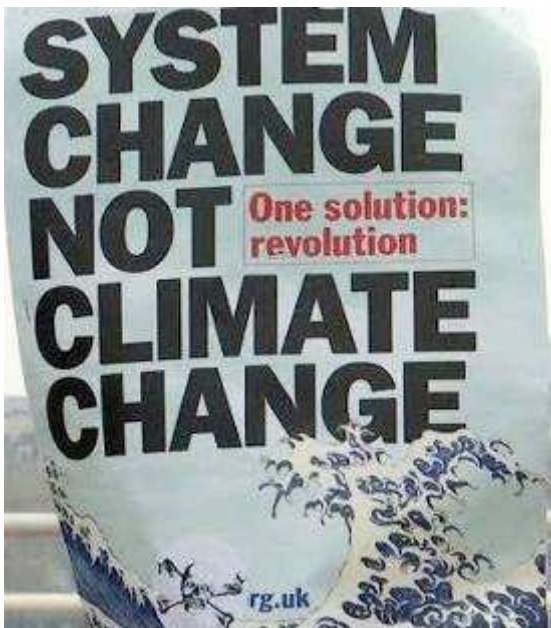


بخش بیشتر دوران بزرگسالی ام را به مبارزه علیه "سرمایه داری کنسرنها"، "مصرف سرمایه داری" و "خویشاوندسالاری سرمایه داری" صرف کردم. زمان زیادی باید سپری می شد تا درک می کردم که مشکل در پسوند و پیشوند نیست، بلکه در خود سرمایه داری است. در حالی که دیگران با کمال میل و به شتاب سرمایه داری را رد کردند، این تحول در مورد من بسیار آهسته و با اکراه صورت گرفت. بخشی به این دلیل که من جایگزین روشنی نمی دیدم. در قرن بیست و یکم گفتن اینکه "سرمایه داری شکست خورده" مثل این است که در قرن نوزدهم بگویی "خدا مرده است".

این کفرگویی سکولار است و نیاز به سطح اعتماد به نفسی دارد که من از آن برخوردار نبودم. اما به موازات رشد سنی، دو موضوع را دریافتم. اول: این خود سیستم است و نه شکل خاصی از آن که ما را به گونه توقف ناپذیر به سمت فاجعه می برد. دوم: برای گفتن اینکه سرمایه داری شکست می خورد، نیازی به داشتن یک گزینه قطعی نیست. این گفته خود یک واقعیت مستقل است. شکست سرمایه داری محصول دو پدیده مشخص است. اولی در رشد دائمی نهفته است. رشد اقتصادی به گونه ناگزیر از تلاش برای انباشت سرمایه و ارزش اضافی به دست می آید. بدون رشد، سرمایه داری فرو می پاشد. در یک سیاره محدود اما رشد دائمی به اجبار به فاجعه زیست محیطی ختم می شود.

ما نمی توانیم بی انتها رشد کنیم

کسانی که از سرمایه داری دفاع می کنند، استدلال می آورند که توسعه اقتصادی را می توان از استفاده از منابع مادی جدا کرد، زیرا مصرف به گونه فزاینده ای از کالا به خدمات منتقل می شود. به تازگی یک پژوهش توسط "جیسون هیکل" (Jason Hickel) و "جیورجوس کالیس" (Giorgos Kallis) در مجله "اقتصاد سیاسی جدید" این فرضیه را مورد بررسی قرار داد. پژوهش مزبور به این نتیجه رسید که در طول قرن بیستم نوعی جدایی صورت گرفته - استفاده از منابع مادی رشد کرد، اما نه با همان سرعتی که اقتصاد رشد یافت - اما در قرن بیست و یکم دوباره این دو عامل به یکدیگر وصل شدند. تاکنون افزایش مصرف منابع با میزان رشد اقتصادی هم سطح بوده یا حتی از آن فراتر رفته است. جدایی مطلق که برای جلوگیری از فاجعه زیست محیطی لازم است، هرگز صورت نگرفته و به نظر می رسد تا زمانی که اقتصاد همچنان رشد می کند، غیرممکن باشد. توسعه سبز یک توهم است.



سیستم بنا شده بر رشد دائمی نمی تواند بدون پیرامون و بدون یک محیط بیرونی عمل کند. همیشه باید بخشی برای بهره کشی که از آن منابع بدون پرداخت کامل هزینه برداشت می شود و نیز بخش دیگری که در آن هزینه ها در قالب زباله و آلودگی دفع گردد، وجود داشته باشد. از آنجا که ابعاد فعالیتهای اقتصادی تا هنگامی که سرمایه داری به همه چیز نفوذ کند ادامه می یابد، سراسر کره زمین به بخشی که قربانی می شود تبدیل خواهد شد و همه ما ساکنان حاشیه دستگاه سودآوری خواهیم بود.

این روند ما را با چنان فاجعه ای روبرو خواهد ساخت که بیشتر مردم حتی نمی توانند آن را تصور کنند. ما با تهدید فروپاشی سیستم بقای خود روبرو هستیم که بسا بزرگتر از هر جنگ، قحطی، بیماریهای مسری یا بحرانهای اقتصادی دیگر است که بتواند موجب آن شود. حتی اگر این چهار فاجعه با هم نازل شوند، آثار فروپاشی در ابعاد تهدید مزبور نیست. جوامع می توانند از رویدادهای آخرازمانی بهبود پیدا کنند، اما در انتهای از دست رفتن محیط زیست، یک بیوسفر غنی از گونه و اقلیمی زندگی بخش، بهبودی در کار نیست.

آیا می توان تفاوتی بین سرمایه داری خوب و سرمایه داری بد مشاهده کرد؟

عنصر دوم در شکست سرمایه داری این باور عجیب است که هر کس دارای این حق است که به اندازه پولی که دارد، می تواند هر میزان که خواست از ثروتهای طبیعی زمین برداشت کند. این تصرف اموال جمعی موجب سه ناهنجاری می شود: (۱) کشمکش بر سر کنترل مواد تولیدی تجدیدناپذیر که یا به خشونت و یا به سلب حقوق دیگران راه می برد. (۲) بینوا سازی دیگران توسط اقتصادی که بر چپاول و تخریب اکنون و آینده تکیه زده. (۳) انتقال قدرت اقتصادی به قدرت سیاسی که به وسیله کنترل مهمترین منابع، کنترل مناسبات اجتماعی پیرامون خود را نیز در دست می گیرد.

"جوزف استیگلیتز" (Joseph Stiglitz)، برنده جایزه نوبل اقتصاد، در نوشته ای در روزنامه "نیویورک تایمز" تلاش کرد بین سرمایه داری خوب که او آن را "رفاه زا" و سرمایه داری بد که بر آن "رفاه زدا" نام نهاد، تمایز برقرار کند. من این تمایز را درک می کنم، اما از نگاه زیست محیطی "رفاه زایی" معادل "رفاه زدایی" است. رشد اقتصادی که در جوهره خود همچنین با مصرف فزاینده منابع مادی پیوند خورده، به معنای غصب ثروتهای طبیعی هم از سیستمهای زنده و هم نسلهای آینده است.

هرکس که به این مشکلات اشاره کند، باید منتظر رگبار اتهاماتی باشد که بسیاری از آنها بر این پیش شرطها بنا شده اند: سرمایه داری صدها میلیون نفر را از فقر نجات داد، حال شما می خواهید آنها را دوباره به دامن فقر برگردانید؟ این درست است که سرمایه داری و رشد اقتصادی موجب آن می شود که شرایط اقتصادی شمار زیادی از انسانها بهتر شود، همزمان با آن اما رفاه و خوشبختی بسیاری دیگر را نابود می کند؛ همانها که زمین، کار و منابع شان از آنها گرفته می شود تا در جایی دیگر رشد به جلو برده شود. بخش بزرگی از رفاه کشورهای ثروتمند بر پایه برده داری و سلب مالکیت استعماری قرار گرفته.

راه بازگشت وجود ندارد

سرمایه داری مانند زغال سنگ امکانات رفاهی فراوانی به همراه آورد. اما همچون زغال سنگ زیانهای این سیستم امروز بیشتر از منافعش است. همانگونه که ما راه هایی برای تولید انرژی قابل استفاده پیدا کردیم که بهتر و زیان آنها کمتر از زغال سنگ است، باید راه هایی برای تولید رفاه اجتماعی بیابیم که بهتر و کم ضررتر از سرمایه داری باشد. راه بازگشتی وجود ندارد. آلترناتیو سرمایه داری نه فئودالیسم است و نه کمونیسم دولتی. شباهتهای کمونیسم اتحاد شوروی با سرمایه داری خیلی بیشتر از آن است که نمایندگان هر دو سیستم حاضر به اعتراف هستند.

بنابراین یک سیستم بهتر می تواند چگونه به نظر برسد؟ من پاسخ جامعی به این سوال ندارم و فکر نمی کنم کس دیگری هم داشته باشد. اما می بینم که یک چارچوب تقریبی به وجود می آید. بخشی از آن را تمدن اکولوژیک می سازد که "جرمی لنت" (Jeremy Lent)، یکی از بزرگترین متفکران عصر ما، پیشنهاد کرده است. عناصر دیگر از کتاب

"اقتصاد دوناتی" (Doughnut Economics) نوشته "کیت راورث" (Kate Raworths) و تفکر زیست محیطی "نائوی کلاین"، "امیتاو گُش" (Amitav Ghosh)، "آنگانگانک آنگاکرسوک" (Angaangaq) و "راج پاتل" (Raj Patel) و "بیل مک کین" (Bill McKibben) می آیند. بخشی از پاسخ در ایده "کفایت خصوصی و تجمل همگانی" قرار دارد. بخش دیگر از ایجاد یک انگاشت جدید از عدالت بر پایه این پرنسیب ساده به وجود می آید که هر نسلی همه جا حق یکسانی در بهره مندی از ثروتهای طبیعی باید داشته باشد.

ما می توانیم انتخاب کنیم



من فکر می کنم وظیفه ما این است که بهترین پیشنهادهای متفکران گوناگون را متمایز کنیم و جمع آن را به شکل یک آلترناتیو فرم بدهیم. چرا که هیچ سیستم اقتصادی فقط سیستم اقتصادی نیست، بلکه به همه زوایای زندگی ما نفوذ می کند. ما به همکاری افکار زیادی از رشته های گوناگون - اقتصاد، سیاست، فرهنگ، جامعه و تدارکات - نیاز داریم تا طرح یک جامعه بهتر سازمان یافته را بریزیم که نیازهایمان را برآورده می کند بدون آنکه محیط زیست مان را نابود سازد. در انتها انتخابی که ما داریم از دو سووال تشکیل شده: به زندگی خاتمه دهیم تا سرمایه داری بتواند به حیاتش ادامه دهد یا به سرمایه داری پایان دهیم تا بتوانیم زندگی کنیم؟

*جورج مونبئو روزنامه نگار انگلیسی، نویسنده، مدافع محیط زیست و فعال سیاسی است. نوشته های او به طور هفتگی در روزنامه گاردین منتشر می شود. او در دهه ۹۰ به جنبش ضد جهانی سازی پیوست و در سال ۱۹۹۵ جایزه "گلوبال ۵۰۰" سازمان ملل را از نلسون ماندلا دریافت کرد. او پرفسور میهمان در چندین دانشگاه از جمله آکسفورد (محیط زیست)، دانشگاه بریستول (فلسفه) و دانشگاه کلی (سیاست) بوده است.

به رادیو پیشگام در آدرس زیر گوش کنید

www.radiopishgam.com

چپ مارکسیستی، از کابوسهای خامنه ای

مهدی سامع

جنبش کمونیستی ایران افت و خیزهای بسیار داشته و حیات آن با اولین محافل عدالت طلب در آستانه انقلاب بزرگ مشروطیت آغاز شده است. طی بیش از صد سال گذشته صاحبان قدرت و ثروت، امپریالیستها و مرتجعان بدون درنگ و به شدت علیه کمونیستها و نیروها و نهادهای مارکسیستی اقدام کرده اند. تعقیب و زندانی کردن، شکنجه های سبُعانه و کشتارهای جنایتکارانه تنها ابزار حکام ایران علیه نیروهای جنبش کمونیستی ایران بوده است. به جز دوران کوتاه دولت ملی دمکراتیک دکتر محمد مصدق، قدرتمداران هیچگاه با چپ مارکسیستی تعامل و سازش نداشته اند. رضا شاه، محمد رضا شاه، خمینی، خامنه ای و نیز بسیاری از آیت الله های شریک در قدرت و ثروت به شمول آیت الله کاشانی، دشمنان سوگند خورده چپ مارکسیستی بوده اند.

با انقلاب ستروگ اکتبر در روسیه، فعالیت و نفوذ جنبش چپ به طور عام و کمونیستها به طور خاص به طور گسترده افزایش یافت. قانون ۱۳۱۰ رضاخانی تدبیر حکومت وقت برای به زنجیر کشیدن کمونیستها بود. در آن دوران زنده یاد رفیق دکتر تقی ارانی که یکی از برجسته ترین مبارزان انقلابی و کمونیست بود، در زندان رضا خان به شهادت رسید. پیروزی بر فاشیسم هیتلری در جنگ جهانی دوم و نقش مهم اتحاد شوروی و نیز کمونیستهای انقلابی در جنبشهای مقاومت علیه فاشیسم، برکناری رضا شاه از قدرت توسط متفقین، سبب برآمد جدید از فعالیت نیروهای چپ در ایران شد که به تدریج در قالب حزب توده به نیرویی قدرتمند تبدیل شد. با توطئه ترور محمد رضا شاه، حزب توده غیر قانونی اعلام شد و بسیاری از رهبران آن دستگیر شدند.

همزمان با رشد جنبش ملی شدن صنعت نفت و ضعف قدرت شاه در مهار جنبش، دکتر محمد مصدق به نخست وزیری رسید و در این دوران با تعامل مصدق، ضعف قدرت دربار و نفوذ گسترده حزب توده، این حزب را به بزرگترین نیروی سیاسی نه فقط در ایران که در خاورمیانه تبدیل کرد.

با کودتای امپریالیستی امریکا - انگلیس علیه دولت ملی - دمکراتیک مصدق در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، سرکوب کمونیستها به شدت در دستور روز قرار گرفت و هزاران تن از فرزندان برجسته ایران زمین زندانی و دهها تن به جوخه اعدام سپرده شدند. بی عملی، تسلیم و سازش رهبران حزب توده، جنبش کمونیستی ایران سبب شکست استراتژیک جنبش چپ شد. سالهای پس از کودتای ننگین ۲۸ مرداد، جنبش کمونیستی ایران با افت کم سابقه ای روبرو شد. سالهای پس از فرم ارضی و سرکوب قیام ۱۵ خرداد، محافل و گروههای چپ به تدریج نطفه بست. ایران زمین چشم به راه آرشی بود تا تیر آزادی را از کمان رها کند و ققنوسی که از خاکستر خود دوباره حیات یابد. رستاخیز سیاهکل در ۱۹ بهمن ۱۳۴۹ پاسخ به این نیاز بود.

با رستاخیز و حماسه سیاهکل، دوران نوینی در جنبش کمونیستی ایران آغاز شد و شاه برای نابودی آن فرمان سرکوب صادر کرد.

خمینی در همان زمان در یک موضع ارتجاعی علیه حماسه سیاهکل موضع گرفت. این آیت الله مرتجع و تبهکار در پاسخ به نامه ۶ اردیبهشت ۱۳۵۰ مسئول اتحادیه انجمنهای اسلامی در اروپا، در تاریخ ۲۸ اردیبهشت ۱۳۵۰ نوشت: «باید حادثه سازیها و شایعه پردازیهایی را که در ممالک اسلامی برای تحکیم اساس حکومت استعماری است بررسی دقیق کنید، نظیر حوادث ترکیه و حادثه سیاهکل..» موضع حقیرانه و ارتجاعی خمینی آن گونه بود که وقتی این پیام در همان زمان در نشریه «اسلام مکتب مبارز»، ارگان اتحادیه انجمنهای اسلامی در اروپا به چاپ رسید، جمله «نظیر حوادث ترکیه و حادثه سیاهکل» حذف شد. (سید حمید روحانی (زیارتی)، نهضت امام خمینی، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ دوم پائیز ۱۳۷۴، جلد سوم، ص ۴۸۷-۴۸۶)

در سال ۱۳۵۷ و در آستانه انقلاب بهمن، جنبش کمونیستی ایران در قالب سازمان چریکهای فدایی خلق، یک بار دیگر به قدرتمندترین نیروی سیاسی در ایران و خاورمیانه تبدیل شد. با سرنگونی سلطنت و به قدرت رسیدن استبداد دینی و با

توجه به فضای سیاسی به طور نسبی باز، شرایط برای فعالیت گسترده در سراسر کشور مهیا شد. اما این بار نیز به علت تسلط اندیشه های سازشکارانه بر کمیته مرکزی سازمان فدایی، پیش از سرکوبهای گسترده پس از ۳۰ خرداد ۱۳۶۰، اُفت جنبش کمونیستی رقم خورد.

سرکوبهای سَبْعانه پس از قیام ۳۰ خرداد سال ۱۳۶۰، تشتت در نیروهای چپ مارکسیستی و قتل عام زندانیان سیاسی در تابستان سال ۱۳۶۷، ضربه سختی به چپ مارکسیستی وارد کرد، اما با این همه و با وجود فروپاشی «اردوگاه سوسیالیسم موجود» نیروی کمونستی نابود نشد.

سالهای دهه ۷۰ خورشیدی، دوران تدارک مجدد برای چپ بود. اتحاد سیاست اقتصاد آزاد، شروع سیاست تعدیل نیروی کار، تعمیق و انکشاف تضاد کار و سرمایه، تشدید تضاد در درون هرم قدرت و ثروت و شدت گیری سرکوب سیاسی، زمینه های عینی برای برآمد چپ در عرصه اجتماعی بود. در این زمان خامنه ای که بر تخت خلافت نشسته بود در همکاری تنگاتنگ با هاشمی رفسنجانی، به تاسیس نهادهای تحقیقاتی برای واژگونه نشان دادن تاریخ چپ اقدام کردند.

جنبش دانشجویی در ۱۸ تیر سال ۱۳۷۸ و قیامهای سال ۱۳۸۸ که با شعار «رای من کو» آغاز و در ۳۰ خرداد همان سال با شعارهای «مرگ بر دیکتاتور، مرگ بر اصل ولایت فقیه و مرگ بر خامنه ای» تکامل پیدا کرد، چپ مارکسیستی را به طور فعال وارد عرصه سیاست کرد و دانشگاهها کانون اصلی کُنش چپ شد. در این سالها دهها نشریه سیاسی اجتماعی اقتصادی با روایت چپ مارکسیستی در دانشگاهها منتشر می شد. از سال ۱۳۸۸ تا قیامهای توده ای در بیش از ۱۵۰ شهر ایران، چپ به تدریج و در شکلهای گوناگون خود را سامان داد و در این برآمد جدید زنان کمونیست نقش برجسته ای داشته و خواهند داشت. همین زنان دانشجوی و کمونیست بودند که شعار «اصلاح طلب، اصول گرا، دیگه تمومه ماجرا» را به میان جنبش توده ای بردند و آن را به ثبت رساندند. اکنون اگرچه چپ مارکسیستی در جنبش اجتماعی بسیار گوناگون و چند وجهی است، اما همزمان بسیار گسترده و سراسری است.

ولی فقیه نظام که بسیار بیشتر از همه از حقایق مربوط به فعالیت چپها باخبر است، علاوه بر سرکوب و ایجاد نهادهای تحقیقاتی علیه چپ، خود نیز وارد میدان شده و نسبت به فعالیت مارکسیستها هشدار می دهد.

روز شنبه ۲۰ تیر سال ۱۳۹۴، خامنه ای در دیدار ۴ ساعته با دانشجویان بسیجی گفت: «اگر برخی خبرها درباره فعال شدن دوباره جریان مارکسیستی در بعضی دانشگاهها، واقعیت داشته باشد، قطعاً پول آمریکایی حامی این جریان است تا دانشجویان متفرق و شقه شقه شوند.»

وی همچنین در عصر روز چهارشنبه ۸ خرداد سال جاری در دیدار با تعدادی از استادان بسیجی گفت: «امروز در برخی دانشگاهها جریان چپ مارکسیستی هم ابراز وجود می کند، آن هم درحالی که مظاهر اصلی این جریان یعنی شوروی سابق در زیر بار و فشار حقایق عالم فروریخته و از بین رفته است... البته این جریان، زیاد جدی نیست و از عمق حرفها و مواضعش معلوم است که همان چپ آمریکایی است یعنی ظاهری چپ دارد و باطنی غربی و آمریکایی.» این که ولی فقیه هر کنش اجتماعی علیه نظام را «آمریکایی» معرفی می کند را باید به حساب دغلکاری شیادانه او گذاشت، اما برای این که ثابت شود جنبش چپ کنونی جدی است و یا به قول خامنه ای غیر جدی، به صحبتهای یکی از استادان دانشگاه مراجعه باید کرد.

به گزارش روز پنجشنبه ۲۳ خرداد ۱۳۹۸، خبرآنلاین، ابراهیم فیاض استاد جامعه شناسی دانشگاه تهران پیرامون گسترش فعالیت جنبش کمونستی هشدار می دهد. با فرازهایی از گفتار او این یادداشت را پایان می دهیم:

«امروز در دانشگاه نه بسیج دانشجویی و نه تشکلهای اصلاح طلبی اثری ندارند، شعارهای انسان گرایانه و عدالت طلبانه در بسیج دانشجویی و تشکلهای اصلاح طلبی مطرح نیست بلکه مارکسیستها در این زمینه پرچمدار هستند...»

امروز در دانشگاه تهران تفکرات مارکسیستی بسیار پررنگ است و دانشجویان مرتبط با این تفکر بسیار پرمطالعه و پرفکر هستند.



آنها معتقدند باید جلوی سرمایه داری ایستاد، بارها مشاهده کرده ام که با وقوع هر نهضت سوسیالیستی در جهان خوشحال می شوند، البته باید بگویم که اینها همبستگی جهانی دارند و با سوسیالیستها در آمریکا، اروپا و آمریکای لاتین و چین همراه هستند....

مارکسیست امروز حتی ممکن است برای شما مذهبی هم حرف بزند و مارکسیست تند گذشته نیست. واقعیت آن است که حاکم شدن نظام سرمایه داری فضا را به سمتی پیش برده که دانشجویها به تفکرات مارکسیستی و روشنفکری گرایش پیدا کردند که انتهای آن هم احتمالاً به رادیکالیسم و بحران‌های اجتماعی کشیده می‌شود.

نمونه آن اقدام اخیر دانشجویان چپ مارکسیست بود که تجمع کردند و ضد حجاب شعار دادند، خب در این شرایط بچه های بسیج دانشجویی می خواهند از چه دفاع کنند؟

طرفداران تفکر کمونیستی نه در انجمن اسلامی اصلاح طلب هستند و نه مجموعه اصولگرایی مثل بسیج دانشجویی، تنها در قالب انجمن صنفی فعالیت می کنند و نسبت به موضوعات صنفی مانند نیشکر هفت تپه، حقوق و اخراج کارگران از منظر و نگاه عدالت طلبی واکنش نشان داده و اعتراض می کنند....

امروز تنها دانشجویان مارکسیست و چپ شعار عدالت طلبی سر می دهند.....»



عراق میانجی یا طرف دعوا؟

منصور امان

فراسوی خبر... دوشنبه ۶ خرداد

همزمان با تلاش حاکمان ج.ا برای تبدیل عراق به میدان جنگ نیابتی با آمریکا، وزیر خارجه مَلاها نیز به این کشور گسیل شده است تا بغداد را در کورس فعلی نگه دارد.

عراق گذشته از آنکه در کوشش رژیم مَلاها برای دور زدن تحریمهای اقتصادی آمریکا نقش مهمی بازی می کند، یکی از استدلالهایی است که حاکمان ایران در تهدید علیه آمریکا و متحدانش بدان استناد می کنند. در همین حال چنین می نماید که رژیم مَلاها در بحران اخیر، از دولت عراق برای تبادل پیام با آمریکا نیز استفاده می کند.

این مطلوب ترین نقشی است که ج.ا می تواند برای عراق تصور کند؛ بدینگونه که در حالی که با دخالت‌های مُستقیم و غیر مُستقیم سیاسی، نظامی و فرقه ای خود همچون موریانه سیستم دولتی این کشور را از درون پوک و فاسد کرده، همزمان آن را در نقش میانجی و بی طرف وارد بازی می کند. این امر می تواند فشار از روی دولت عراق را به سبب رابطه مُناقشه برانگیزش با حاکمان ج.ا کاهش دهد و به تداوم مُوازنه کنونی قُدرت و آرایش شکل گرفته سیاسی ناشی از آن کُمک کند. سود مُلاها از این سناریو، حفظ موقعیت دست باز در عراق با وجود تشدید تنش با آمریکا در این میدان نیابتی است.

عراق در طرح "عقبه استراتژیک" مُلاها جایگاهی مرکزی دارد. هزاران کیلومتر مرز خاکی و امکان مُداخله گری مُستقیم از طریق استخدام مُزدور، ارسال پول، اسلحه و استقرار نیرو و در نهایت همسایگی با سوریه، به این کشور جایگاهی استثنایی در اُفق سیاست مُداخله گری مُلاها، یعنی "هلال شیعی" بخشیده است.

از آنجا که به گونه مُشخص همین سیاست و آثار آن در کانون درگیری آمریکا با رژیِم مُلاها قرار دارد و سرچشمه بیشتر بُحرانهای منطقه ای شناخته می شود، بنابراین می توان مُناسبات سیاسی حاکم در عراق و دستگاه هایی که آنرا نمایندگی می کنند را بخشی از مُشکل و نه ابزاری برای حل آن به حساب آورد. اگر هنوز گفته های تهدید آمیز حاکمان ج.ا خطاب به آمریکا در باره "نُفوذ منطقه ای ما" و "آسیب پذیری آنها" برای خط تاکید کشیدن زیر این فاکت کافی نبود، شلیک موشک به منطقه سبز بغداد دُرُست بعد از هُشدارهای مُکرر آمریکا در این باره، به خوبی موقعیت عراق در کشاکش جاری را یادآور شد.

بردن یا آوردن پیغام از سوی آقای عادل عبدالمهدی، نُخست وزیر عراق، نمی تواند این حقیقت را کنار بزند که کشور او از چشم رژیِم ج.ا تریبون تهدید و باجگیری از آمریکا و - یک گام جلوتر - میدان جنگ نیابتی علیه آن به شمار می آید. بنابراین عُمر راهکار "میانجیگری" نیز که در حقیقت ادامه وضعیت موجود در عراق را هدف دارد، مشروط و گذرا خواهد بود، به این معنا که به میزانی که سطح تنش موجود بین رژیِم مُلاها و آمریکا و مُتحدانش شدت می باید، فشار بر عراق برای بی طرفی عملی و خُنثی کردن تهدیدات ج.ا علیه طرفهای دیگر هم افزایش خواهد یافت و آقای عبدالمهدی را ناچار خواهد کرد به این یا آن صورت، نقش دیگری برای خود بیاید.



نُسخه مزورانه خامنه ای برای فلسطینیها

زینت میرهاشمی

فراسوی خبر ... پنجشنبه ۱۶ خرداد

رژیِم ولایت فقیه طی ۴ دهه گذشته در پوشش دفاع از مردم فلسطین، به تقویت نیروهای تروریستی و جنگ طلب در منطقه یاری رسانده است. با به قدرت رسیدن دیکتاتوری مذهبی در ایران و با نقشه اتحاد جماهیر کشورهای اسلامی زیر ولایت خمینی، ایجاد و تقویت نیروهای تروریستی در دستور کار رژیِم قرار گرفت که یک نمونه آن پایه گذاری حزب الله لبنان است.

حزب الله لبنان، جهاد اسلامی و به میزانی حماس با پول و امکانات جمهوری اسلامی، نه تنها برای مردم فلسطین دستاوردی به ارمغان نیاوردند بلکه برای تقویت نیروهای جنگ طلب در دولت اسرائیل فرصت ایجاد کردند. این نیروهای تروریستی برای ادامه حیات شان احتیاج به جنگ و خشونت دارند همان گونه که رژیِم ولایت فقیه به «دشمن»، فضای جنگی، استکبار، کشتار و خون برای ادامه حیات احتیاج دارد. نمونه دیگر موضع گیریهای احمدی نژاد، نوچه خامنه ای، در رابطه با انکار هولوکاست و پاک کردن اسرائیل از نقشه جهان است که به نفع حکومت اسرائیل و به خصوص جنگ طلبان آن تمام شد. برآمد حرکت‌های رژیِم در رابطه با مردم فلسطین تقویت راست ترین قطب جهانی مدافع جناح افراطی حکومت اسرائیل شده است. حتا ستمی که بر مردم فلسطین روا می شود در پوشش یهودی ستیزی کمرنگ شده و گاه به فراموشی سپرده می شود.

در حالی که اقلیتهای دینی در ایران زیر حکومت بنیادگرای اسلامی مورد تبعیض شدید قرار دارند و از بسیاری امکانات در زمینه های کار، آموزش و حتا اجرای آداب مذهب خودشان محروم هستند، خامنه ای به مناسبت عید فطر، همه پرسى برای فلسطینیها را یک راه حل دانست. بخش مضحک حرف این مستبد اینست که می گوید همه پرسى اعم از «مسلمان و مسیحی و یهودی فلسطینی و تبعید شدگان از فلسطین و...» انجام شود. بهتر است که خامنه ای اول این روضه را برای ایران بخواند و به یک همه پرسى برای مردم ایران برای ادامه حکومتش همانگونه که به مردم فلسطین پیشنهاد داده، البته زیر نظر سازمان ملل تن دهد. در این صورت می توان باور کرد که پیشنهادش برای مردم فلسطین مزورانه نیست. خامنه ای و استبداد دینی حاکم که فقر و سرکوب را بر مردم ایران روا داشته است حق اظهار نظر برای مردم فلسطین و یا مردم کشورهای دیگر ندارد.

اعلامیه سازمان بهزیستی در رابطه با منع به کار گیری اقلیتهای دینی در مهد کودکها، یک نمونه از تبعیض دینی فاحش است. مدیر کل روابط عمومی این نهاد در برابر یک سری اعتراضهایی که به این تبعیض شد اعلام کرد که فقط در بخشهای آموزش عمومی و دینی این افراد نمی توانند کار کنند. او به طور صریح اعلام کرد که اقلیتهای دینی صلاحیت کار در دادن آموزشهای عمومی در مهد کودک را ندارند. این نمونه ای از استبداد دینی است که با تکیه بر قوانین ارتجاعی حاکم در ایران نهادینه شده است. قوانین ارتجاعی و مملو از تبعیضی که خامنه ای و ذوب شدگان ولایت او، وعده آن را به مردم محروم فلسطین می دهند.



جنگ پیشگیرانه علیه موج همه گیر اعتراضها

منصور امان

فراسوی خبر... دوشنبه ۲۰ خرداد

رژیم ولایت فقیه با کهنه سلاحی از کار افتاده به جنگ یک اعتلای اجتماعی نوین رفته است. با تشدید فشار بر جامعه به بهانه تحمیل آداب و نمادهای فرهنگ ارتجاعی خود، "نظام" در حقیقت به یک جنگ پیشگیرانه علیه موج همه گیر اعتراض و مقاومت قشرها و طبقات گوناگون و صف بندی تهاجمی آنها دست زده است.

به راستی شگفت آور نیست که یک بار دیگر رژیم ج.ا. برای تزریق اقتدار خود به "پایین"، به جنگ افزار سنتی اش یعنی تشدید سرکوب زنان متوسل شده باشد. امروز که دستگاه حاکم بین دو سنگ آسیاب عُصیان داخلی و فشار خارجی در حال فرسایش است، برای مهار جامعه و خاموش نگه داشتن اش، راه حل کم هزینه تر و گسترده تری از صف آرایی ایدئولوژیک و فرهنگی علیه آن در چنته ندارد. نگاهی به سریال تدبیرهای اختناق زای حاکمیت در هفته های اخیر، به خوبی هم کانال تامین اقتدار و هم سردرگمی مُبتکرانش را به تماشا گذاشته است.

در ابتدای ماه گذشته سرکرده نیروی انتظامی به تهدیدی جامعه با اعلام "تشدید طرحهای امنیت اخلاقی" پرداخت. کمی بعد تر دستگاه های سرکوبی به احضار گسترده زنان به بهانه "کشف حجاب در خودرو" دست زدند.

سپس در ماه بعد (ماه جاری)، واحد تروریسم خارجی سپاه پاسداران موسوم به "سپاه قدس" اطلاع داد که "دو هزار گروه مقاومت تذکر لسانی و عملی" در گیلان برای "برخورد عاقلانه با مساله حجاب" تشکیل داده است. هفته گذشته جامعه اما شاهد آویختن حاکمیت به راه دیگری شد؛ این بار عوامل حکومتی با اعلام یک شماره پیامک، از "شهروندان" می خواستند که "بدحجابی یا بی حجابی را با ذکر شماره پلاک خودرو" گزارش کنند.

اگرچه نیروی انتظامی روز شنبه انتساب این حرکت به خود را تکذیب کرد، اما روز بعد یک دایره تفتیش و سرکوبی دیگر، شماره دیگری را برای خبرچینی "شهروندان اخلاق مدار تهرانی" از "کشف حجاب"، "رقص مُختلط" و "پارتی شبانه" منتشر کرد تا تفلای گیج سرانه حاکمیت برای دهشت پراکنی در سطح جامعه را مُستند سازد.

"نظام" در تلاش جهت کوبیدن میخ سلطه خود بر قلب و مغز جامعه و مُنفعَل سازی آن، از این ریسمان پوسیده به آن رشته گسسته آویزان می شود و هر بار با شدت بیشتری به عمق بحران پرتاب می شود. مُشکل حاکمیت اینجاست که

روحیه و روانشناسی جامعه تغییر کرده و تحمیل اقتدار آن بر خویشتن را برنمی‌تابد. "نظام" فاسد و ورشکسته هیچ استدلال ایدیولوژیک، اقتصادی و سیاسی که اطاعت و فرمانبرداری از خود را توجیه کند برای ارایه در دست ندارد. زنان، جوانان، کارورزان و حتی قشر میانی آمیدی به بهبود شرایط خود زیر چتر ج.ا. ندارند و مُدتهاست که باور خود به وعده‌های آن را از دست داده‌اند.

واکنش سخت جامعه به موج جدید سرکوب، تبلور مادی این نگاه و دور باطل راهکارهای پیامکی و احضاری، بازتاب تاثیر آن بر حاکمیت است. اعتراض دانشجویان دانشگاه تهران به حجاب اجباری و راه اندازی گشت ارشاد در دانشگاه فقط یک نمونه از بی‌شمار اعتراضها و مقاومت فعالی است که بر صحنه خیابانها، مترو، مدارس، مراکز عمومی و جز آنها به گونه روزانه جریان دارد.

جامعه بازی تاج و تخت حاکمیت را هر جا که پا به میدان گذاشته باشد، برهم می‌زند



خامنه‌ای بر سر دو راهی محو شدن

زینت میرهاشمی

فراسوی خبر.. شنبه ۲۵ خرداد

رویداد روز پنجشنبه ۲۳ خرداد، حمله به دو نفتکش غول پیکر در دریای عمان و به دنبال آن ابراز نگرانی دبیر کل سازمان ملل متحد و تاکید بر روشن شدن حقایق همراه با تقاضای ایالات متحده آمریکا برای برگزاری جلسه شورای امنیت، بار دیگر عملکردها و سیاستهای مخرب رژیم ولایت فقیه در منطقه را در مقابل دید همگان قرارداد.

از دخالت پر رنگ و آشکار در جنگهای نیابتی، زدن موشک به فرودگاه عربستان از طرف حوثیها، حمله به نفتکشهای امارات در هفته پیش، حمله به قرارگاه آمریکاییها در عراق، تا رویداد مهم روز پنجشنبه، پیاده شدن آرزوها و رویاهای استبداد دینی حاکم بر ایران است.

حاصل چهل سال نعره های مرگ بر این و مرگ بر آن همراه با آتش زدن پرچمهای آمریکا و اسرائیل، ترویج خشونت و سرکوب مردم در داخل به بهانه نفوذ دشمن، تحمیل چهل سال شرایط جنگی و عدم آرامش به مردم ایران است. برای واکاوی رویدادهای اخیر اگر چه تحقیقهای بین المللی و کارشناسانه می‌خواهد اما این خود رژیم ولایت فقیه است که قبل از هر کس انگشت اتهام را به سوی خود جلب می‌کند.

شعارهای بستن تنگه هرمز در صورت تحریم نفت، حرف روحانی که گفت فقط مگر یک تنگه برای بستن است تنگه های زیادی است، تهدید سرکردگان سپاه مبنی بر ناامنی در منطقه و صدها تهدید دیگر، گسیل نیروهای تروریستی سپاه پاسداران در مناطق مرزی سوریه و عراق و... همه اینها شرایط امروز را رقم می‌زند.

سفرهای بی نتیجه واسطه‌ها برای کم کردن تنش و بحران و کشاندن رژیم پای میز مذاکره، بن بست موجود را وارد فاز جدیدتری خواهد کرد. بن بست که نه قسم و آیه خامنه‌ای و فتوای شرعی او مبنی بر «حرام دانستن سلاح اتمی» و نه تکذیب شرکت در رویدادهای اخیر راه‌گشایی نخواهد داشت.

خامنه‌ای که فکر می‌کند جنگی در کار نخواهد بود و بارها هم بر آن تاکید کرده، با گرم کردن آتش جنگ نیابتی، برای بر هم زدن تعادل فشار و کسب فرصت، بر «عدم مذاکره» تاکید می‌کند و دقیقاً اعتقاد دارد که مذاکره مرگ رژیم خواهد بود. علم الهدی در نماز جمعه مشهد مذاکره را برابر با از بین رفتن حرم امام رضا دانست و خامنه‌ای سیاست امریکایی تغییر رفتار را همان تغییر رژیم ارزیابی می‌کند که به قول او آمریکا قصد آن را دارد. بر این منظر خروجی مذاکره همه فرصتهای چهل ساله را از رژیم گرفته و بنابراین خامنه‌ای را واقعاً بر سر دو راهی مذاکره یا جنگ قرار داده است. در این میان عامل تعیین کننده مردم ایران هستند که نقش بی بدیل برای تغییر رژیم و تحقق صلح در منطقه دارند.

شمارش معکوس برای پیامدهای حملات تروریستی اخیر

منصور امان

فراسوی خبر... دوشنبه ۲۷ خرداد

با دُومین حمله به نفتکشها، ویژگی انفجاری بحران سیاست خارجی رژیم ج.ا. کمی بیشتر از پیش تقویت شده است. رویدادهای چند هفته اخیر به روشنی گنجایش خطرناک این سیاست را در برابر چشم همگان به تصویر کشیده و به نگرانی پیرامون ادامه مسیری که در حال پیمودن است، سرچشمه واقعی تری بخشیده است. در رفتار حاکمان کشور هیچ نشانه ای از عقلانیت به چشم نمی خورد؛ آنها در پس توهمات و محاسبات غلط خود سنگر گرفته اند و از این روزنه کور به سوی جهان پیرامون خود شلیک می کنند. بیش از یک سوم نفت مصرفی جهان از خلیجهای فارس و عمان عبور می کند و قطع آن برای کشورهای صنعتی و همچنین صادرکنندگان فاجعه بار خواهد بود و از همین زاویه نیز تهدیدی علیه امنیت ملی و منافع استراتژیک آنها به حساب آورده خواهد شد. ناگفته پیداست که برای تضمین ادامه تبادل انرژی و سرمایه، طرفهای دارای منافع از توسل به زور نیز پروایی نخواهند داشت. استفاده از این ابزار به ویژه علیه رژیمی که حوزه های مورد اختلاف دیگری نیز با آن وجود دارد و به موازات بحران اخیر، کانونهای فعال تنش دیگری را سرپرستی و اداره می کند، به مراتب با موانع سیاسی و بین المللی کوتاه تری روبرو خواهد بود.

در حجم ماده انفجاری حملات به نفتکشها، فرار به جلو بلاهت بار رهبران و پایوران ج.ا. تغییری نمی دهد. تئوری توطئه آنها و بالا انداختن ابرو به نشانه پرسش، بیشتر شبیه قایم باشک بازی در میدانی است که چشم هیچ حریفی بسته نیست. این ژست نه می تواند سیاست اعلام شده و رسمی ج.ا. در باره "بستن تنگه هرمز و تنگه های دیگر" را بیوشاند و نه توانایی دور کردن خسارات سنگین و ویرانگرانه پیامدهای تحریکات نظامی را از کشور و مردم ایران دارد. آتش افروزیهای ارتكابی رژیم ولایت فقیه در ماه گذشته و این ماه، از شدت و دامنه کافی برای تاثیرگذاری بر قواعدی که تا این نقطه بر بازی حکمفرما بوده اند، برخوردار است. این امر اما نه در جهت مطلوب رژیم مَلاها، بلکه برعکس آن صورت خواهد گرفت؛ بدین گونه که سیاست "فشار حداکثری" آمریکا که ویژگی چیره آن را کاربرد قدرت اقتصادی تشکیل می دهد، عنصر قدرت نظامی را نیز به مثابه مکمل به خود پیوست خواهد کرد. از هنگامی که پرسش پیرامون عامل حمله های تروریستی اخیر به سطح آمده است، شمارش معکوس برای ظهور پیامدهایش نیز آغاز گردیده.



تاکید بر واقعی بودن تهدیدهای رژیم

زینت میرهاشمی

فراسوی خبر... پنجشنبه ۳۰ خرداد

حرفهای سرکرده ستاد کل نیروهای مسلح رژیم در روز چهارشنبه ۲۹ خرداد، باور کشورهای اروپایی به نقش سپاه پاسداران در انفجار دو نفتکش در دریای عمان را قوی تر خواهد کرد. بعد از نزدیک شدن موضع بریتانیا به ادعای آمریکا، انگلا مرکل هم بر وجود «شواهد بسیار» در نقش رژیم در حمله به نفتکشها تاکید کرد. نشست وزیر خارجه فرانسه و آلمان، در روز چهارشنبه ۲۹ خرداد، جهت پیدایی راهکارهایی برای کاهش تنش در منطقه و نقض تعهدات برجام از طرف رژیم، گامی در جهت فشار بیشتر به رژیم و ایزوله تر کردن آن است. در حالی که پرونده حمله به نفتکشها همچنان روی میز است و باور کشورها همانطور که در بالا اشاره شد به ادعاهای آمریکا نزدیک تر می شود، موشک پرانیهای چند روزه اخیر در عراق به ویژه حمله با موشک کاتیوشا به دفاتر نفتی در بصره عراق، پرونده رژیم را سنگین تر از پیش خواهد کرد.

خرابکاریهای اخیر که رژیم ولایت فقیه را بر صندلی متهم می نشاند، ادامه تهدیدهای ۴۰ ساله رژیم علیه «دشمن» و «شیطان» بزرگ است. تهدیدهایی که در قالب جنگهای نیابتی، دفاع از حرم، جنگ با داعش و... به تقویت تروریسم سپاه پاسداران برای ایجاد تنش و آشوب جهت حفظ امنیت رژیم ولایت فقیه انجامیده است. بر صحت این خرابکاریها، کارگزار رژیم مهر تایید زد.

سرکرده ستاد کل نیروهای مسلح رژیم در حالی که حمله به نفتکشها را اقداماتی مضحک و بی ارزش توصیف کرد مدعی شد که اگر کار رژیم بود آنها با «شجاعت» اعلام می کردند. این حرف بسیار مسخره است مگر تا کنون رژیم ترورها و خرابکاریهایی که در خارج از مرزهای ایران انجام داده است را به عهده گرفته است که این یکی را به عهده بگیرد. این کارگزار رژیم به طور غیر مستقیم به نقش رژیم در نفتکشها اعتراف می کند. وی علت متهم کردن رژیم پیرامون حمله به نفتکشها را این دانسته که می خواهند بگویند که «ایران در حال عملی کردن تهدیدهای خود است». پس باید گفت چه دلیلی وجود دارد که عملی شدن این تهدیدها را باور نکنند. تهدید به بستن تنگه هرمز آنچنان که هیچ شناور یا نفت کشی نتواند از آن عبور کند، آیا نمی تواند تهدید با «ارزش» تر و جدی تری از طرف این کارگزار نظامی باشد؟ این که رژیم غیر مستقیم و برای نشان دادن قدرت خود می خواهد بگوید ما هستیم و هم می خواهد بگوید نیستیم، یک بازی شناخته شده است که بازنده اصلی اش، رژیم ایران است.

سرکوب، آزار، پرونده سازی، دستگیری، شکنجه و محاکمه فعالان کارگری در ایران را به شدت محکوم می کنیم.

جنبش رنگین کمان بیشماران (خرداد ۹۸)

گردآوری و تنظیم: پویا رضوانی



جنبش نیروهای کار در ماه خرداد همچنان و به طور روزمره جریان داشت.

یکی از مهمترین حرکت‌های اعتراضی در این ماه، تجمع بازنشستگان کشوری در روز سه شنبه ۲۸ خرداد، مقابل مجلس رژیم بود. معترضان مطالبات خود را اجرای دقیق قانون مدیریت خدمات کشوری، اجرای همترازی و همسان سازی، بالا رفتن مستمریها و ارتقای خدمات درمانی و بیمه ای، عنوان کردند. برخی از شعارهای این تجمع بر اساس تصویرها و ویدئوهای منتشر شده در شبکه های اجتماعی چنین بود: جنگ افزوری رها کن فکری به حال ما کن / دولت خیانت می کند مجلس حمایت می کند / ما همه همبسته ایم از وعده ها خسته ایم / نمایندگان مجلس خجالت خجالت /

دانشجو، معلم کارگر اتحاد اتحاد/ فریاد فریاد از این همه بیداد/ گرانی تورم بلای جان مردم / معلم زندانی آزاد باید گردد/ بازنشسته می میرد ذلت نمی پذیرد/ دشمن ما همین جاست دروغ میگن آمریکاست

مساله تخریب محیط زیست یکی از مهمترین چالشها در شرایط کنونی ایران است. رژیم حاکم و به طور مشخص سپاه پاسداران و وابستگان به آن نقش اصلی در تخریب محیط زیست دارند. طی چند سال گذشته همین موضوع موجت حرکت‌های اعتراضی زیادی شده است. در این حرکت‌های اعتراضی توده های مردم و به ویژه کشاورزان و زنان و مردان جوان نقش پررنگی دارند.

روز پنجشنبه ۲ خرداد، جوانان جوشقان قالی در ۶۰ کیلومتری کاشان و ۹۰ کیلومتری اصفهان در اعتراض به تخریب محیط زیست، برداشت بی رویه و حاکمیت مطلق یک شرکت بر کوههای منطقه جوشقان قالی زنجیره انسانی تشکیل دادند.

روز دوشنبه ۲۰ خرداد، مردم گلشهر گلپایگان در اعتراض به زمین خواری حکومت برای ایجاد پالایشگاه «جی تی ال» اقدام به تجمع اعتراضی کردند.



روز پنجشنبه ۳۰ خرداد، حامیان محیط زیست در اصفهان با تجمع مقابل استانداری به وضعیت زاینده رود و گاوخونی اعتراض کردند. فساد نهادینه شده و سیاستهای محرب حکومت موجب آن شد که رژیم از بارندگیهای بهار امسال استفاده بهینه نکند و مشکل بی آبی همچنان ادامه پیدا کرد. مساله بی آبی زاینده رود در تابستان امسال یکی از مواردی است که کشاورزان و

فعالان محیط زیست نسبت به آن به شدت معترض هستند.

یکی از نشانه های آگاهی مردم به سیاستهای محرب رژیم، مخالفت به سد سازیها، تخریب جنگلها و کوهها و تغییر مسیر طبیعی رودخانه است. برای مقال در روز چهارشنبه ۲۲ خرداد، اهالی روستای حسین آباد کالپوش در اعتراض به احداث سد کالپوش، مقابل مجلس رژیم تجمع کردند. تجمع کنندگان احداث این سد را غیر کارشناسی خواندند.

اخراج از کار، پرداخت نکردن چند ماه دستمزد کارگران، خصولتی سازی، وجود شرکت‌های پیمانکاری و عدم تناسب دستمزد با هزینه های زندگی همچنان از مهمترین مسایل نیروهای کار است. برخی از حرکت‌های اعتراضی نیروهای کار شامل ۱۳۷ روز حرکت اعتراضی به قرار زیر است.

*روز چهارشنبه اول خرداد، کارگران فصلی نی بر مجتمع کشت و صنعت هفت تپه با تجمه در محوطه شرکت به پرداخت نشدن حقوق کامل فروردین ماه خود اعتراض کردند. به گزارش ایلنا، یکی از کارگران حاضر در این باره گفت: حدودا دو هزار کارگر فصلی در مجتمع هفت تپه مشغول کارند و کارفرما به این دلیل که میزان کارکرد هر یک از کارگران فصلی در فروردین ماه به حداقل رسیده، از پرداخت کامل حقوق خوداری کرده است.

*روز چهارشنبه اول خرداد، کارگران «قرق بان» جنگلهای مازندران به نامشخص بودن وضعیت شغلی و تعویق مطالبات خود مقابل استانداری تجمع کردند. به گزارش ایننا، کارگرانی که از سال ۹۶ با اجرای طرح تنفس جنگل مسئولیت قرق بانی و حفاظت از جنگلهای شمال را برعهده دارند به این موضوع معترض هستند که بعد از گذشت سه سال سازمان جنگلداری قصد دارد مسئولیت حفاظت از جنگلها را با مزایده به بخش خصوصی واگذار کند.

شرکت‌های آذر رود، کار سنگرود، انارستان، لابیگ، ولویی، کولا، القدير، خلیل مله، صنایع چوب فریم، صنایع چوب کاغذ مازندران، نکاچوب و اشبا تراورس شرکتهایی هستند که در ارتباط با طرح تنفس جنگل دچار مشکل شده اند.

*روز پنجشنبه ۲ خرداد ماه، کارگران کارخانه آرد غنچه واقع در کیلومتر ۱۰ جاده اهواز- اندیمشک برای دومین روز متوالی در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهای معوقه خود مقابل بانک توسعه تعاون اهواز تجمع کردند. به گزارش پیام، به گفته کارگران، تسهیلاتی که از سوی استانداری بابت خسارات وارده سیل برای این کارخانه در نظر گرفته شده است توسط بانک توسعه ضبط شده و این بانک حاضر نیست این تسهیلات را در اختیار کارخانه قرار دهد. کارفرما نیز به همین بهانه از پرداخت چندین ماه دستمزد معوقه کارگران خودداری می کند.

*روز پنجشنبه ۲ خرداد، اهالی شاهرود در اعتراض به ادامه کار معدن بوکسیت تاش و برای حمایت از قله آب ساز و حیات بخش شاهوار، مقابل اداره منابع طبیعی شاهرود و در قله شاهوار تجمع کردند. این تجمعها با تشکیل زنجیره انسانی بر قله شاهوار و قرائت قطعنامه پایان رسید. به گزارش مهر، معترضان گفتند؛ شاهوار در برابر تمام لایبهای قدرت و ثروت در پایتخت تنها نیست.

امروز هر گروه کوهنوردی که در گلستان، مازندران، خراسان شمالی و حتی البرز به کوه می رود با برهه‌های نجات شاهوار، حمایت خود را از این قله حیات بخش اعلام می‌دارد و این نشان می دهد که دیگر فضا فضای شهر شاهرود و مردم آن نیست این موضوع نشان می دهد که شاهوار متعلق به مردم ایران و جهان است.

*بامداد روز شنبه ۴ خرداد، کارگران عملیات و سیالات شرکت ملی حفاری ایران در اعتراض به اخراج از کار دست به تجمع مقابل درب ورودی اصلی شرکت زدند. اجتماع کارگران معترض موجب بسته شدن درب ورودی شرکت شد. به گزارش نفت ما، کارگران معترض بنری خطاب به عبدالله موسوی مدیر عامل شرکت ملی حفاری ایران با مضمون زیر در دست داشتند: «لطفا در تصمیم خود در مورد تعلیق و اخراج نیروهای عملیات و سیالات تجدید نظر فرمایید، ما همه مستاجر و فاقد درآمد هستیم»

*روز شنبه ۴ خرداد، کارگران اخراجی منطقه ویژه پارس جنوبی با برپایی تجمع مقابل ورودی سازمان منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس خواستار بازگشت به کار خود شدند.

به گزارش پیام، تجمع کنندگان با در دست داشتن نبرههایی با مضامین اعتراضی نسبت به اخراج خود و همچنین عدم پرداخت ۹ ماه دستمزد معوقه اعتراض کردند. به گفته آنها، مناطق آزاد اقتصادی مشمول قانون کار نیستند و مقررات ویژه خود را دارند. در این مناطق دست کارفرمایان در اخراج کارگران باز است. حق تشکل وجود ندارد و حقوقها گاه زیر حداقل دستمزد است. تعویق در پرداخت مزدها به صورت یک قانون نانوشته درآمده و هر اعتراضی نیز با تهدید و اخراج پاسخ می گیرد.

*روز شنبه ۴ خرداد، کارگران شهرداری منطقه ۶ اهواز در اعتراض به کاهش حقوق توسط پیمانکار دست از کار کشیدند و در خیابان سه راه خرمشهر اهواز تجمع کردند.

به گزارش هیرانا یکی از کارگران حاضر در تجمع گفت: پایه حقوق در سال ۹۸ مبلغ ۱۸ میلیون ریال تعیین شده که حقوق کارگران شهرداری با هزینه های خوار و بار، رفت و آمد، اضافه کاری و سایر موارد بین ۲۸ تا ۳۰ میلیون ریال خواهد بود این درحالیست که پیمانکار اعلام کرده مبلغی بیش از ۲۲ میلیون و ۵۰۰ هزار ریال پرداخت نمی کند.

*روز یکشنبه ۵ خرداد، کارگران خدماتی خط یک قطار شهری تهران، در اعتراض به پرداخت نشدن مطالبات مزدی خود، اقدام به برگزاری تجمع اعتراضی کردند.

به گزارش ایلنا، کارگران معترض ابتدا مقابل ایستگاه باغ شهر (پالایشگاه) و بعد در محدوده ایستگاه شهر ری تجمع کردند. معترضان که از سال ۹۱ به مدت ۷ سال (تا ۱۶ خرداد سال جاری) در استخدام شرکت پیمانکاری «پیمان مرو» مشغول به کار بوده اند، گفتند که پیمانکار قصد دارد بدون آنکه مطالبات مزدی حدود ۲۵۰ کارگر را پرداخت کند از بخش خدماتی پایانه فتح آباد خط یک مترو تهران خارج شود.

*روز یکشنبه ۵ خرداد، نیروهای سپاه به همراه نیروهای انتظامی با ۶۰ ماشین به روستای شمیره واقع در جاده اصلی بین اهواز و خرمشهر هجوم آورده و بعد از محاصره و بازرسی بعضی منازل، ۵ نفر از جوانان این روستا را بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل کردند. به گزارش منتشر شده در شبکه های اجتماعی، شاهدان عینی گفتند: صدها نفر از نیروهای امنیتی، لباس شخصی‌ها، افراد سپاه به همراه نیروهای انتظامی با ۶۰ ماشین روستا را محاصره کرده و باعث ایجاد ترس و وحشت بین اهالی روستا از جمله زنان و کودکان شدند و منازل روستا را یکی پس از دیگری بازرسی کرده و ۵ جوان از این روستا را بازداشت کردند.

*روز شنبه ۴ خرداد، کارگران نیروگاه سیکل ترکیبی آبادان در اعتراض به پرداخت نشدن مطالبات مزدی شان دست از کار کشیده و اعتصاب کردند. به گزارش برنا، نیروگاه سیکل ترکیبی آبادان، یکی از نیروگاههای کشور با ظرفیت تولید ۸۱۵ مگاوات است که شامل ۴ واحد گازی ۱۲۳,۴ مگاواتی مدل FREM 9000 251-2 ساخت توگا و ۲ واحد بخار ۱۶۰ مگاواتی در زمینی به مساحت ۱۰۰ هکتار است. سوخت اصلی نیروگاه آبادان گاز طبیعی و سوخت جایگزین آن نفت گاز (گازوئیل) است.

بامداد روز یکشنبه برای دومین روز پیاپی پرسنل نیروگاه سیکل ترکیبی آبادان مقابل این شرکت تجمع کردند.

*روز دوشنبه ۶ اردیبهشت، اهالی شهر لیسار از توابع شهرستان طوالش در استان گیلان برای اعتراض به دفن زباله ها در مرکز شهر و نشر بوی بد، دست به تجمع مقابل بخشداری زدند. به گزارش تالش فردا، تجمع کنندگان گفتند: بوی تعفن زباله ها داخل شهر پیچیده و باعث مشکلاتی شده است. آنان افزودند: با توجه به محل دفن زباله ها که در مجاورت رودخانه و همسایگی پارک شهر و مدرسه ابتدایی ادیب قرار دارد، می تواند برای کودکان و محیط زیست خطرات جبران ناپذیری به همراه داشته باشد.

*روز چهارشنبه ۸ خرداد، کارگران حفاظت جنگل در اعتراض به معوقات مزدی ۶ ماهه خود مقابل ساختمان فرمانداری کلاردشت تجمع کردند. به گزارش ایرنا، کارگران معترض به اجرای طرح تنفس جنگل، نیز معترض هستند زیرا با اجرای طرح تنفس جنگل در آستانه بیکاری قرار خواهند گرفت.

*روز چهارشنبه ۸ خرداد، کارکنان خشمگین بخش انتظامات متروی تهران برای اعتراض به تبدیل وضعیت شان وارد ساختمان مرکزی شرکت بهره برداری راه آهن شهری تهران و حومه (مترو) واقع در خیابان کالج پایتخت شدند. به گزارش تسنیم، یکی کارگران حاضر در این تجمع گفت: به دنبال انتقال وظایف شهربان به یگان حفاظت شهرداری تهران، قرار

است ما نیروهای انتظامات شرکت بهره برداری که اینک زیر نظر حراست شرکت مترو فعالیت داریم هم زیرمجموعه یگان حفاظت قرار گیریم و پرسنل به این موضوع اعتراض دارند. وی افزود: اگر ما زیرمجموعه یگان حفاظت قرار گیریم، مدیران یگان، این اختیار را دارند که ما را در هر بخشی از زیرمجموعه شهرداری مشغول به کار کنند و ما این را نمی خواهیم.

*روز چهارشنبه ۸ خرداد، اعتصاب کارگران شهرداری مناطق ۵، ۶ و ۸ اهواز برای اعتراض به عدم پرداخت به موقع حقوق و کاهش آن به زیر حداقل حقوق رسمی، ادامه یافت. به گزارش ایرنا، در روزهای قبل کارگران خدمات شهری منطقه ۶ شهرداری اهواز نسبت به تبعیض در پرداخت حقوق توسط پیمانکار دست از کار کشیده و از نظافت خیابانها خودداری کردند. پیش از این نیز کارگران شهرداری منطقه هشت نیز با تجمع مقابل ساختمان استانداری خوزستان از وضعیت پرداخت حقوق توسط پیمانکار اعتراض کردند.

*روز شنبه ۱۱ خرداد، کارگران سازمان عمران زاینده رود وابسته به شهرداری اصفهان در اعتراض به بلا تکلیفی شغلی و معیشتی دست از کار کشیدند و مقابل ورودی دهکده گردشگری این سازمان واقع در ۱۲۰ کیلومتری شمال غرب اصفهان تجمع کردند. به گزارش فارس، مدیر عامل سازمان عمران زاینده رود ضمن تایید تجمع کارگران سازمان عمران زاینده رود، افزود: اما این تجمع منجر به بسته شدن ورودی دهکده نشد.

*روز یکشنبه ۱۲ خرداد، کارخانه کاغذسازی پارس در اعتراض به بازداشت نماینده کارگران دست از کار کشیدند و با خاموش کردن تمامی خطوط تولید کارخانه، مقابل دفتر مدیریت تجمع کردند. به گزارش ایلنا، این کارگران به اجرای من درآوردی طرح طبقه بندی مشاغل از طرف کارفرما و عدم پرداخت به موقع حقوق، منجمله پرداخت مساعده ۵۰۰ هزار تومانی به جای حقوق کامل اردیبهشت ماه معترضند.

*روز یکشنبه ۱۲ خرداد، کارگران پروژه البرز مال کرج در اعتراض به بلا تکلیفی شغلی و معیشتی مقابل ساختمان مرکزی بانک سامان واقع در خیابان ولی عصر در تهران تجمع کردند. به گزارش تیترا شهر، پروژه البرز مال که در زیربنای ۲۳۳ هزار متر مربع در شهر کرج در حال ساخت بوده، حدود ۴ ماه است که توسط بانک سامان پلمپ و متوقف شده است. یکی از معترضان گفت: پروژه البرز مال اولین پروژه بزرگ تجاری در استان البرز حصارک است که بانک سامان نیز از سهامداران بزرگ این پروژه بوده و به دلیل بدهی بالای پروژه به بانک سامان در تاریخ دوم اسفند ۹۷ این پروژه به صورت کامل در اختیار بانک سامان قرار گرفت و لازم به ذکر است کارکنان این پروژه به مدت یک سال و نیم حقوقهای خود را دریافت نکرده اند.

*روز یکشنبه ۱۲ خرداد، کارگران نیروگاه سیکل ترکیبی آبادان در اعتراض به تاخیر در پرداخت مطالبات مزدی شان مقابل دفتر مدیریت تجمع کردند. به گزارش ایلنا، اعتراض کارگران سیکل ترکیبی به این موضوع است که پیمانکاری که اکنون عهده دار راه اندازی و بهره برداری از نیروگاه سیکل ترکیبی آبادان است، حقوق و مزایای کارگران خود را با تاخیر پرداخت می کند. بخش دیگری از اعتراض کارگران مربوط به تبدیل وضعیت قرارداد کارگران قراردادی است که با وجود شرایط لازم برای تبدیل وضعیت، اما این مهم از سوی مسئولان نیروگاه پیگیری نمی شود

*روز دوشنبه ۱۳ خرداد، کارگران کارخانه سیمان کرمان برای اعتراض به خطر افتادن امنیت شغلی خود با عبور خط لوله گاز و ممنوعیت انفجار در معدن سیمان در محوطه کارخانه تجمع کردند. به گزارش ایلنا، با عبور خط لوله گاز از زمینهای معدن سنگ آهک کارخانه سیمان کرمان باعث ممنوعیت انفجار و استخراج سنگ آهک به عنوان ماده اولیه تولید سیمان

شده و در نتیجه این اتفاق از سوی اداره گاز امنیت شغلی آنها با متوقف شدن بخشهایی از خطوط تولیدی این کارخانه به خطر می افتد.

*به گزارش کانال تلگرام نه به زندان نه به اعدام، روز چهارشنبه ۱۵ خرداد، همزمان با عید فطر، جمعی از جوانان در کوی علوی (شیلنگ آباد) اهواز با سر دادن شعار عیدت مبارک ای برادر دربند، به دستگیری و زندانی کردن جوانان در این شهر اعتراض کردند.

*روز شنبه ۱۸ خرداد، جمعی از خانواده ها و دوستان کیوان صمیمی، ندا ناجی، مرضیه امیری و عاطفه رنگریزدست با تجمع مقابل زندان اوین، خواهان آزادی آنها شدند. به گزارش امتداد، روز چهارشنبه ۱۱ اردیبهشت، همزمان با روز جهانی کارگر، دهها تن از شرکت کنندگان در تجمع اعتراضی در مقابل ساختمان مجلس در پی ورود نیروهای امنیتی و به خشونت کشیده شدن این تجمع بازداشت شدند.

*روز پنج شنبه ۱۶ خرداد، کارگران شرکت مدیریت طرحهای صنعتی ایران (IPMI) زیرمجموعه سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران (IDRO) در فاز ۱۴ عسلویه برای اعتراض به عدم پرداخت ۳ ماه حقوق و عیدی سال جدید، دست از کار کشیدند. به گزارش سایت سندیکای فلزکار و مکانیک، یکی از کارگران در هنگام اعتصاب به رییس کارگاه گفت: خانواده هایمان در حال از هم پاشیده گی است، این چه مسلمانی است که کار کنیم ولی پولمان را ندهید.

*روز شنبه ۱۸ اردیبهشت، کارگران کارخانه در دست ساخت پتروشیمی لردگان واقع در بخش فلارد شهرستان لردگان - استان چهارمحال و بختیاری - برای اعتراض به از دست دادن کارشان و برای اشتغال مقابل فرمانداری تجمع کردند. به گزارش ایرنا، فرماندار شهرستان با تایید تجمع کارگران این پروژه گفت: بیشتر آنان کارگران ساختمانی و نیروهای هستند که برای عملیات احداث پتروشیمی به کار گرفته شده بودند و اکنون خواستار جذب در پتروشیمی و جلوگیری از تعدیل نیرو هستند. وی اظهار داشت: از مجموع ۲ هزار و ۱۶۰ نیرویی که از مراحل اولیه ساخت این واحد فعال بودند تاکنون ۱۶۰۰ نفر تعدیل شدند.

*روز شنبه ۱۸ خرداد، همزمان با بازدید معاون رئیس جمهور از معدن طلای ساریگونی قروه، اهالی روستاهای بهارلو و داشکسن در اعتراض به عدم پاسخگویی به خواسته های شان و وعده های توخالی مسئولان با تجمع اعتراض شان را به نمایش گذاشتند. به گزارش سراب خبر، اهالی این روستاها بارها برای تحقق خواسته های شان مبنی بر کمک به مردم روستا از محل عام المنفعه ۴ درصدی تعیین شده، رفع آلودگی منطقه و تعیین وضعیت ساکنان روستا، تأمین آب آشامیدنی سالم، هزینه کرد ۱۵ درصد مطروحه در قانون برای پروژه های عمرانی، رفاهی و بهداشتی، استفاده کامل از نیروی بومی روستا و جذب نیرو توسط شورا، واگذاری پیمانکاری سبک به بومیان و کمک درصدی از درآمد پیمانکاران غیربومی، پایش سلامت محیط آب و مردم و اعلام نتایج به روستا به صورت ادواری، دست به تجمع و اعتراض زده اند و چیزی جز وعده های تخیلی مسئولان طراز اول شهرستان، استان و کشور عایدشان نشده است.

*روز یکشنبه ۱۹ خرداد، تاکسی داران بی سیم رشت در اعتراض به قطع شدن سامانه بی سیم مقابل سازمان تاکسیرانی واقع در خیابان چمران تجمع کردند. به گزارش صدا و سیما، رئیس سازمان مدیریت حمل و نقل بار و مسافر شهرداری رشت پس از نشست با تاکسی داران گفت: مساله قطع سامانه تاکسیهای بی سیم امروز برطرف و ارتباط تاکسی داران با شهروندان برای خدمات رسانی برقرار شد.

*روز یکشنبه ۱۹ خرداد، اهالی روستاهای مورنان، بهاران و جلمرزاز توابع بخش مرکزی اصفهان در اعتراض به بوی نامطبوع یک واحد دامداری و مشکلات بهداشتی ناشی از آن مقابل فرمانداری اصفهان تجمع کردند. به گزارش ایرنا، تجمع کنندگان گفتند: بوی بد و حشرات ناشی از این واحد گاروداری مشکلات بهداشتی برای اهالی منطقه ایجاد کرده است که ادامه این روند با توجه به آمدن فصل تابستان خیلی سخت تر خواهد شد.

*روز یکشنبه ۱۹ خرداد، کارگران سد چمشیر بار دیگر با تجمع مقابل فرمانداری گچساران نسبت به عدم پرداخت یک سال حقوق و وعده های توخالی اعتراض کردند. به گزارش کینا نیوز، کارگران سدچمشیر حدود ۱۲ ماه حقوق معوقه خود را از دو شرکت سایبر و ژئوپولتیک طلبکار هستند. یکی از کارگران حاضر در این تجمع گفت: شرایط زندگی به ما فشار آورده و دستمان خالی است، نمی دانیم به کجا باید شکایت کنیم، چطور حقوق یک مدیر همیشه به موقع پرداخت می شود ولی هیچ کس به فکر کارگران نیست، ما شرمنده خانواده و بچه هایمان هستیم.

*روز دوشنبه ۲۰ خرداد، بازنشستگان کشور از نقاط مختلف کشور، به دنبال فراخوان منتشره در شبکه های اجتماعی در اعتراض به عدم همسان سازی حقوق و سطح پایین مستمری شان دست به تجمع مقابل صندوق بازنشستگی واقع در میدان فاطمی تهران زدند. به گزارش ایلنا، یکی از بازنشستگان تجمع کننده گفت: طبق قانون خدمات کشوری بین شاغلان و بازنشستگان نباید بیشتر از ۲۰ درصد اختلاف حقوق وجود داشته باشد. اما امروز حقوق بازنشستگان نسبت به شاغلان بسیار پایین تر است و این اختلاف به ۵۰ درصد نیز می رسد.

*روز دوشنبه ۲۰ خرداد، کارگران ترابری دریچه سد کارون ۳ در بخش دهدز شهرستان ایذه برای اعتراض به عدم پرداخت مطالبات شان برای دومین روز متوالی دست از کار کشیدند و ترابری دریایی از اسکله رکعت به روستاهای شیوند، باجول، سادات موسوی و خدابخشیها در این مدت انجام نشد. به گزارش ایرنا این اعتراض عصر دوشنبه با حضور پیمانکار در محل و جلسه چند ساعته وی با نیروهای ترابری دریایی کارون ۳ و قول مساعد وی برای حل مشکلات آنها به پایان رسید.

*روز دوشنبه ۲۰ خرداد، ساکنان روستای طولیان که در ۷ کیلومتری شهر دهدشت مرکز شهرستان کهگیلویه قرار دارد از یک سو در اعتراض به قطعی مکرر آب شرب در این روستا و از سویی دیگر نسبت به اعمال سیاستهای آب و فاضلاب روستایی کهگیلویه در نحوه مدیریت آبرسانی به روستاهای بخش مرکزی اعتراض کرده و در جلوی فرمانداری دهدشت تجمع کردند. به گزارش تسنیم، با توجه به اینکه شغل اهالی روستای طولیان دامداری و کشاورزی است، در آستانه فصل تابستان و هوای گرم، استفاده از وسایل خنک کننده توسط همه مردم امری طبیعی است و بنابراین وجود آب شرب پایدار و استفاده روستاییان از یک جریان مستمر خواسته طبیعی و به حقی است.

*ظهر روز سه شنبه ۲۱ خرداد، رانندگان تاکسی در دهدشت برای اعتراض به پایین بودن نرخ کرایه مقابل فرمانداری تجمع کردند. به گزارش صبح زاگروس، براساس آخرین مصوبه سازمان تاکسیرانی شهر دهدشت نرخ کرایه تاکسی هرکورس برای هرنفر ۷۰۰ تومان و نرخ کرایه دربستی نیز ۲ هزار و ۵۰۰ تومان است.

*روز سه شنبه ۲۱ خرداد، کارگران خطوط تولید فازهای ۲ و ۳ کارخانه کاشی نیلوفر واقع در بیرجند (استان خراسان جنوبی) برای اعتراض به عدم پرداخت ۹ ماه حقوق دست از کار کشیدند و مقابل این واحد تولیدی اجتماع کردند. به گزارش خاورستان، یکی از کارگران این کارخانه، مهم ترین مشکل کارگران را معوق شدن ۹ ماه حقوق بیان کرد و افزود: از

نیمه سال ۱۳۹۵ تاکنون، یک ریال اضافه کاری کارگران پرداخت نشده و از تیر ماه تا دی ماه ۱۳۹۷ و همچنین از ابتدای سال جاری تا امروز حقوق کارگران پرداخت نشده است.

*روز سه شنبه ۲۱ خرداد، کارگران داربست بند پتروشیمی خوارزمی که از ابتدای خرداد سال جاری از کارشان اخراج شده اند و اکثراً از اهالی شهرک طالقانی شهرستان ماهشهر هستند، برای چندمین روز در گرمای طاقت فرسای جنوب، مقابل پتروشیمی بندر امام تجمع کردند. به گزارش ایلنا، با وجود مصوبه کمیسیون کارگری فرمانداری شهرستان ماهشهر مبنی بر ممنوعیت اخراج دسته جمعی کارگران، سریال اخراج کارگران کماکان ادامه دارد.

*روز سه شنبه ۲۱ خرداد، کارگران شرکت «ایرکست شاونبرگ» بندر ماهشهر با تجمع مقابل فرمانداری این شهرستان خواستار پرداخت هفت ماه حقوق معوقه خود شدند. به گزارش ایلنا، کارگران این شرکت که در زمینه اسکلت‌های فلزی سنگین کار می‌کنند از تابستان سال گذشته تاکنون شش بار در اعتراض به عدم دریافت حقوق خود دست به تجمع اعتراضی زده اند.

*بامداد روز سه شنبه ۲۱ خرداد، کارگران شرکت نکا چوب در اعتراض به عدم تمدید قرارداد و پرداخت نشدن حقوق سه ماه گذشته برای دومین روز مقابل درب شرکت تجمع کردند. قرارداد پرسنل نکاچوب در تاریخ ۳۱ اردیبهشت ماه ۱۳۹۸ به اتمام رسیده است و قرارداد جدیدی بین شرکت و پرسنل منعقد نشده است و کلیه کارگران بدون قرارداد در محل کار حاضر می‌شوند. ضمن اینکه تاکنون حقوق و مزایای پرسنل نیز در سه ماهه اول سال ۹۸ پرداخت نشده است.

*روز چهارشنبه اول خرداد، برای چهارمین روز متوالی، کارگران معدن سرب و روی کوشک واقع در فاصله ۱۶۵ کیلومتری شرق یزد و در ۴۵ کیلومتری شمال شرق بافق در اعتراض به کاهش حقوق دست به اعتصاب زدند. به گزارش ایلنا، به کارگران وعده داده شده مشکل شان در کمیسیون کارگری شهر مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

اعتصاب کارگران معدن کوشک بافق که از تاریخ ۲۹ اردیبهشت در اعتراض به کاهش حقوق آغاز شده بود، ادامه پیدا کرد. *روز چهارشنبه ۲۲ خرداد، اعتصاب و تجمع ۲۵ روزه کارگران معدن سرب کوشک که ۲۲ روز آن در خرداد ماه بود پایان یافت. به گزارش ایلنا، با وساطت فرماندار بافق، شورای کارگری و همکاری کارگران، مشکل کارگران این واحد معدنی مرتفع شده و کارگران معدن مشغول به کار شدند.

یکی از کارگران معدن سرب در تشریح مشکلات خود و سایر همکارانش گفت: کارگران معدن روباز سرب و روی کوشک به دلیل بکارگیری نیروی بازنشسته در آبان ماه ۹۷ و کسری حقوق خود از ۲۹ اردیبهشت به سر کار نرفتیم.

*روز چهارشنبه ۲۲ خرداد، کارگران کارخانه سیمان سپاهان مبارکه، برای اعتراض به عدم پرداخت دستمزد ۲ ماهه خود، در محوطه این کارخانه تجمع اعتراضی برپا کردند. به گزارش فارس، یکی از کارگران در این خصوص گفت: «دو ماه است که حقوق خود را دریافت نکرده ایم و معمولاً حقوقهای کارگران با تأخیر پرداخت می‌شود و وعده های توخالی می‌دهند. روز چهارشنبه ۲۲ خرداد، اهالی روستای آشنستان از توابع شهر قزوین، در اعتراض به وضعیت جاده این روستا، مقابل ساختمان استانداری قزوین تجمع کردند. به گزارش شاخص نیوز، روستای آشنستان در ۱۲ کیلومتری شهر قزوین قرار گرفته است و بعد از این روستا، روستاهای دسترجرد و امامزاده اباذر نیز قرار دارند. راه این روستا ۴۰ سال پیش آسفالت شده که اکنون وضعیت مناسبی ندارد و همین موجب نارضایتی اهالی روستا شده است.

*روز چهارشنبه ۲۲ خرداد، گروهی از اهالی روستای حسین آباد کالپوش در اعتراض به احداث سد کالپوش، مقابل مجلس رژیم تجمع کردند. به گزارش هرانا، تجمع کنندگان احداث این سد را غیر کارشناسی خواندند.

حسین آباد کالپوش، روستایی از توابع بخش میامی شهرستان شاهرود در استان سمنان است.

*بامداد روز چهارشنبه ۲۲ خرداد، ۵۰۰ کارگر کارخانه سیمان سپاهان واقع در ۴۵ کیلومتری جنوب غربی اصفهان در اعتراض به نداشتن امنیت شغلی، عدم پرداخت ۲ ماه حقوق و مشمول نشدن مشاغل سخت و زیان آور دست از کار کشیده و در محوطه این واحد تولیدی تجمع کردند. به گزارش فارس، یکی از کارگران معترض گفت: دو ماه است که حقوق خود را دریافت نکرده ایم و معمولاً حقوقهای کارگران با تأخیر پرداخت می شود و وعده های توخالی می دهند.

*روز چهارشنبه ۲۲ خرداد، کارگران شهرداری اشنویه در اعتراض به عدم پرداخت حقوق ماهانه برای سومین روز متوالی دست به اعتصاب زدند. به گزارش گُردپا، با وجود اعتصاب سه روزه کارگران شهرداری، مسئولان اقدامی جهت رسیدگی به مطالبات کارگران انجام نداده اند. شهرداری اشنویه تا کنون حقوق چهار ماه آخر سال ۹۷ کارگران خدمات شهرداری و فضای سبز را پرداخت نکرده است.

*روز شنبه ۲۵ خرداد، کارگران نانواپیه های دزفول در اعتراض به سطح پایین حقوق و وعده های پوچ مسئولان، دست به تجمع مقابل اداره کار این شهرستان زدند. به گزارش ایرنا، از ۱۹ دی ماه که نرخ نان افزایش یافته هیچ اقدامی برای افزایش دستمزد کارگران نانواپی صورت نگرفته و با وجود پیگیریهای فراوان هیچ ارگانی پاسخگوی نیست.

*روز یکشنبه ۱۲ خرداد، کارگران شهرداری کوت عبدالله، از توابع شهرستان کارون در استان خوزستان، مقابل ساختمان استانداری در اهواز و دفتر امام جمعه اهواز دست به تجمع زدند. معترضان دلیل تجمع خود را اعتراض به عدم پرداخت معوقات مزدی عنوان کردند. به گزارش ایرنا، تجمع کارگران معترض روز دوشنبه ۱۳ خرداد، برای ششمین روز متوالی مقابل استانداری خوزستان ادامه یافت.



به گزارش ایرنا، روز یکشنبه ۲۶ خرداد، تجمع کارگران فضای سبز شهرداری کوت عبدالله برای نوزدهمین روز متوالی مقابل استانداری خوزستان ادامه یافت.

شهرستان کارون به مرکزیت شهر کوت عبدالله در سال ۹۱ از شهرستان اهواز جدا شد. کوت عبدالله استیشن، خزامی، درویشیه، شریعتی-یک، کوت نواصر، کوی منتظری، گومیش آباد، گندمکار و هادی آباد از توابع شهرستان کارون هستند.

*روز یکشنبه ۲۶ خرداد، جمعی از کارگران

کارخانه لوله سازی اهواز برای اعتراض به تخلیه منازل سازمانی شان دست به تجمع مقابل بانک ملی در اهواز زدند. به گزارش ایلنا، کارگران تجمع کننده گفتند: به علت عدم پرداخت بدهی وام از سوی شرکت لوله سازی اهواز، نود و سه منزل مسکونی سازمانی در عوض وام به بانک ملی واگذار شده است.

*روز دوشنبه ۲۷ خرداد، کارگران شرکت نامی طیور گلستان در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات خود برای دومین روز متوالی دست به تجمع زدند. به گزارش پیام، کارگران شرکت نامی طیور گلستان واقع در غرب گرگان در خصوص

اعتراضهای خود گفتند: علاوه بر چندین ماه دستمزد معوقه، مدت ۱۰ سال است که تاکنون عیدی، پاداش، و سنوات خود از نیز دریافت نکرده ایم. گفتنی است این کارگران تاکنون چندین بار به اداره کار شکایت کرده اند ولی تاکنون جواب قانع کننده ای دریافت نکرده اند.

*روز سه شنبه ۲۸ خرداد، شماری از بازنشستگان کشوری، در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالبات شان مقابل مجلس رژیم، اقدام به برگزاری تجمع اعتراضی کردند. به گزارش ایلنا، معترضان مطالبات خود را اجرای دقیق قانون مدیریت خدمات کشوری، اجرای همترازی و همسان سازی، بالا رفتن مستمریها و ارتقای خدمات درمانی و بیمه ای، عنوان کردند.

*روز دوشنبه ۲۷ خرداد، اعضای تعاونی مسکن حوزه ستادی وزارت بازرگانی مقابل ساختمان اداره کل راه و شهرسازی استان تهران تجمع کردند. به گزارش ایرنا، تجمع کنندگان که از کارکنان و بازنشستگان وزارتخانه صنعت، معدن و تجارت هستند خواهان تامین زمین برای ساخت مسکن در قالب پروژه های مسکن مهر هستند.

*روز سه شنبه ۲۸ خرداد، کشاورزان روستای شاه بهرام در اعتراض به سازمان جهاد کشاورزی شهرستان باشت دست به تجمع زدند. به گزارش کبنا نیوز، سیلاب اخیر باعث خسارت به زمینهای زراعی در روستای شاه بهرام شهرستان باشت شده که این کشاورزان خواستار رسیدگی به خواسته های خود شدند. یکی از کشاورزان گفت: امسال با توجه به سیلاب و تخریب کانالهای آب حدود ۳۰ هکتار از اراضی برنج کاری انجام نمی شود. شاه بهرام، روستایی از توابع بخش باشت شهرستان گچساران در استان کهگیلویه و بویراحمد ایران است.

*روز سه شنبه ۲۸ خرداد، جمعی از شلتوک کاران شهرستان هویزه به نمایندگی از سایر کشاورزان این شهرستان در اعتراض به نبود آب به دلیل خشک شدن رودخانه کرخه نور (از شاخه های رودخانه کرخه در هویزه)، دست به تجمع مقابل ساختمان فرمانداری این شهرستان زدند. به گزارش ایرنا، یکی از کشاورزان حاضر در این تجمع گفت: کشاورزان این شهرستان همچون سایر شهرستانها اقدام به کشت شلتوک کردند؛ این محصول نیاز به آب فراوان دارد اما نزدیک به سه روز است که رودخانه کرخه نور خشک شده و امکان آبیاری زمینهای خود را نداریم. شهرستان هویزه در غرب خوزستان واقع است.

*روز سه شنبه، ۲۸ خرداد، جمعی از عکاسان و صاحب صنف عکاسی در مقابل ساختمان استانداری یزد دست به تجمع زدند. به گزارش تسنیم، رئیس اتحادیه عکاسان و فیلمبرداران استان یزد، با اشاره به این که تجمع عکاسان جلوی درب استانداری یزد دلایل متعددی دارد اظهار داشت: یکی از دلایل این عکاسان برای تجمع این است که اداره ثبت احوال استان با به کارگیری نیروهای خود، اقدام به عکس گرفتن از چهره مردم برای کارتهای ملی هوشمند می کند که مشکلاتی را به وجود آورده است.

*روز سه شنبه ۲۱ خرداد، دانش آموختگان حقوق در اعتراض به اعمال ظرفیت در آزمون وکالت و تأخیر مجلس در بررسی «طرح جامع پذیرش و آموزش وکالت» مقابل ساختمان مجلس رژیم تجمع کردند. به گزارش تسنیم، دانش آموختگان رشته حقوق از کمیسیون قضایی مجلس درخواست کردند هر چه سریعتر تکلیف این طرح را روشن کنند. روز دوشنبه ۲۷ خرداد، دانش آموختگان حقوق در اعتراض به عدم تعیین تکلیف با طرح جامع پذیرش و آموزش وکالت برای چندمین بار مقابل مجلس تجمع کردند.

روز سه شنبه، ۲۸ خرداد ۱۳۹۸، دانش آموختگان حقوق بار دیگر مقابل مجلس تجمع کردند.

*روز چهارشنبه ۲۹ خرداد، جنگلبانان چالوس در اعتراض به پرداخت نشدن ۵ ماه حقوق شان و ندادن حق بیمه در مقابل ساختمان معاونت سازمان جنگلها و مراتع کشور تجمع کردند. به گزارش ایرنا، قائم مقام معاونت امور جنگل سازمان جنگلها کشور با اشاره به تجمع جنگلبانان گفت: این سازمان با جدیت به دنبال حفظ حقوق جنگلبانان بوده و با مشخص شدن پیمانکاران جدید در کمترین زمان موظف به پرداخت حقوق و مزایای این نیروها هستند.

*بامداد روز چهارشنبه ۲۹ خرداد، جمعی از کارگران کارخانه کاشی نیلوفر بیرجند در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات و وعده های توخالی کارفرما و مسئولان طراز اول استان و شهرستان دست از کار کشیدند و مقابل استانداری خراسان جنوبی تجمع کردند. به گزارش خاورستان، جمعی دیگر از کارگران هم مقابل این واحد تولیدی تجمع اعتراض برپا کردند. کارگر معترض کارخانه کاشی نیلوفر بیرجند گفتند: فرمانداری و استانداری فقط ما را تهدید می کنند و می گویند این دفعه که آمدید، این گونه شد و اگر دفعه بعد بیایید معلوم نیست چه می شود، نگویید که نگفتیم. این تهدید به چه معناست؟ حتی شنیدیم از طرف مسئولان ادارات با مدیران کارخانه تماس گرفتند که؛ پول کارگران را بلافاصله پرداخت نکنید، بلکه دو ماه دیگر پرداخت کنید. چرا که اگر پرداخت کنید این تجمعها رو به رشد می شود و دیگر کارگران الگو می گیرند و ممکن است به این گونه اقدامات دست بزنند.

*روز سه شنبه ۲۸ خرداد، کارگران سیمان ایرانشهر در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهای معوقه خود در محوطه این کارخانه دست به تجمع زدند. به گزارش ایلنا، معترضان در این خصوص گفتند؛ کارفرما چندین ماه است که به بهانه مشکلات اقتصادی از پرداخت دستمزدهای آنها سرباز می زند. این کارگران که در نقطه صفر مرزی و در کمپهایی خارج از شهر در گرمای سوزان کار می کنند، در چند ماه گذشته، فقط چند بار علی الحساب ۲۰۰ یا ۳۰۰ هزار تومان گرفته اند. بامداد روز چهارشنبه ۲۹ خرداد، کارگران کارخانه سیمان کرمان برای دومین روز متوالی دست به تجمع زدند.

*روز چهارشنبه ۲۹ خرداد، ماموران انتظامی شهرستان ایرانشهر خودروی یک شهروند را متوقف کردند، شهروند مذکور گواهینامه رانندگی نداشت و مدعی شد ماموران از او طلب رشوه کرده اند. تنش بین ماموران و مقاومت راننده و تجمع شماری از شهروندان ایرانشهر در محل به درگیری منتهی شد. به گزارش کمپین فعالان بلوچ، در پی این درگیری و ضرب و شتم راننده توسط ماموران انتظامی، جمعی از شهروندان ایرانشهر در محل درگیری تجمع کرده و از راننده، حمایت کردند. نیروهای ضد شورش به محل تجمع آمده و با ضرب و شتم، شلیک تیر هوایی و اسپری فلفل اقدام به پراکنده کردن شهروندان معترض کردند.

اخبار کوتاه بر اساس ویدئوهای منتشر شده در شبکه های اجتماعی

پنجشنبه ۲ خرداد: تجمع جوانان و مردم زیباشهر اصفهان در اعتراض به گرانی و بی کفایتی مسئولان کشور/ تجمع دوباره کارگران کارخانه ایران قوطی واقع در شهرک صنعتی البرز در اعتراض به بلا تکلیفی خود/ تشکیل زنجیره انسانی توسط جوانان جوشقان قالی در ۶۰ کیلومتری کاشان و ۹۰ کیلومتری اصفهان در اعتراض به تخریب محیط زیست، برداشت بی رویه و حاکمیت مطلق یک شرکت بر کوههای منطقه جوشقان قالی

شنبه ۴ خرداد: رانندگان تاکسی در شهر جوانرود برای اعتراض ب ۵۰ پابین بودن نرخ کرای ۵۰ها دست از کار کشیده و تجمع کردند/ خیزش مردم خشمگین غیزانیه اهواز در اعتراض به نبود امکانات و محرومیت از حداقل امکانات. مردم خشمگین جاده اصلی اهواز به غیزانیه را بستند

یکشنبه ۵ خرداد: پس از کشته شدن یک جوان زاهدانی، مردم خشمگین تجمع کرده و دست به اعتراض زدند. ماموران برای پراکنده کردن مردم اقدام به شلیک تیر هوایی کردند/ تجمع اولیای دانش آموزان دبستان دخترانه نرجس در عظیمیه

کرج مقابل ناحیه یک آموزش و پرورش کرج/ تجمع غارت شدگان موسسه بدر توس در مشهد مقابل ساختمان استانداری خراسان رضوی.

دوشنبه ۶ خرداد: اعتصاب و تجمع کارگران شرکت «ای جی سی» فاز ۱۴ پارس جنوبی در اعتراض به عدم پرداخت ۶ ماه حقوق معوقه

سه شنبه ۷ خرداد: تجمع اعتراضی غارت شدگان مؤسسه مالی کاسپین مقابل ساختمان بانک مرکزی در تهران/ تجمع غارت شدگان سایپا دیزل مقابل شرکت سایپا دیزل در تهران. آنها سه سال است که منتظر کامیونهای خود هستند/ اعتصاب رانندگان خودروهای مدیریت پسماند شهرداری ارومیه در اعتراض به نپرداختن حقوقهای عقب مانده شان

چهارشنبه ۸ خرداد: اعتصاب کارگران کانی سیب در بیگم قلعه نقده در اعتراض به عدم پرداخت حقوق معوقه و عیدی سالانه

پنجشنبه ۹ خرداد: تظاهرات مردم خاش در استان سیستان و بلوچستان جلوی فرمانداری و بستن راهها در اعتراض به بستن مرز و کدینگ کارتهای سوخت

یکشنبه ۱۲ خرداد: تجمع غارت شدگان مجتمع مسکونی عباس زاده مقابل بیدادسرای ایلام/ تجمع غارت شدگان موسسه کاسپین در مقابل بانک مرکزی در تهران/ تجمع اعتراضی مردم روستای بزمین آباد بخش گهرباران ساری در خصوص آب آشامیدنی

دوشنبه ۲۰ خرداد: تجمع و راهپیمایی غارت شدگان مؤسسات مالی کاسپین و ثامن الحجج در تهران مقابل بیدادسرای پولی و بانکی/ تجمع مردم گلشهر گلپایگان در اعتراض به زمین خواری حکومت برای ایجاد پالایشگاه جی تی ال. مردم معتقدند منطقه گلشهر دارای هوای پاک است و یک منطقه کشاورزی و دامداری است.

سه شنبه ۲۱ خرداد: تجمع سپرده گذاران سایت طلای ثامن مقابل ساختمان بیدادستانی تهران/ تجمع خریداران خودروهای ثبت نامی از شرکت رامک خودرو

چهارشنبه ۲۲ خرداد: تجمع غارت شدگان شرکت عظیم خودرو مقابل ساختمان وزارت بیدادگستری در تهران/ اعتصاب رانندگان اتوبوس تهران ضلع شرقی استادیوم آزادی در اعتراض ب ۵ کمی نرخ کرای ۵ و مشکلات صنفی

یکشنبه ۲۶ خرداد: تجمع سپرده گذاران موسسه کاسپین و ثامن الحجج مقابل ساختمان بانک مرکزی/ تجمع اعتراضی حامیان محیط زیست اصفهان مقابل استانداری

پنجشنبه ۳۰ خرداد: تجمع جمعی از حامیان محیط زیست اصفهان مقابل استانداری و برافراشتن پلاکاردهایی در اعتراض به وضعیت زاینده رود و گاوخونی.



شهدای فدایی در تیر ماه

رفقا: کاظم سلاحي - احمد خرم آبادی - محمدکاظم غبرایی - بهمن راست خدیو - محمدعلی خسروی اردبیلی - نسترن آل آقا - گلرخ شهرزاد مهدوی - نادعلی پورنغمه - حمیدرضا هزارخانی - مارتیک قازاریان - نزهت السادات روحی آهنگران - محمود عظیمی بلوریان - یدالله زارع کاریزی - اسماعیل نریمیسا - حبیب برادران خسروشاهی - محمد رضا (امیر) قصاب



آزاد - محمد علی خسروی اردبیلی - مسعود فرزانه - علی رضا الماسی - حمید اشرف - یوسف قانع خشکه بیجاری - غلامرضا لایق مهربان - محمدرضا یثربی - فاطمه حسینی - محمدحسین حقنواز - طاهره خرم - عسگر حسینی ابرده - محمد مهدی فوقانی - غلامعلی خراط پور - علی اکبر وزیری - مهدی (بهزاد) مسیحا - حمید آرین - بهزاد امیری دوان - افسرالسادات حسینی - نادره احمد هاشمی - سیمین توکلی - علی خصوصی - علی اکبر حق بیان - عبدالله سعیدی بیدختی - حجت محسنی کبیر - حمید ژیان کرمانی - کامران رضوانی - غلامرضا جلالی - خسرو مانی (مائی) - توفیق قریشی - آسمر آذری یام - بهمن راست خدیو - شفیع رضانی - نادر ایازی - کریم فتحی - غلام حسین خاکباز - عبدالحسین عنانی شیشوان - سیاوش حمیدی - علی حمیدی مدنی - طوبی مولودی - علی اکبر حیدریان - کمال محمدی - سینا کارگر - روح انگیز دهقانی - نوروز قاسمی - ناصر فضل الهی - حمید فضل الهی - حسین تنگستانی - علی رضا فارسیان - اسماعیل حسینی - فرشته گل عنبریان - هادی کاکاخانی - احمد (ناصر) باختری - ناصر ممی وند، طی سالهای ۴۹ تاکنون در مبارزه مسلحانه با مزدوران امپریالیسم و ارتجاع و یا در زندانهای دژخیمان ستمگر شاه و خمینی به شهادت رسیدند.

نابود باد امپریالیسم و ارتجاع جهانی
زنده باد استقلال، دموکراسی، صلح و سوسیالیسم

نبرد خلق

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

سر دبیر: زینت میرهاشمی

هیات دبیران: منصور امان، زینت میرهاشمی

هیات تحریریه: منصور امان، زینت میرهاشمی، مهدی سامع

همکاران نشریه: امید برهانی، فرنگیس بایقره، اسد طاهری، کامران عالمی نژاد، فتح الله کیائیهها

چاپ: انجمن فرهنگی نبرد

NABARD - E - KHALGH

No : 413 / 22 Juin 2019

Organ of the Organization of Iranian People's Fedayee Guerrillas

Executive Editor: Zinat Mirhashemi

Fax: Italia / 39 - 085 802 53 56

Price: \$ 1 – 1 euros

NABARD / B.P. 77 /91130 Ris orangis /FRANCE

NABARD /P.O Box , 1361 / Paramus.NJ / 07653 U.S.A

NABARD / Casella Postale 307 / 65100 Pescara / ITALIA

www.iran-nabard.com

E.Mail: nabard@iran-nabard.com

Published by : NABARD CULTURAL ASSOCIATION

NABARD - E – KHALGH in Telegram ///@nabard_khalg --- https://telegram.me/nabard_khalgh

NABARD - E – KHALGH in Facebook //// <https://www.facebook.com/nabardekhalghe/>

آدرسهای سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

در شبکه جهانی اینترنت

نشریه نبرد خلق، اخبار و فراسوی خبر، رادیو پیشگام، تحلیل مسائل روز،

دیدگاهها و رویدادهای روز ایران و جهان

www.iran-nabard.com

www.jonge-khabar.com

www.radiopishgam.com

www.fadaian.org